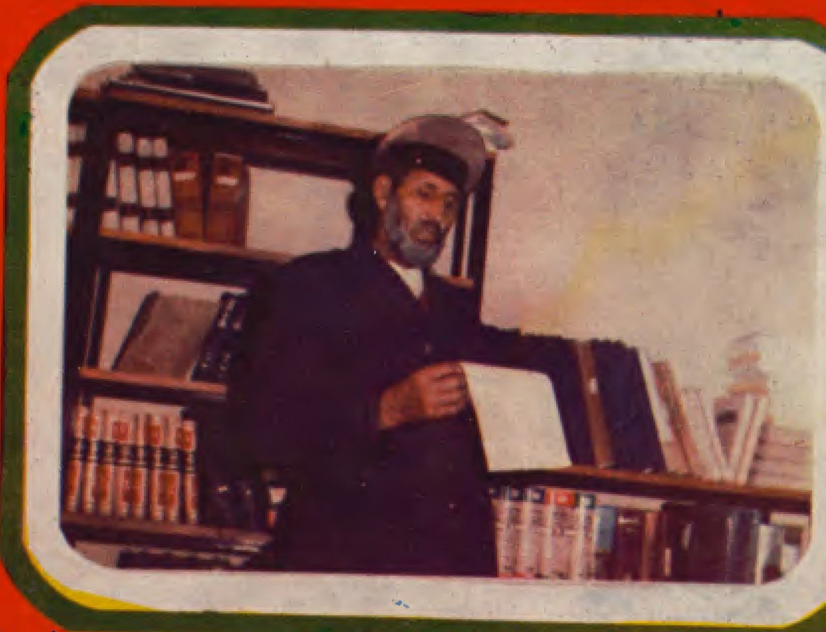
ژوندون



شنبه ۲۱ سنبله ۱۳۶۰
۱۲ سپتمبر ۱۹۸۱









اختصار وقایع مهم

ببرك كارمل منشى عمومى كميته مركزى
ب دمو كراتيك خلق افغا نستان ورئيس
راى انقلابى جمهورىدموكراتيك افغانستان
ر۷سنبله‌ژورناليست هاى كشور هاى
پان ، سر يلانكا، جمهوريت آلمان فدرال
د ، اتحاد شوروى ، چكوسلواكيا ولبنان
در قصر گلخانه‌مقر شوراى انقلابى پذيرفته
ر فضاى آزاددموكراتيك ودوستانه بسوالات
ورناليست ها پاسخ دادند .

* * *

پيام تسليت از طرف كميته مركزى حـــزب
و كراتيك خلق افغا نستان بمناسبت در-
شت ويكريما سنگيه رئيس حزب كمونست
ريلا نكا عنوانى كميته مركزى حـــزب
كمونست سريلانكا به كولمبو مخابره گرديد.



ببرك كارمل منشى عمومى كميته مركزى ح.د.خ.ا. ورئيس شوراى انقلابى ج.د.ا. هنگاميكه هيأت ژورنالست هاى خارجى راپذيرفته وبه سوالات ايشان پاسخ‌ميدهند .

دافغانستان دخلك دموكراتيك گوند دمركزى كميتى دعمومى منشى او دافغا نستان دديمو- كراتيك جمهوريت دانقلابى شورا رئيس ببرك كارمل لخوا دشوروى اتحاد دكمونست گوند دعمومى منشى او دشوروى سوسيا ليستى جمهور يتونو داتحاد دعالى شورا درئيسه هيات دصدر ليونيد ايليچ بريژنف په‌نامه دمننى پيغام مسكو ته مخابره شويدى .



كله چى دافغانستان دخلك دموكراتيك گوند دمركـــزى كميتى عمومى‌منشى اودافغانستان ددموكراتيك جمهوريت د انقلابى شو
ببرك كارمل دشوروى اتحاد هيأت منلى اود عفوى سره خبرى كوى .

ازطرف ببرك كارمل منشى ع
مركزى حزب دمو كراتيك خلق ا
رئيس شوراى انقلابى جمهورى د
افغا نستان تيلگرام تبريكيه بمناسبت
سالگرد انقلاب‌اول‌سپتامبر عنوانى
رهبر انقلاب اول‌سپتمبر جما هير
عربى ليبيا به طرابلس مخابره ش

* * *

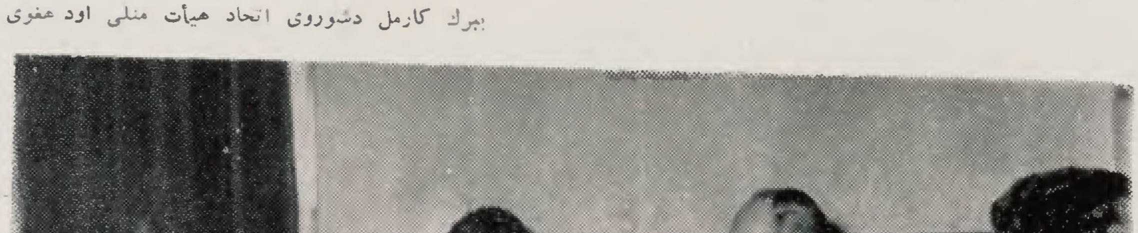
دافغا نستان دخلك ديموكرا
دمركزى‌كميتى عمومى منشى او د
ددمو كراتيك جمهوريت دانقلابى
ببرك كارمل دسنبلى ١٤ نيته د
شورا دمقر گلخانى په ماني ك
اتحاد داوبو لگولو دوزارت لومړى
زاده او دهغه ملگرى هيأت دكتنى

* * *

دافغا نستان دمو كراتيك
كميتى دعمومى منشى اود انقلابى
ببرك كارمل او دافغا نستان د
جمهوريت د وزيرانو دشورا درئ
كشتمند له خوا د ويتنام دس
جمهوريت دملى‌ورځى‌له‌امله‌دويتنا
گوند دعمومى منشى ليدوان او

صدراعظم فام‌وان‌دونگ په‌نامه
دسنبلى ۱۱ نيټه هانوى ته

* * *



ك كارمل منشى عمومى كميته
دمو كراتيك خلق افغانستان
انقلابى جمهورى دمو كراتيك
لگرام تبريكيه بمناسبت هفتادمين
تودور ژيفكوف منشى عمومى
حزب كمونست بلغاريا ورئيس
جمهورى مردم بلغاريا بـــه
گرديده است •

دافغا نستان دخلك دمو كراتيك گوندمركزى
كميټى عمومى منشى او دافغا نستان د دمو ـ
كراتيك جمهوريت دانقلابى شورا رئيس ببرك
كارمل دسنبلى په۲۱نيټه مازيگردوه تنه هندى
او ايټالوى ژورنا لستان دانقلابى شورا په
مقر كى ومنل •

سلطانعلى كشمتند عضو بيروى سيا سـى
كميته مركزى حزب دمو كراتيك خلق افغا ـ
نستان و رئيس شوراى وزيران ، بعد از ظهـر
۱۲ سنبله پلات زاده معين اول وزارت آبيارى
اتحاد شوروى و هيات همراهانش رادر مقر
شوراى وزيران پذير فته با ايشان ملاقات
نمودند •

از آنجائيكه دفاع از ميهن ، دفاع از آزادى
وتماميت ارضى از پدران و نياكان ما به ارث
مانده است مردم وطنپرست وسلحشور كشور
باروحيه عالى وبادرك مصوبه شوراى وزيران
جمهورى دمو كراتيك افغا نستان درباره جلب
واحضار سر بازان و خرد ضابطان استقبـا ل
نموده ودر چند روز گذشته هـــزاران جوان
وطنپرست وباشهامت كه واجد شرايط جلب
واحضارميباشند در كميسارى هـاى نظامى
مناطق مربوط مراجعه نموده وبراى پيوستن
در قواى مسلح قهرمان ما با شادمانى ثبت نام
كرده اند •

* * *

سومين جلسه كميسيون اجرائيه كميته ملى
جبهه ملى پدر وطن تحت رياست داكتر صالح
محمد زيرى عضو بيروى سياسى و منشى
كميته مركزى حزب دمو كراتيك خلـــق
افغا نستان ورئيس كميته ملى جبهه ملى پدر
وطـن در مقر جبهه ملى پدروطن برگزار شد
شد •



سلطانعلى كشتمند رئيس شوراى وزيران هنگام ملاقات با پلات زاده معين اول وزارت آبيارى اتحاد شوروى .



پیک ثور

«مردم سلحشور و با شهامت افغا نستان‌در طول تاریخ باستانی کشور ما همواره از
استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور خویش چون مردمك چشم دفاع نموده
ودر این راه مقدس از دادن هیچ نوع قربانی‌دریغ نورزیده اند .»

ببرك کارمل

شنبه ۲۱ سنبله ۱۳۶۰، ۱۲سپتا مبر ۱۹۸۱

نیرو مند باد قوای مسلح قهرمان ما

لی و دمو کراتیك تـــور
و حمایت ملیون هـــا
کش و عذاب دیده میهن
ت رفاه و آرامش مـردم
ور مابه پیروزی انجامیده
دوران ر شد و تکامـل
یروز مندانه می پیمایـد
ت که بخوا ست زمان و
ی جامعه ما پیروز گشته
انقلاب آزادی بخش که
کم ومر گباری را بـــر
ع ، فیودا لیزم و امپریا۔
ورده است موجب‌آن شده
دشمنان مردم افغانستان
لاب ثور و دست آوردهای
آن بـپا خیز نـد و علیه
افغا نستان ، توطئه ها،
و حتی مداخلات بی شر۔
اندازند .

م آزاده و قهرمان ما که
و دمو کراتیك ثور بـه
اراده آنان به پیـــروزی
و دســت آورد هـــای
ا برای آن ها به ارمغا ن
امروز در برابر اینگو نه
تجاوزات ارتجا عـــی ،
ی و امپر یالیستی بـــی
شسته از انقلاب خـود

بخصوص بعدازمرحله نوین وتکاملی انقلاب آزادی بخش ثور هرفیصله و تصویبی را که بمیان مـــی آورد هدف نهایی آن رفاه وآرامش مردم و ایجاد یك جامعه آباد و شگو فان در کشور است ،، تصاویب وفیصله های آن همیشه مورد استقبال گرم مردم زحمتکش کشور قـرار مـی۔ گیـــرد .

به سلسله همین‌تصاویب وفیصله های دولت مردمی ماست که‌شورای وزیران جمهوری دمو کراتیك افغا۔ نستان به مقصد تقو یت هـــرچـه بیشتر قوای مسلح کشور و تشدید مبارزه عـا د لانـه علـیه د شمنان آتش به جان مردم افغا نستان ایـن مزدوران گوش بفر مان ارتـجاع و امپر یالیزم و ایجاد یك فضای کا ملا آرام‌و صلح آمیز در کشور مصوبه‌ای را در مورد جلب و احضار قسمـــی سربازان وخرد ضابطان قطعه کـه قبلا در قوای مسلح کشور خد مـت نموده اند به صفوف قوای مسلـــح قهرمان کشور به تصو یب رسانید که‌مورد استقبال‌گرم وپرحرارت‌کافه مردم نجیب کشور به خصو صـــ جوانان واجد شرایط جلب و احضار

فقره سوم این مصوبه برای آن عده‌از جوانان کشور که به خدمت مقـدس عسکری «دوره احتیاط» جلب مـــی شوند در صور تیکه معاش ماهوار آن ها از سه هزار افغانی تجـــاوز نکند ماهانه مبلغ سه هزار افغا نی‌و برای آن عده از مجلو بینی که ازسه هزار افغانی اضافه تر معاش اخـــذ می دارند معادل معاش فعلی شـــان معاش پر داخته میشود . از سـوی دیگر به اساس حکم فقره دوم ایـن مصوبه برای مجلو بین دوره احتیاط بعد از سپری نمودن یك سال خدمت در قوای مسلح از دوره احتیاط آن‌ها دو چند تنقیص میگردد .

موجود یت اینچنین تسهیلات در حیات داخل اردو و خدمت به ما در وطـن مو جب آن گـــر د یـده ا ست تـــا ر و ز ا نــه صد هاو هزار ها جوان وطن پرست میهن مابا درك مسوولیت‌های تاریخی واجتما۔ عی خـود در برابر وطن، انقـلاب و جامعه به طور آگاهانه وداو طلبانه به صفوف رزمنده قوای مسلـــــح جمهوری دمو کراتیك ا فغـا نستان به‌پیوندند واز این طریق از انقـلاب

در این شماره

اتحاد مردم ما ضامن تامین امنیت است

ك‌مابه پیروزی های
ست . افق این پیروزی
ا ر و ز تـــا پهنـــه
ی می‌یابد . روز تا روز
د شمنان بی آزرم‌انقلاب،
ار تجاع و امپریالیزم‌باز
ر های مقابلهٔ‌ضد انقلاب
هم شکسته شده ، فتح

ب های بزرگ د شمنان
ادی، تمامیت ار ضی ،
ما ، گروپ های اجیر
، شده از خارج‌باقاطعیت
ه اند ، لیکن می شود،
ضد انقلاب را که هنـوز
ل ترو ر یستی، رهزنی،
دست میزنند ، و هر آن
اند تا به دستور‌باداران
ای یك جنایت به انجام

ولی آنچه رزمندگان راه عمران و سر بلـــندی افغانستان را ملزم میسازد تا با وجودشکست ها و تجرید شدن های پی در پی ضد انقلاب، همچنان قاطعیت کارایی و برایی انقلابی‌خویش را در امر مقدس سر کوب گروپ های با قی مانده دشمنان و طن، حفظ و نگهداری‌نمایند . همانا مسئله ایست که، از ضرورت ا سترا ـ تیژیك مبارزه علیه دار و دستهٔ ضد انقـلاب وپایگاه بین المللی آن منشاء می‌گیرد .

مردم آزاده ، د لاور و ز حمتکش ما گواه‌اند، که باآن همه کار شکنی ها ، ا خلالگری هـــا وسنگ اندازی های اهریمنانهٔ د شمنان آزادی ورفاه وطن با آن همه توطئه ها و مداخلات وتجاوزات امپریا لیزم جهانی در راس امپریا ـ لیزم خون آ شام ایالات متحده امریکا، حـزب ودولت انقلابی افغانستان پلان ها و نقشه های مهم وانقلابی را در زمینه هـــای اقتصادی و اجتماعی ، توانست به منصه اجرا بگذا رد ، که اگر تجاوزات امپر یالیستی و مدا خلا ت همه جانبهٔ د شمنان داخلی و خارجی انقلاب‌به مقابله علیه انقلاب افغانستان قد راست نمی‌ ـ کردند ، با قاطعیت می توان گفت ، که بـــه پیروزی های د رخشان و د ر خشا نتری‌نیز، در همه ز مینه ها نایل می آ مدیم . با ر ی مداخلات و موانع ایجاد نمودن های دشمن علیه

که دیگر نمی تواند بر توده های مردم‌افغانستان ستم براند ، چپاول کند و تاراج وثروت بیـا نباید ،طبیعی است که بخاطر احیای منافع طبقاتی ، سیادت وآقایی‌خویش تلاش‌میکنند وتلاش خوا هند کرد د شمنان‌مردم افغانستان که دیروز به ملیون ها هموطن ما ، بیشرمانه ستم می راندند ، وچون برده‌گان طبیعی وزر خرید خویش بدانها می نگریستند امروز حوصله دیدن گرسنه هاو برهنه های را کـه منگنه فساد و عشرت ناشی از تسلط نـظـام های سیاه گزشته ، برای آ نان ناز و نعمت می آفریدند و لی اکنون با پیروزی ا نقـلاب ملی ـ دموکراتیك افغانستان جایگاه خو یش‌را بدست‌آورده اند ، نداشته و هر گز نخوا هند داشت . اما این دیگر قطعیت یافته است کـه تلاش‌دشمن‌باآنهمه امکانات و پایگاه های بین المللی ، عبث است و تلاش بیهوده ئـی بیش نتواند بود .

کشور انقلابی و قهر مان ما ، ا ستوار و شتابان به طرف ایجاد ا منیت کامل و رفـــاه

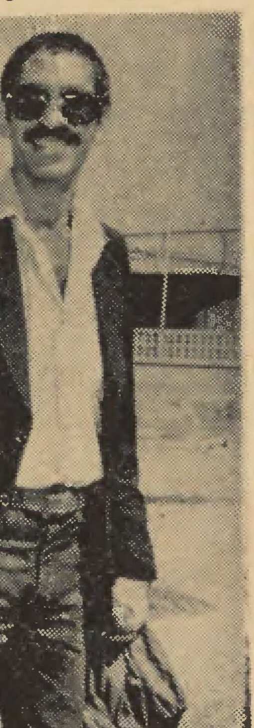
کرده اند ، بارز ترین گواه است که مصمم‌اند باز و باز پشتیبانی و صداقت انقلابی‌خویش رانسبت به حزب و دو لت انقلابی مان تبارز دهند .

مصوبهٔ شورای وزیران و پشتیبانی قاطع مردم از این مصوبه به پاسخ جدی وانقلا بی دیگریست ، بر تمام تبلیغات ضد انقلا بیون افغانستان . دشمنان میهن انقلابی‌ما ، که‌تاحال تبلیغ می کردند ، دو لت برای سر با زا نیکه دورهٔ خدمت خویش را سپری کرده انـــد ، ترخیص نمی‌دهد بااعلام این مصوبه باز هـــم رسوا و رسوا تر گردیده و نیز همز مـــان پلان های شیطانی شان را در را بطه بااینکه گویا بعداز ترخیص دادن به سر بازان که‌دورهٔ خدمت خویش را سپری کرده اند، می توا ند باز به قتل ، کشتار و چپاول و تاراج مـــردم بیگناه ما دست بیازند ، مجدانه نقش بر آب نمود .

پیوستن مردم ما به صفوف قوای مسلح و دفاع قهر ما نانه شان از انقلاب نه تنهابیانگر این است که انقلاب با نیرو های عظیم مردمی مجهز شده است ، بل گویای درك ر وشن مردم ما از ا همیت وارزش تامین ا منیت عام وتام برای کشور نیز می باشد .

حالیا که اتحاد خلل ناپذیر مردم‌ما بمنظور

مجدد منافع آ زمندانه
می نمایند تا درتبانی با
نیزم چین و در راس امی
ایالات متحده امریکا فضا
میهن محبوب ما را بر ه
مردم ما در فضای صلح
وپر ثمر خود در راه آ
وجا معهٔ شان بپر دازند
سرحدات کشور ما تسلیم
میگردند و برای اجرای ا
انقلابی بوطن ما اعزام م
بی گناه رابــه قتل مــی
مدارس ، مکاتب و دیگر
عام المنفعه را به آتش‌می
پلها و پلچك ها موانعی



مسعود «ر

ومرور مردم شرافتمند کشو
خـلاصه اینکه ترور ، و حش
وآدمکشی شیوه این جنایت
از خارج است .

وی علاوه می کند : در ت
که مردم ما به صلح و آرا
وفضای آ رما و صلح آمی
باند های اجیر شده بر هم
هم میهنان ما بخصوص نسل
تاآگا هانه و جوانمردانه بپا



سر باز می شوم تا از وطن مردم و انقلاب خود دفاع نمایم

هموطنان عزیز و گرامی‌ما ، ا طلاع دارندکه چندی قبل شورای وزیران جمهوری دموکراتیك افغانستان مصوبه‌ای را در مورد جلب واحضار قسمی آنعده سربازان‌وخردضابطان قطعه‌که قبل از سی میزان ۱۳۵۷ در صفوف قوای مسلـــح جمهوری دمو کراتیك افغانستان خدمت مقدس عسکری راسپری نموده ترخیص اخذنموده‌اندبه تصویب‌رسانیده‌بدست‌نشرسپردکه مورداستقبال گرم و زاید الوصف جوانان آگاه و وطن‌پرست کشور قرار گرفت .

قرار داشته باشند گفت و شنو دی بعمل‌آودره است که در ذیل از نظر شما می گذرد :

ـ احمد صمیم « شکیبا» ما مور شرکت حاجی آق مراد که در رشته تکنا لوژی چرم تحصیل کرده است و دورهٔ مکلفیت عسکری خودرا در سال ۱۳۵٦ در بلوك قرار گا ہکندك توپچی غند مفرضه حــربی پوهنتون سپــر ی نموده است و فعلا بیست و هشت سال دارد در مورد اینکه چرا بطور داو طلبانه حا ضر شده است تابدر خواست شورای و ز یــران



حبیب الدین سرباز داوطلب دورهٔ احتیاط

حاکمیت ملی ، استقلال ملی ، تما میت
شرف ونوامیس‌ملی مردم زحمتکش کشو
بشمار می آید و بر همه و طنداران وو
پرستان هست تا در امر تقویت مزید آن
دل بکوشند ، جوانان حایز شرایط شمو
صفوف قوای مسلح خواه برای سپری ک
دورهٔ‌مکلفیت عسکری و یا دورهٔ احتیاط‌داو
وبیدرنگ حاضر شوندتابه صفوف‌آن بپ
وچنانچه هم می پیوندند و پد ران و ما
که به آرامی و آسوده حالی خود و د
مو جودیت فضای آرام آزاد و صلح آ
کشور خود علاقه دارند اولاد های خود
پیوستن به صفوف قوای مسلح جمهوری
کراتیك افغانستان بیش از پیش تشویق
وپهلوهای مثبت این وجیبهٔ بـزرگ م
به فرزندان خود روشن بسازند تا آنها
هرچه تمامتر خود را در صفوف قوای
قهرمان و انقلابی کشور مـا شامـل ن
وانطوریکه توقع می رود در خدمت وا قع
زحمتکشان افغانستان قرار گیرند .

ـ موصوف بجواب این سوال که آیا
فا میلی مشکلی دارید یا چطور گفت: و
محبوب ما در شرایط کنونی به صلح و
بیشترنیازمنداست اگرمابتوانیم باندهای
صادر شده از خارج را بزودی هر چه ت
از کشور محبوب خود محو و نا بود بس
مداخلات بیشر مانه ار تجاعی ، هژ مو
وامپریالیستی از کشور ما قطع گردد و
به همت والای ز حمتکشان انقلابی افغا
راه تــر قـــی و پیشرفت را در
گیرد آ نوقت هیچ مشکلی وجود نخوا ه
داشت ، بنابر آن در شرایط کنونی نبـ
بر مشکلات شخصی نسبت به مشکلات‌اج
ار زش ز یاد قایل گردید و باید برای
مشکلات عامه چاره هایی جست و در
آن بر آمد . هرگاه این مامول بر آورده
آنگاه من هم مشکلی نخواهم داشت .

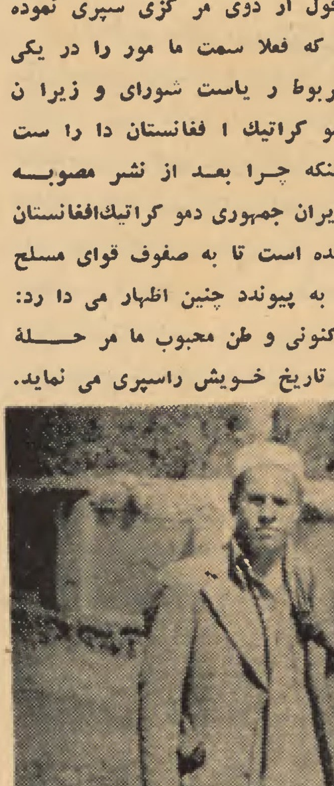
حسام الدین میخانیك ر یاست گر
نیز جوانی است که سی سال دارد و
حاضر شده است تابرای سپری نمو دن
احتیاط به صفوف قوای مسلح قهر مان
شامل گر دد ، ازوی سوالی بعمل می
که آیا مصوبهٔ شورای و زیران جمهوری
کراتیك افغانستان را در مورد جلب و ا
سر بازان و خرد ضابطان قطعه به غور
نموده اید و از نظر شما کدام نکات آن
جلب توجه می نماید ؟ میگوید :



... صحنه یی رانشان میدهدکه‌جوانان‌داوطلب سپری‌نمودن دورهٔ احتیاط باشور ونوای‌انقلابی روانه خدمت مقدس زیربیرق می‌گردند.

... و برای سپری نمودن دورهٔ‌یکساله
... صفوف قوای مسلح جوان وانقلابی
... نام نمایم .

... له جوان داو طلب د یگری است‌که
... سال دارد و درسال ۱۳۵۰ دو رهٔ
... کری خود را در یکی از قطعات‌مربوط
... ول ار دوی مر کزی سپری نموده
... که فعلا سمت ما مور را در یکی
... ربوط ر یاست شورای و زیرا ن
... و کراتیك ا فغانستان دا را ست
... نکه چرا بعد از نشر مصوبـه
... یران جمهوری دمو کراتیك‌افغانستان
... ده است تا به صفوف قوای مسلح
... به پیوندد چنین اظهار می دا رد:
... کنونی و طن محبوب ما مر حـلهٔ
... تاریخ خـویش راسپری می نماید.



... پیروزی و رشد و تکا مل ا نقلاب ملی
ودمو کراتیك ثور کار تجاع وامپر یا لیـزم
جنگ اعلام ناشده‌ای را بر ضد این انقلا ب
برگشت ناپذیر براه انداخته است ، در این‌جا
وظیفه همه وطن پرستان و هم میهنان ما است
تا با همه نیرو و توانی که در بدن دارنـد
برضد این جنگ غیر عا د لانه و نا اعلام شده
ارتجاعی ، هژمونیستی و امپریالستی برزمند
واز و طن وانقلاب خود دفاع نمایند .

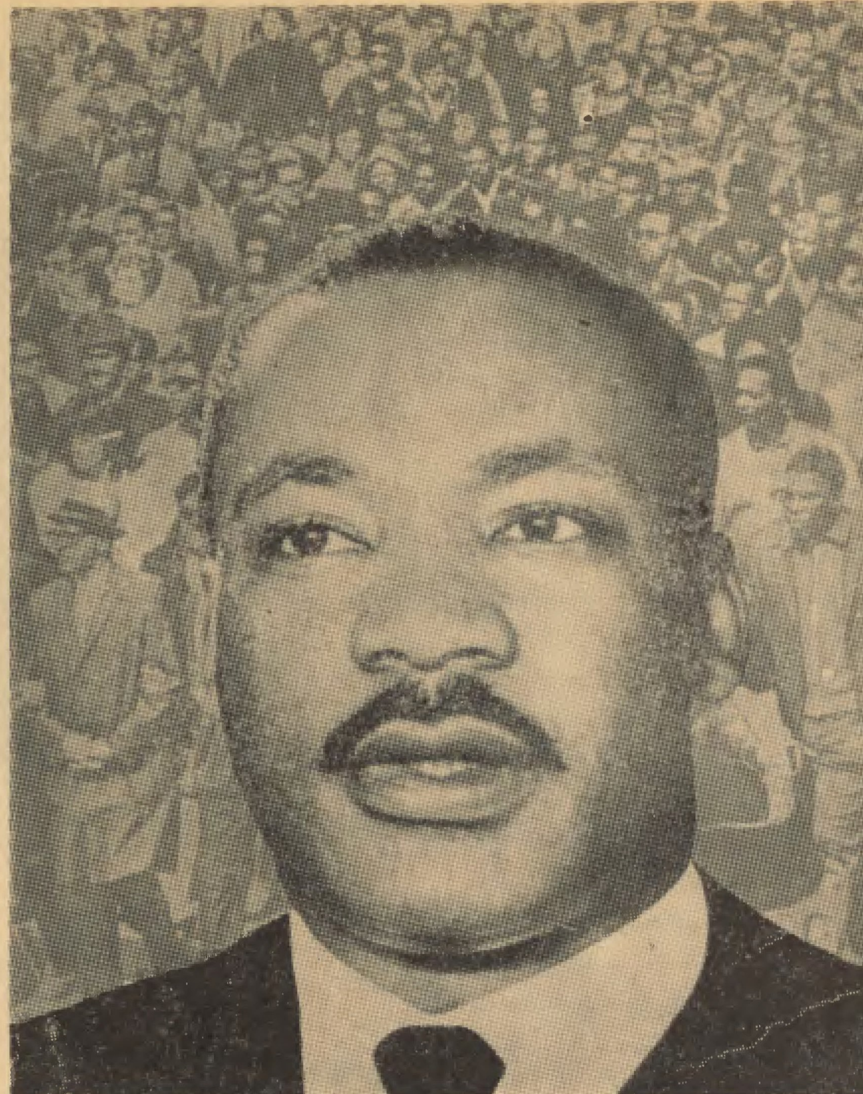
مو صوف علاوه می کند : ا عضای فا میل‌مرا
هفت نفر تشکیل می دهد که مر کب از خـود،
خانم و پنج فر زندم می باشد آن ها مرابرفتن
به خدمت زیـر بیرق جمهوری دمـوکـراتیك
افغانستان تشویق می نمودند تا اینکه مـن
به و لسوالی مربوط خود یعنی و لسوالی‌ده‌سبز
وبه کمیسیون جلب و احضار مراجعه نمو دم
ودر قو ماندانی خارندوی همین و لسوا لـی
شامل خدمت شدم که در این صورت‌هم میتوانم
از انقلاب ووطن خود د فاع نمایم و هم ازفامیل
خود دید و باز دید بعمل آورده به ر فـع
مشکلات آنها نیز بپر دازم .

وی در خاتمه میگوید: وطن از همهٔ ما وشما
کارمی خواهد فرقی نمی کند که تادیروز مـن
در شعبه کار می نمودم و امروز که ضرو رت
افتیده‌است و به صفوف قوای مسلح کشو ر

دراین جا است که آ یا با پیوستن به‌صفوف
قوای مسلح انسان در خـدمت چه کسانی
قرار می گیرد ؟ در دوران سیاه زمـامـداری
آل یحیی ار دو حافظ منافع مشتی از اقلیت



عبدالله



مارتین لوتر کینگ

ترجمهٔ قاسم «سرمد»

من هم یك انسانم

* * *

مارتین لوتر کنگ رهبر سیاهان چگونه بقتل رسید؟

بعداز چاشت روز ٤ اپریل ١٩٦٨ ... وبلاردی در منزل فوقانی در اتاق نمبر (٥)

داشتند که اتحادیه آنها برسمیت شناخته شود ودر معاش آنها ساعت (٦٠) سنت افزودی بعمل آید • بناروال شهر این تقاضا را رد کرده بود •

بناروال در هر اس بود قبول تقاضا وتزیید معاش آنها مستخدمین دیگر یعنی برقی ها، پولیس وکارگران شفاخانه هابه تبعیت از خاکروب‌ها به‌اعتصاب دست خواهندزدو طالب پول بیشتر خواهند شد که درآنصورت بناروالی مجبور به‌پرداخت مبالغ هنگفتی خواهد شد •

شورای شهری اتحادیه عمله صفائی ر ا برسمیت نمی‌شناخت وبناروال اعتصاب آنهارا غیر قانونی شمرده ولی ناحیه محلی (١٧٧٣) فیصله کرد تازمانی بکار حاضر نخواهند شد که یکی از تقا ضای‌مهم‌آنها بر آورده نه شود این تقاضا در مورد باز گشت قروض خاکروب هابود آنها پیشنهادنموده بودند طلبات اتحادیه بصورت اتوماتیك از معاش هر یك وضع وبه اتحادیه پرداخته شود • بناروالی ازین مساله اباء ورزید چه تطبیق آن به شناسائی رسمی اتحادیه می‌انجامید •

اعتصاب آهسته‌آهسته‌شکل مبارزه‌نژادی را بخود اختیار کرد • در حدود (٩٥) فیصدعمله صفایی شهر را سیاه پوستان تشکیل میدادو خود داری بناروالی‌راز قبول خواسته های شان به منزله تبعیض نژادی تلقی کردند و ادعا داشتند نگرو ها در یافتن کار بمشکلات مواجه بوده ودر مقابل پول کم کار بیشتری انجام میدهند واولین قربانی اند که دست شان از کار گرفته میشود •

رهبران محلی نگرو ها از شکایت خاکروب ها طرفداری نموده و متفق القول اظهار نمودنه که حفظ حیثیت سوال اصلی است وبر علاوه حقوق مدنی به‌حقوق اقتصادی نیزنیازمنداند .

در ممفیس در حدود (٢٨٠،٠٠٠) نگرو که (٤٠) فیصد نفوس آن شهر راتشکیل میدهد امرار حیات دارند • این جمعیت از اعتصاب طرفداری کردند خصوصا طبقه منور ،روحانیون وپرچم داران حقوق مدنی از اعتصاب کنندگان خواهش کرد تابر آورده شدن تقاضای شان از اعتصاب دست برندارند• باین ترتیب شیرازه اتحاد استحکام بیشتری اختیار کرد •

یکصد وپنجاه‌نفرروحانیون ممفیس سازمانی بنام (اتحادیه مساوات خواهان) تشکیل دادند

اعتصاب کننده گان بر علاوه ... بیکاری شکایت داشتند که در ... محلی و شهری با آنها بصورت ... نمی‌شود وسیاه پوستان در پس... سیستم تربیوی سهمی ندارند ... وتجاران به آنها کار های آبرو ... وامور آنها باید از طرف خودش... پیشبرده شود •

حیثیت وشرافت هسته‌خواسته... را تشکیل میداد واین اعتصاب... شانس برای انسان شمرده شد... میکردند و خواسته های معقول ... که حمل مکردند منعکس ساخته ... این بود «من هم یك انسان هستم...

دو روز بعدازشروع‌تحریم در ... سالون شهری رااشغال ودر ... باعتصاب نشستن پرداختندواز ... داری می نمودند •

مراجع مسوول‌شهر کوشش‌نمود... عمله جدید با عتصاب خاتمه بخش... موتر های تنظفاتی را هدایت میک... کوشش ها جائی را نگرفت و... اشخاص مسلکی دچار بود به ح... خاکروب افزودی می‌شد وتشنج ... وچنان می‌نمود که اعتصاب برای ... کند •

نگرو هاشب هنگام در سالو... دور هم‌جمع می‌شدند وپروگرام ... آینده و متون بیانات را تهیه م... هابه سوی سالون شهری روان... عمارت سالون شهری که با مصر... دالر ساخته شده وسمبول برونز... ممفیس بر فراز آن نصب است ... بروی سمبول یك بته پنبه ویك... نقش است • سیاه پوستان عم... سفید غرور وقدرت» نام داده ب...

دریکی از روز ها یك دسته ... کردند یك موتر حامل پولیس ق... هدایت شده بود آنها موتر را... سنگباران نموده تهدید کردند ... واژگون خواهند نمود • پولیس ... استعمال و جمعیت‌را پرگنده س... فاجعه جلوگیری کرد •

یك هفته بعد نگرو ها دو...



ـگ ازعقب میله هـای زنـدان برمنگهایم مشهور ترین نامه‌اش را بجـواب
کریتسیسیم یك گروپ «کلرجی من» هـای‌سفید نوشت .

ماموریت پولیس روان شدند•
هفته اعتصاب ، تجاران واعل
تحریم اقتصادی را احساس
روزانه مغازه داران به نصف
آنها رسیده بود • تحریم‌دو
تیراژ آنها رابه (۱۵۰۰۰)نسخه
ی باوجود آن آواز آنها بگوش
هاکار گر نمی‌فتاد • یکی از
یانه هایش را بالا انداختـه
نگرو هااز چه شکایت دارند
میانه خوبی داشته باشیم •
افق‌خود پایداری نشان‌میدادند
د که اعتصاب خاکروب هابه
جامه عمل خواهد پوشید •
نظر بودند اعتصاب ادامه یابد

های جنوب و رهبرجنبش حقوق‌مدنی در امریکا بود • وی حیات خودراوقف‌بهبود زندگی طبقه محـروم جامعه امریکا کرده بود وی باساس فلسفه «عدم تشدد» مبارزه میکردو چون عسکر صدیق برای حریت و آزادی بود کنگ به‌عمل مستقیم ولی بدون تشدد معتقد بود، هدف سهم دادن تمام باشندگان‌اضلاع متحدهٔ امریکا به رویای امریکا بود • وی اعتصابیون ومارش کنندگان سراسر امریکا رابه مبارزه عدم تشدد برای بدست آوردن شرایط بهتر زندگی چون حقوق مدنی ، مسکن ، تعلیم وتربیه و شرایط بهتر استخدام برای سیاه پوستان تشویق میکرد •

در جامعه امریکا باسیا پوستان برای (۲۰۰) سال به صفت غلام(برده)رفتار شده واز (۱۰۰)

مساوات اجتماعی ،سیاسی میباشد •

وی اعتصاب مردم‌بی بضاعت وبنیوای‌امریکا رادر بهار سال ۱۹۶۸ طرح نمود وامید داشت اعتصاب وجدان اولیای امور را برای ایجاد تحول وتغییر در وضع این طبقه بیدار خواهد نمود •

هنگامیکه وی مقدمه اعتصاب را طرح ریزی میکرد ازوی تقاضا شدبه تینیسی جنوبی برود وبا خاکروب های ممفیس کمك کند •

داکتر کنگ از نفوذ سازمان «کنفرانس رهبری عیسویان جنوب» برای کمك به‌خاکروب های ممفیس استفاده نمود • اعتصاب کنندـ گان که تعداد آنها به (۱۳۰۰) نفر میرسید از کمك وی باگرمی استقبال کردند • شورای شهری وسفید پوستان شهرك ممفیس بمداخله وی مخالفت کرده اعتصاب را یك اختلاف‌حزبی محلی تلقی میکردند•کنگ یك جمعیت(۱۲۰۰۰) نفری را مخاطب قرار داده گفت جرات رااز دست ندهند چه بدون قربانی چیزی بدست نمی آید •

وی یك روز تحریم کار را در او اخر ماه تشویق و کمك مالی کنفرانس رهبری‌عیسویان جنوب را با عتصابیون وعده نموده متذکر شد که بروز مذکور برای رهبری اعتصاب حاضر خواهد گردید •

روز ۲۸ مارچ ۱۹۶۸داکتر کنگ یك جمعیت (۶۰۰۰) نفری رابه سوی جاده تاریخی (بیل) جائیکه نگرو ها به ایجاد یك نوع آهنگ موسوم به (بلو) یعنی آبی دست زده بودند هدایت نمود • این آهنگ تراژیك بوده‌وباـ شنیدن آن انسان بیاد رنج وزحمت طبقه غریب وبینوا می افتد •

مارش به آرامی شروع شدو مارش کنندـ

ها مورد چورو چپال قرار گرفت •

برای درهم شکستن بلواو آشوب پولیـ
از گاز اشك آور وقمچین کار گرفت گورنر
تینیسی به منظور جلو گیری از بلوای‌بیشـ
(۴۰۰۰) نفر محافظ ملی به ممفیس فرستاددر
شورش (۶۰) نفر زخمی ویك پسر (۱۶) سا
سیاه پوست کشته شدو (۳۰۰) نفر گرفتـ
شد •

از نگاه داکتر کنگ فلسفه عدم تشدد
شکست مواجه گردید بودو وتصمیم گرفت
شهر را برای همیش‌ترك‌گوید ولی طرفدارانش
اورا قانع ساختند که آشوب از طرف یك‌عد
محدود جوانان بر پا شده بودواز رهبر خو
خواستند مارش دیگری را هدایت کند• کنگ
عقیده داشت فلسفه عدم شدد در بته آزمایش
قرار دارد • این گفته وی صحیح بود •

کنگ بخوبی میدانست چگونه عدم صحـ
ادعا های مخالفین سیاه وسفید خودرا واضـ
ساخته و ثابت نماید اعتراض مبتنی برعد
تشدد هنوز هم به منزله یك تاکتیك قوی
موثر برای یك تحول بنیادی میباشد •

داکتر پیش ازآنکه مارش‌دیگری رادرممفیـ
آغاز کند به طرح یك سلسله گرد هم آئی‌هادر
شهر اقدام کرد اولین گردهم آئی در (۳)اپریـ
صورت گرفت کنگ در محضر (۲۰۰۰) نفر
پیروان آگاه خود در کلیسا ی جاده (ماتسـ
سخن رانی کردو نگروها ی میانه او معتقد
اقدامات تدریجی و هم چنان افراطیون معتقـ
به اقدامات افراطی را بخود جلب نمود • یـ
کشیش محلی بادیدن انبـوه مـــــردم بـ
گوش روحانی دیگری‌گفت‌عجیب است که بالای
کنگ خطری واقع نمی شود هر گاه وی دربیـ
مانمی بود ممفیس به کام آتش می‌افتاد • خد





فوتو جریان امتحان یکی ازکورس‌های سواد آموزی رانشان میدهد.

تعمیم سواد یکی از پروگرام‌های عمده دولت انقلابی ماست

روز هجد هم سنبله مصا د ف بود با روز بین المللی سواد و ا ز این رو ز فر خند ه و مسعود د ر سرا سر کشور طی محا فل شکو- همند ی تجلیل بعمل آمد ، زیر ا مبارز ه علیه بیسوا د ی این دشمن دیرین جا معه عظیم بشر یت یکی از دستور العمل های دو لـــــت جمهور ی دمو کرا تیك افغانستا ن در مر حله نوین و تکا ملی انقــلاب آزاد ی بخشس ثور می باشد ، بنابر آن ما درسا ل روا ن شا هـــــد استقبال وتجلیل گـــرمـی از روز بین المللی سوا د در سرا سر کشور بودیم که به اشترا ك حز ب، دولت ومرد م ز حمتکش افغا نستا ن در سرا سر کشور بعمل آمد . دو لت جمهور ی دمو کرا تیك افغانستا ن بعد از پیروز ی انقلاب شکو همند ثور و به خصوص مر حله نو یـن‌و تکا ملی آ ن به بر داشت قد م‌های موثر ی در جهت محو بیسوا د ی نایل آمد ه است که در ارتبـــا ط

حفیظ الله امین خا تمه داد ه شد ، بعد از مر حله نوین و تکا ملی‌انقلاب ثور دو مین پلینو م کمیته مرکز ی حزب دموکرا تیك خلق افغانستا ن برگزا ر گردید و تصامیم بس مهمی در ز مینـــه حیـــا ت و فـــعا لیـــت حزب و دو لت در جهت بهبودوضع اقتصا دی ، اجتما عی و فر هنگی زحمتکشا ن کشور اتخا ذ گردید که زندگی مرد م را پیو ند مجـــــد د زد ه منجمله کورس ها ی سوا د آموز ی با رو حیه انقلا بی مجد دا به آموزش سواد آ موزا ن وتعمیم وگسترش سواد در سر تا ســـر کشور پرداخت و فر مان شما ر ه بیست و هشت شورا ی انقلا بی‌در زمینه صا د ر گشت . هم‌در مشی حزب و اصو ل اسا سی دو لـــت جمهور ی دمو کرا تیك افغا نستان بافشار ی جد ی در این موردصورت گرفته است که مواد بیست و چا ر بیست و ششس و بیست و هشـــت اصو ل اسا سی جمهوری دموکرا-

انکشا ف وسیع معار ف ، حفظ - الصحه و تا مینا ت اجتما عی ، علم وتخنیك ، کلتور و هنر ، تربیت بدنی ، سپور ت و خد مات معیشتی به صور ت متداو م عملی میگردد .»

سواد آموز ی که یکی از پروبلم های اساسی جا معه ما حسا ب می شود تو جه خاص حز ب و دو لت را بخود معطو ف داشته اســـت و تلاش ها ی همه جانبه و پر ثمر ی در این زمینه ادا مه دارد . بخصوص جهت تعمیم سواد در بین اقشـــا ر وطبقا ت مختلف کشور خا صتـــــا بزرگسالا ن تو جه ز یا دی صورت می گیرد .

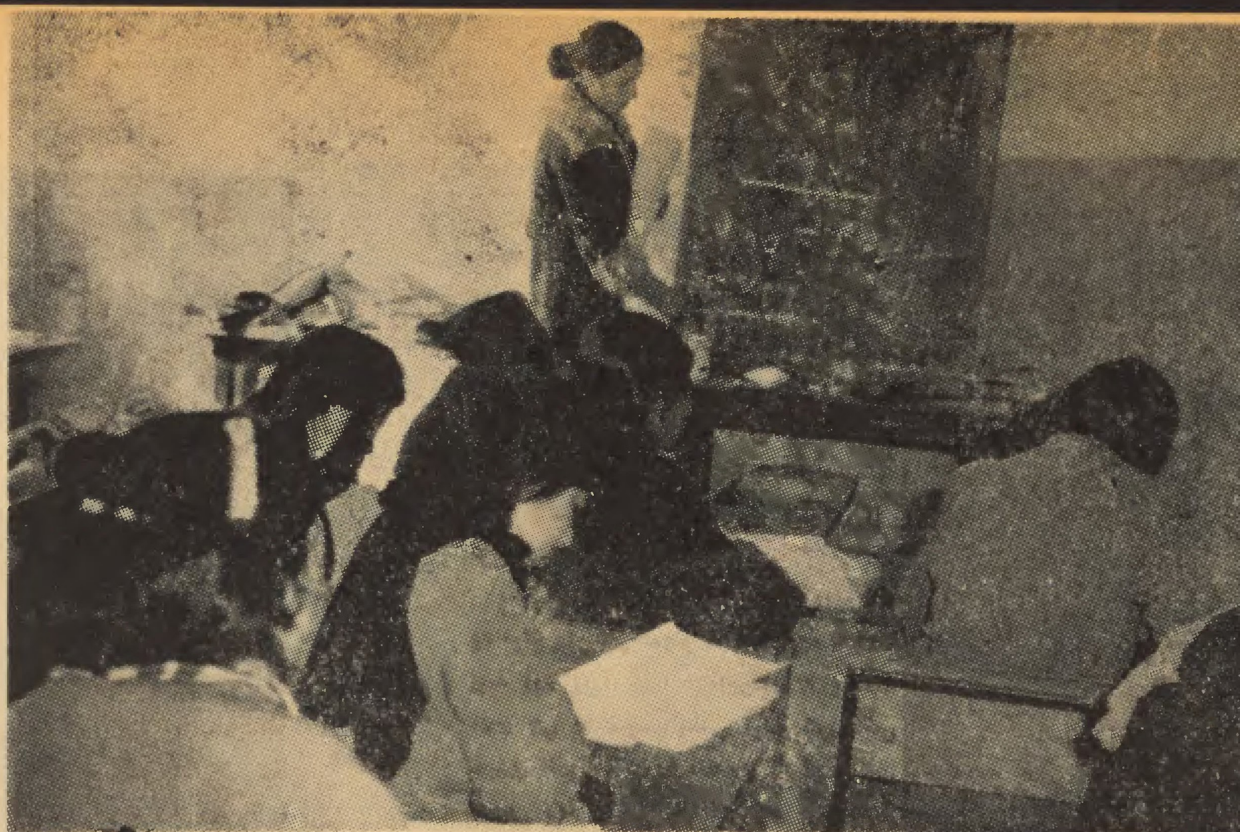
باید یاد آور ی گردد که جهت تا سیس کورس ها ی ســـوا د آموز ی در مرکز وو لا یات کشو ر تلاش های گسترد ه ،و سیع وهمه جانبه ای بعمل آمد ه است،مدیریت عمو می عملیا ت‌ریاست سوادآموزی ومدیریت های سواد آموز ی ولایات

افغانستا ن در سا حۀ انکشــا ف اجتما عی ، فر هنگی و کلتو ر ی برتحکیم و حد ت کار گرا ن،دهقانان کو چیا ن ، رو شن فکرا ن ، کسبه کارا ن ، تاجرا ن ، رو حانیو ن و علما ی وطن پرست و تمام نیرو های دموکرا تیك وو طن پرست‌کشور تمام ملیت ها، اقــوام و قــبـایـل افغانستا ن‌امحا ی بقایا ی مناسبات فیو دالی و ماقبل فیو دا لی عقــب ماند گی ، بیکار ی ، بیسوا د ی ، فقر ، مرض و ارتقا ی سطح‌زندگی ما دی و کلتور ی هر خانــوا د ه استوار است . به این منظورپروگرام های مبنی بر امحا ی کا مل بیسوادی

بروز های ، پنج شنب
حوزه ادا مه داشته و
آگا هی بیشتر مدیرا ن
ولایات ازتاریخ‌دوازده‌ال
جوزا سیمینا ر ی‌دایر
که فضا ی منا سب تب
تعاطی تجارب را بین
مرکز ریاست سواد آم
مسا عد و نتایج مثبت
از آ ن حا صل شد ه ا

نخستین مرکز تعلی
فعلا بنا م مکتب سواد
می گردد به مقصد آم
زنا ن و تکمیل تعلیما
سا ل ۱۳۵۹ در وزیر
مینه افتتا ح شد ه بود
مرکز مشا به دیگر در
شهید افتتا ح گردید ه
است همچو مکاتب در خ
میرویس میدا ن وسی
شا ه مینه نیز د ر آی
دایـر گـردد کــه د
تاسیس همچــو مراکز
واطمینا ن بخشس می با
پرو گرا م خرد سالا ن
برای اولین بار در تا
تربیت سواد آموز ی
سا ل جا ر ی در عمل
شد . برای آشنا یی مز
این پرو گرا م یك ور
روز ه از تاریخ دوازد
سه جو زا به همکار ی
دایر گردید و طی آ ن
مسلکی به میتود تدریس
اول خرد سالا ن خار
آشنا یی پیدا کردند و
تدوین کتا ب ر هنما ی
مذ کور سهیم شدند .

با تطبیق پرو گر
خردسا لان خار ج مکت
خردسا لا ن بین سنین
ساله که با و جود مس
قبلا از شمو ل به مکت
محرو م ماند ه اند تحت
داد ه شده و طی مد



هم صحنه یی است ازجریان‌درس ریاضی دریکی از صنف های‌سواد آموزی لیسه مریم

صنف پنجم مکاتب ابتدا یی
آن استحقا ق شمول‌مراکز
ت متمم را حا صـــل و د ر
دم‌شمول میتوانند تحصیلات
طور داو طلبا نه پیش‌ببرند
ست و پنج با ب کورس‌سواد
مخصو ص خردسا لا ن در
ختلف شهر کابل تا سیس
آن جریا ن دارد .
ت مرکز ی ریاست سو ا د
پیو سته در تلا ش اندتـــا
های متنو ع‌را با موفقیت
نه عملٔ پیا ده نمایند .
یت عمو می عملیــــــا ت
ن مد یریت های انسجا م
نظا ر ت و سیمینا ر هـــا
عمد ه تا سیس انسجام و
کورس های نسوا نو ذکور
سیمینا ر های هفته وا ر
را به عهده داشته مدیریت
تهیه مواد خواندنی بـــــه
کتب درسی و رهنما ی‌معلم
و گرا م های مورد نظـــــر
یت داشته مدیریــت عمومی
و تبلیغا ت با داشتـــــن
ها مجله سواد ، مطبعـــه

استخدا م محا سبه پلان،وخدما ت
وظایف عمد ه مربو ط به ما مورین
معلما ن و اجیرا ن رابشمو ل تنظیم
وسایط ترانسپور تی به عهـــــد ه
دارد.

ــ تاکنون چه تعداد کورس های سواد آموز ی در مرکز وولا یا ت کشور دایر و چه تعداد از مرد م در آنها برای آموختن سواد شا مـل شده اند ؟

ــبعد از مر حله نو ین‌و تکا ملی انقلاب ثور تا آخر سا ل ۱۳۵۹ در سراسر کشور در حدو د(...۵۱۵) نفر از همو طنا ن بیسواد ما د ر تقریباً (بیست‌و سه) هزار کورس تحت تعلیم گرفته شد ه که ا ز پلان مطرو حه (یکهزارو پنجصد) نفر بیشتر است و اما د ر سا ل۱۳۶۰ **مطا بق پلان پیشبینی شد ه** پنجصد وپنجا ه هزار نفر باید زیر تعلیم **گرفته** شود که این رقم پنجا ه‌هزار بیشتر از سا ل گذ شته است .

ــ تعدادی از هـــمو طـنــان مــاکه د ر اثـر تــلا ش هـــای ریاست سواد آموز ی با سوا دشده اند از چه قرار خواهید بود ؟
خود قرار می دهید ؟

ــتما م مصار ف ر یاست‌سوا د آموز ی را دولت متحمل می شو د از قبیل معا ش ، معلما ن‌و منسوبین ریاست سواد آموز ی ووسا یـل و مواد درسی و امور ترانسپور تـــی وغیره .

ناگفته نماند که مو سســـا ت مختلف بین المللی هم مثل(یونسکو) (یو نیسف) ،(یو، ان، د. پ) همچنا ن جسته جسته سهم گر فته وبعضا قر طا سیه و سایل تدریس ووسایل ترانسپور تی و غیر ه را بما تهیه می بینند هم چنـان‌تربیه پرسونل ما به کشور های خار جی از طر ف همین مو سسا ت صورت میگیرد .

ــفعلا چه تعداد کورس هادرمرکز وولایا ت به تفریق مرکز وو لایا ت دایر است و در آنها چه تعدا دنفر

مشغو ل درس اند .

ــدر مرکز وو لایا ت علاو
کورس ها ی سا ل ۱۳۵۹ـذ
وانات چه ملکی و چه قوای
وخارندو ی در حدو د بیست
کورس موجود است که توسـ
بیشر از ده هزار نفر معلمـا ن
وافتخا ر ی تدریس میشو ن
مطابق پلان پیشبینی شد ه ه
مشغو ل فرا گر فتن درو س‌خ
اند .

ــدر پرو گرا م های آیند ه
هاییکه در نظر است چه تعـ
کورس در نظر گرفته شده
ــدر سرا سر کشور در هرو
با درنظر داشت شرایط محیط
پلان پیشبینی شد ه سهمیه
شدد است که مطابق آن هرو
مکلف است راپور فعا لیت خو
درهرربع سال به مرکز بفر
بطو ر مثا ل در نظر است که در
که سی‌و هشت هزار نفر در
۱۳۶۰ باید باسواد شوند و
که ششں ماه او ل سا ل اس
مطابق آمار واحصائیه که بما
در حدو د بیست هزار به کو
ها تنظیم شده اند بهمین تر
هرولایت از خود سهمیه یی د
مطابق پلان پیشبینی شد ه پنج
پنجا ه هزار نفر تحت تعلیم گ
شود که به این تر تیب در س
جار ی در حدو د بیشتر از س
ششں هزار کورس تدویر گر
ــمصار فیکه دولت در این
تمویل میکند به چه انداز ه با
میگردد ؟

ــ طوریکه قبلا تذکارداده
نودر سه فیصد مصار ف ای
ریاست بدوش دو لت است ک
حدو د یکصد و شانزد ه مل
افغا نی میشود و هفت فیصدمص
مابقی قسما از طر ف مو س
مختلف ملل متحد تمو یل میش

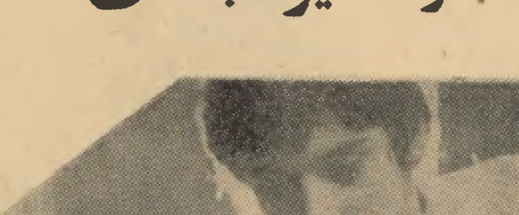




په دغه عکس‌کی دکمیدی فلمونو یوه فلمبردار دفعالیت په وخت کی لیدل کیږی .

د کمیدی او تراژیدی فلمونو پر اختیاپه سینمایی پروگرامونو باندی

ستره اغیزه ښندی



په داسی حال کی چی په تیوولسیزوکی دترازیدی فلمونو دودی او پراختیا له پاره زیاتی هلی‌ځلی را گرزولی‌شویدی ایدل کیږی چی کمیډی فلمونه‌نه‌یوازی‌خپل نړیوال تفریحی ارزښت په‌خوندی توګه ساتی بلکه وزسره جوخت دوخت او زمانی په تیر یدلو سره په نړیواله سویه دکمیډی فلمونو انتباهی او تربیوی اهمیت زیاتیږی •

په سوسیا لیستی هیوادو نو کی دیوه کال په توګه دکمیډی فلمونو له پاره غوره امکانات اوبه زړه پوری سرایط موجوددی • یوهدف دادی چی په سوسیالیستی ټولنو کی داسی کمیډی فلمونه جوړ او دننداری ډګرته وړاندی شی‌چی دکارګری غورځنګ له‌ودی سره پوره مرسته وکړای شی •

څه دپاسه دیرش کاله کیږی چی دبلغاریا سوسیا لیستی جمهوریت دیو شمیر ملی او بین المللی فلمی فستیوالونو دیوه میلمه پال هیواد په توګه خپل رسالت په ځای کړیدی• داخبره دیادو لووړده چی په‌تیرو دریو لسیزو کی دبلغاریا په سوسیالیستی جمهوریت کی په فیچری فلمونو سر بیره دسره صلیب،علمی او روغتیایی فلمونویوزیات شمیر فستیوالونه هم جوړاو پرانستل شویدی • همدارنګه په دغه هیوادکی دفلمونو دسمپوزیمونو تر څنګ دفلمـــی آرشیف د فدراسیون سمپـــوزیوم ، دادبی فلمونو فستیوالونه دخوانانو، کارګرانو او تاریخ پوهانو فلمونه هم دملی او بین المللی ټولنو او فستیوالونو په چوکات کی جوړ او پرانستل شویدی • دبلغاریا په‌سوـ سیا لیستی جمهوریت کی دکمیډی فلمونو لومړی نړیوال فستیوالی‌د(۱۹۷۹) کال‌داکتوبر دمیاشتی له (۷) څخه تر (۱٤) نیتی پوری دتوری سمندر ګی‌په‌غاړوکی د«وارنا» په ښکلی او افسانوی ښارکی جو ړاو پرانستل شو• ددغه کمیډی فستیوال په جوړولوکی دبلغاریا دسینما تو ګرافی دولتی ارګان ،دبلغاریا دفلم جوړ وونکو اتحادیه او همدارنګه د«وارنا»دښار دخلکو شوراستره برخه‌واخسته. ددغه‌فستیوال پروګرام د کمیډی فلمونو دنړیوال فدراسیون دتاییداو ستاینی وړوګرزید . په یوه دیرش کلنه نسبتا لنډه موده کی ددغه هیواد دفلم



دکمیدی فلمونو یوه ص

دوه کاله دمخه دکمیډی او خنډ و
نړیوال فدراسیون لازمه وبلله
فلمونو لومړنی نړیوال فستیوال
سوسیالیستی جمهوریت کی جوړ
کاریو علت داوو چی بلغاریا دبا
حوزه اوهمدارنګه‌دکمیکان په‌چوکا
فلمونو په جوړولو کی زیاتی
دتوری سمندرګی په سواحلو کی
ښکلی او افسانوی ښار کی دکم
دفستیوال په جوړ یدلو سره دبلـ
دفرانسی ، کاناډا ، یو ګوسلاو
سره څنګ په څنګ څوچنده لږ
د«وارنا» په فستیوال کی د(۱۰۰)
فلمونو سره جوخت دټلوزیـــونی
خند ونکو فلمونو ته هم چانس و
په مسابقه کی برخه واخلی • دو
داده‌چی د«وارنا»دکمیډی فلمونو
ټول فلمونه او مسابقی ته کاندید



گروهی از مشروطه خواهان

بخش دوم

یدی بر نخستین دور مشروطیت در افغانستان

ور نخست مشرو طیت هما نگونه
ر کنار رشد فر هنگی دوران امیر
قد راست کرد . نهضت از مراکز
جداگانه با هدف های آر مانی
م یافت تااینکه بشکل نهضت واحدی
در صحنهٔ سیاسی آندوره نمایان

ست ، حلقهٔ در بار ا ست کـه‌از
آر مانی خود معتقد به ا صلا حاتی
ب رژیم بود . گر دانند گان ایـن
یت های چون محمد و لی خـان
میر زمان الدین خان مامور بـار
ر یار بیك خان در وازی و غـلام
دهٔ ا میر شجاع الدوله خان و سید

دمو کراتیك و بنیا نگذاری ر یفورمهایی کـه
بتواند سیمای عقب ماندگی قرون و سطا یی‌را
در کسشور از میان بر دارد . راه نیل به این
هدف های آر مانی را گذشته از را هجوی های
منطقی که این تشکل طرحریزی کرده بود ،
گروهی از افراد آن معتقد بودند تا تروریسم
را نیز به مثابهٔ را هجویی نیل به هدف های
آرمانی خویش به کار ببندند و با طر حر یزی
کودتایی گلیم سلطنت مطلقه را از افغانستان
جمع کنند .

سومین حلقه را روشنفکران می ساختند که
خارج از حلقهٔ در بار و تشکل لیسهٔ حبیبیه
قرار داشتند که با رابطه های سیاسی خویش
با همدیگر در ار تباط بودند .

هدفهای آر مانی هسته گذاریهای نخستیـن
تشکیل میداد (تعویض سلطنت مطلقه بـه
حکومت مشرو طه ، مبارزه بـخـاطر حصول
استقلال و بنیاد گذاری فر هنگ نوین)تاکتیك
های نیل و تحقق این هدفها ی آ ر مانی که
می‌توان آنرا به مثابهٔ بر نامهٔ ا سترا تژیك
«جمعیت سری ملی‌ا» بحساب آ ورد، بدرستی
روشن نیست مگر تا آنجا که از مصو بـات
« هیئت مدیره » این ساز مان بر می آید ،
باری تصویب کرده بودند که : « با صر ف
مساعی کو شش شود که امیر حبیب اللهخان
در نشر فر هنگ تشویق گردد و اعضای حزب
را ناشناخته در نشر تمدن و فر هنگ جدید
با خویش ممد و همکار بشناسد . »

کار ساز مانی « جمعیت سری ملی»
زیادی به کار مخفی ساز مانی مشا بهت
حلقه های پایینتر از مقام هیئت مدیره
های ده نفری که یکی از اعضای هیئت
آنرا رهبری میکرد ساز ماند هی شده
اعضای حلقه ها برای یکدیگر نا شنا خته
دیدارها به گونه‌ای طبیعی آن به بهانه
دعوت دید و باز دید های شخصی و...
می‌گرفت و یااحیانا هم اگر جلسات ع
ضرورتش پیش می‌آمد شکل بر گذاری م
داشت .

جریان کار جمعیت سری ملی و یا
سری ملی تا سال ۱۹۰۹ در او جگیری
در کنار کار حزب کار جواسیس در بار
که از سو راخهای حزب بو می کشیدند
نتیجه نماند ه بود . هدف و تاکتیك های
را که در نحوهٔ افشای آن به‌مـقام س
اختلاف نظر ات به امیر خبر کشی کر
یکی از حد سیاتی که‌دراین افشاگری تا
قرین به حقیقت است ، اینست که می
تاج محمد خان پغمانی که ر ئیس یکی ا
های عمدهٔ حزب سری ملی بـود با بر
محمد شریف خان که یکی از هوا خوا
سرسخت دو لت و سلطنت امیر حبیب
بود با هم ز ندگی مشترکی داشتند ،مص
سیاست نفوذ و مسلح شدن اعضای حز
که‌کتبا به تاج محمد خان سپرده شده
از میان اسناد و محرم او تـوسط بـر
محمد شریف خان بدست آوردند ودر هن
(ز مستان سال ۱۹۰۹) ا میر در بـا
تفریحگا ههای جلال آباد سر گرم تفریـ
خوش‌گذرانی بود ، مصوبات حزب سری
بااطلاعات د یگر همراه با فهرستی از ن
اعضای حزب که‌از جانب دو نفر از اعضای
(استاد محمد عظیم خان و ملا منهاج الدی
جلال آ بادی) تهیه شده بود توسط ملا
بـه امیـر گـزارش دادند و هـم افـزو
که هدف « حزب سری ملی » ترور ا
ایجاد دو لت مشروطه است .

یکی دیگر از حدسیاتی که می‌توان آ ن
نحوهٔ افشاگری اسرار حزب سری ملی ن
به حقیقت بحساب آورد ، اینست که در
حزب حلقهٔ از هندو ستانی های مسلمان
داکتر عبدالغنی خان پنجابی ، مو لوی‌نجف
خان و محمد چراغ (برادران داکتر) و م
محمد حسین خان پنجابی و جود داشت

برای شما برگزیده ایم :

هر هفته یکداستان از ادبیات جهان

این هفته از ادبیات فیلیپین

ی در محله اعیان

ردیفی از در ختان پر بارمیوه
انتها ی با غچه عقبی قد بـــر
شته بودند که باندونگـــــك
کنا ر آنها سبز ی کار ی میکرد
یك گو شه با غچه هم خو ك و
و خرو س ها یشس رانگهدار ی
مود و روز ی ز ن و فرزندانشس
ز همین زمین تامین میکرد .
سا ختمان عمار ت های باشکوه

بایر ی که در گذ شته از علـــف
ودر خت های وحشی پر بوداراضی
وسیعی که در و قت بار ندگـــی
به دریا چه یی از گل مبد ل میشد
اکنو ن بــه صو رت شهـر کـیدر
آمد ه بود از خا نه ها ی زیبـــا
وحسر ت انگیز ، شهرُ کی پر ا ز
روشنا یی و گل که تر قی و رفا ه
را به صبا حبا نشی هد به میداد ،

وتلویز یو ن و رادیو و جا ظر فی
ها ی مجلل برا ی سالو ن نا ن و
وسایل آشپز خا نه و تخت خوا ب
ها وو سایل را حتی دا خل با غ و
آینه های بز رگ و چرا غ های‌زیبا
و میز ها ی نان خور ی فا خـــر
ومیز ها ی تحر یر و پرد ه ها ی
نقا شی گرا نقیمت از آثار نقاشان
بزرگ و گلدا ن ها ی چینی وقفسه
وناز با لشس های ضخیم ونر م و
مجسمه هــــای او لیا وانبیا عدر
زیر حبا ب های بلورین و آب پاش
های لا ستیکی و چمن ز ن ها و
بازیچه هــای کو د کــان و هزاران
چیز دیگر که باندونگ وخانواده‌اش
در تمام عمر خود ندید ه بودند ،
وخانواد ه ها یی را که به قصر های
زیبا و مجلل خود اسباب کشـــی
میکردند باد ها ن هاي باز ماند ه
وچشم های بهت زد ه یك یـــك
تماشا میکردند .

باندونگ غر غر کنا ن گفت :
«عجب مرد می استند ، این همـــه
وسایل را به کجا میخوا هند جا ی
دهند . » و به اثا ث و لـــواز م
خود ش فکر کرد که در مدت بیست
سا ل زندگی از چند بشقـــا ب
ویك طشت چو بی .

برای رختشوی و دو بیرل برای
ذخیره آب و یك اطو ویك دیلم‌ویك
سه شاخه و یك کلنگ و یك اره و
دو چاقو تجاوز نکرده بود .

بادونگك در مدخل کوی جدید کنار

پدر توضیح پسرش راز
در مدخل این جاده اتاق
بود با نگهبان های مخصو
نفر پاسدار بودند که روی
شان نشان عجیب و غریبی
یك تفنگچه یی هم به همرا
و شب و روز آنجا را زیر
گرفتند ونوبت‌به‌نوبت عو
هر کس که ساکن آن مح
میبایست به سوال های آ
بدهند و گرنه حق ورود ب
نداشت .

بار اول که باندو نکـــ
نان را دید به نظر ش بسیا
و بد خلق آمدند با خود
خود شان یك کندك پا س
دارند .

کار گران کم‌کم کار شا
رسیده بود ، یکروز آن گر
غذا یشان را آماده میساخ
وزنش خدا حافظی کردند
شانرا تا پول آخر پرداختـ
رفتند .

آن‌شب آنان عاید خودر
ماهی که برای کارگران غذ
حساب کرد ، پانصد پزو
کرده بود ، این پول ها را
باندونگك شمرد و شاد م
گفت :« تا حالا هیچ وقت
پول گیر مانیامده بود ، وق
باز شود «تولی ینگ» میتو
از همه هم صنفی هایش لبا
بپوشد» .

شه اش را تا آخر شرح
امه داد :
وردن آب از سر نهرخیلی
.
جواب داد :(آب را که
، شکا یتی هم ندارد .)
شی آورد که :
ساله آب آوردن نیست ،
ا که تو نمیشو یی، این
آنها را این همه راه‌تالب
بعد تر شده‌و سنگیـــن
، آنوقت فصل باران وگل
نیست که آب نهر دیگر
ن نمیخورد .
که دید زورش به‌زنش
سر رضا وتسلیم گفت:
پس حالا چه باید بکنیم؟
ندان اشاره یی به سا ـ
تازه کرد و گفت :
د با پول کمی از اینها آب
ما پانصد پزوخرج ندارد.
با لبخند زور گی گفت:
رار باشد این اندك پول
در مدت چند ماه را به‌این
دهی‌وحاصل همه‌خونجگر
رای پس اندازآن‌هدررود
از خیر آب نل بگذری!
صحبت شوهر دوید گفت
، تو هم این همه خساست
بازی را کنار بگذاری.
ه نتوا نسته بود دربرابر
ش‌مقاومت کندطرف «کوی
، ملك خصو صی براه
شتن از سه نگهبانی کار
. و آنها آنقدر از اوسوال
و غریب‌کردند که نزدیك
گردد ، آخر هم یکی از
به دفتر مدیر تلفن کرد و
رفت اجازه ورود به کوی
نگ نداد .
دیر آدم خوش اخـلاق و
به نظر میرسید ، پیشس
ونگ فرصت کند وتقا ـ
را با وی در میان گذارد،
:
وب شد شما آمدید ، مـن
م خودم خدمت شما بیایم
را معر فی کرد ، نامشـس

که کرده بود پشیمان شد .

آقای مدیر از باندونگ پرسید :

ـ خیلی وقت است که در اینجا زندگی میکنید ؟

باندونگ گفت : «هزار سال است که جد اندر جدا اینجا ییم.»

ـ میخواستم بپرسم خانه یی که در آن زندگی میکنید ، از خود تان است ؟

باندونگ با لحن قاطع و استوار جواب داد :

ـ پس انتظار داشتید از کـــی باشد ؟

ـخوب پس حتما سند مالکیت هم در دست دارید ؟

باندونگ کمی دست و پاچـــه و نگران شد ، اما به خود فشاری آورد زود بر تشو یش خود فایق آمد و جواب داد :

ـ شما به سند مالکیت من چه کار دازید ؟

پنابا لحنی شمرده و روشن گفت: شرکت «مانگ باندونگ» در نظر دارد ملك تو را خریداری کند .

مرد روستایی با خشمی آشکار و به تندی گفت که ملکش فروشی نمی باشد ، اما آقای پنا ، چنانکه اصلا جواب اورا نشنیده باشد.ادامه داد: «اگرسندی در دست داشته باشید، شنرکت زمین را از شما میخرد و در غیر این صورت شما یك کوچ نشین محسو ب میشو ید » .

کوچ نشین ؟ باندونگ دیگر تحمل نتوانست ، ازفرط خشم ازجا جست، زیرا پنابر کلمه کوچ نشین تکیه‌کرده بود ، پنا به دستها و بازو هـــای باندونگ نگاهی انداخت و با لحـ
شمرده گفت :«باندونگ ، او قاتت
تلخ نشود ، من قصد ناراحت ساخ
شما را نداشتم ، فقط میخوا ستـ
نکته را در باره قانون برایتان روش
سازم.»

مرد روستایی که پیشا پیـش
غضب سیاه شده بود به تندی از
جهید و گفت : قانون ، کدام قانو
پناتوضیح داد : قانونی که به
استناد میکنم ، میگوید که اگر ش
کوچ نشین باشید ، مجبو ریدازای
نقل مکان کنید .

روستایی که دیگر تحملش تمام ش
بر ... آورد که ... اگر خ
... بیاید من از خانه
تکان نمیخورم .»

لطفا ورق بزنید

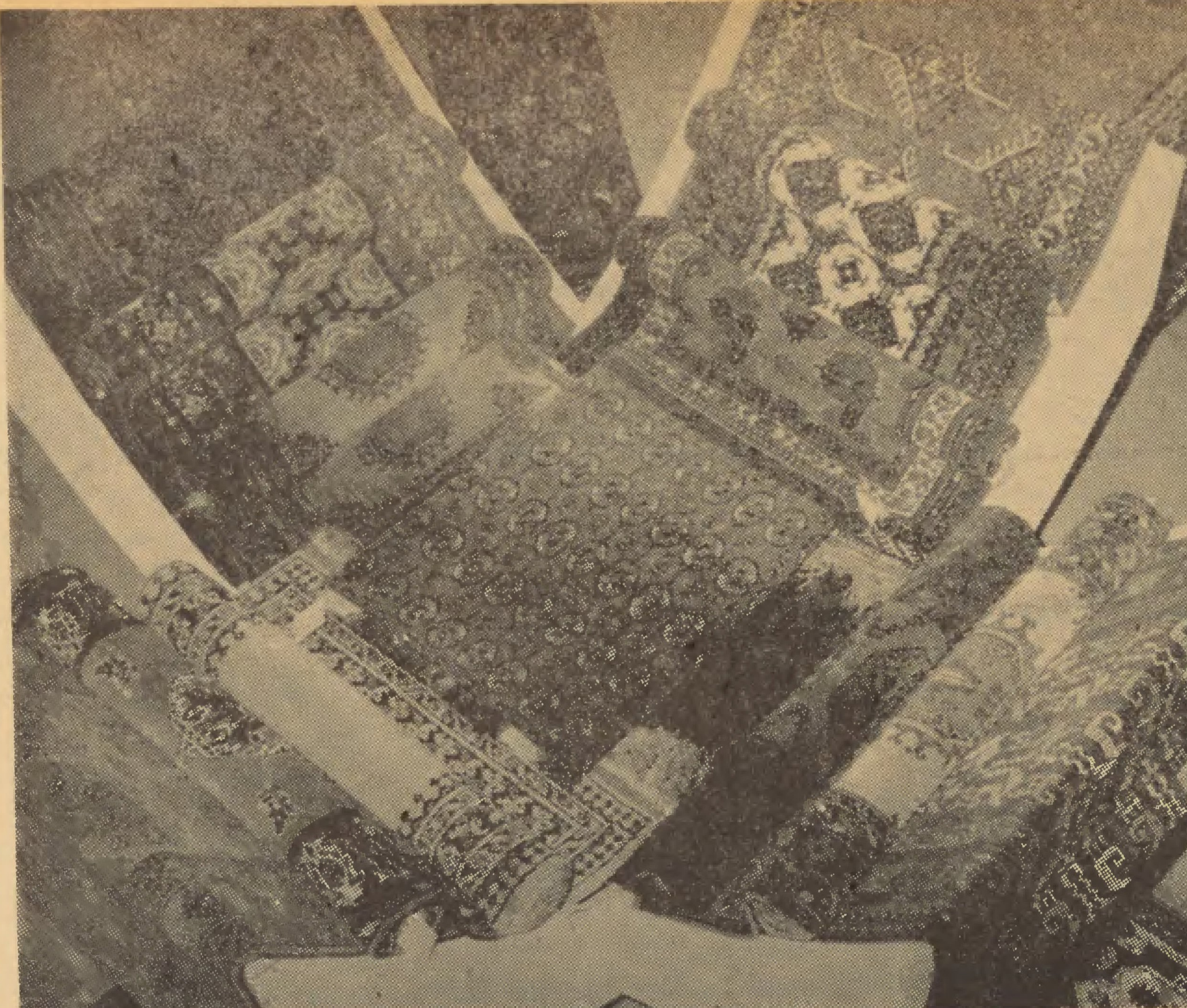


ای مدیر ادامه داد : «اطمینان
ه باشید اگر امکان داشته‌باشد
ین قضیه‌بی سروصدا و دوستانه
گردد به شما کمك میکنند کـه
دیگر مستقر شوید .»
رنگ به یاد خواهش زنش افتاد
وشید که دو باره آرام شود با
میگفت : باید بخود فشار آورد
ست خالی به خانه باز نگرد د.
ین بود که سعی کرد نفسی تازه
و باو جود خشمی که دیوانه‌اش
رد ، پرسید :
آخربا من چه دشمنی دارنـد،
میخوا هند مرا از زمینم بیرون
؟
ن همین جا به دنیا آمده ام ،همین
زرگ شده ام و به همین جـــا
ستگی دارم .
قای مدیر با حالتی جدی جـواب
:
قرار است اینجا طرح شهرك
ی ایرا به عمل پیاده کنند که در
فلپاین نظیر ندارد ، می‌خواهند
های «راه سلطنتی» در دوسوی
ر ها زیبا باشد ، کلبه شما در
نامنا سبی قرار دارد و منـظره
راب میکند . باندونگك از شیندن
ن اها نتی به کانون خانواد گیش
اجست ودر حالی‌که رگهای‌گرد-
برجسته بود با خشم تمـــام
: «لعنت به من که نزد شمـــا
م .»
نا به منظور نگه داشتن او صدا
: (مانگ باندونگك لحظه یـی
ب کنید) و باندونگـك که بیـاد
د هنـوز مطلبش را به طــــرح
رده است . سعی کرد خشم‌خود
فرو بلعد و گفت:
آقای پنا ، من خدمت رسیده
م که بگویم خیال داریم به سرو
ع خانه مان کمی رسیدگی کنیم،
کرده بودیم که اگر شما لطفی
نید و یـك نـل آب و یـك
برق به خانه ما بدهید ، ما...
نا حرف اورا برید و گفت:ممکن
ست .
رد روستایی یکراست به سمت

باندونگك با لحن تمسخر آمیـــز
جواب داد .
–چقدر ناز نازی و خوش سلیقه
تشریف دارند .
پنا گفت : (جای این حیوان ها ،
اینجا در «راه سلطنتی» نیست ،این
جا هیچ حیوانی جز پشك ها و سگ
های اصیل و خوش نژاد و قناری ها
و ماهی های طلایی حق حیـــــات
ندارد .
باندونگك حیر تزده پرسید :
– یعنی حیوان هایی که بـه درد
خوردن نمی خورند ، اما مگر اینها
گوشت مرغ و خوك نمیخو رند ؟
–چرا میخورند ، اما آنها را خود
شان پرورش نمیدهند ، از ایــــن
موضوع که بگذریم درختان میوه‌نیز
در این جا ممنوع است و باید همه
بریده شود .
باندونگك که به یاد درختان پر بار
باغچه اش افتاد بانگرانی پرسید :
آن ها دیگر چرا ؟
– برای اینکه وقتی گل میکنند یا
میوه میدهند ، روز ها فوج مگس را
به طرف خود جذب میکنند و شب‌ها
معدن پشه میشو ند .
باندونگك پرسید : اینها میوه نمی
خورند .
– چرا میخورند ، بهترین میوه‌ها
را ، و آنرا از درخت نمی چینند، از
یخچال بر میدارند .
پلکهای باندو نگك سنگین شد و
روی هم افتاد ، خیلی بخود فشـــار
آورد تا خشم خود رادر اختیار گیرد،
در مدت این چند دقیقه‌یی که با این
آقای مدیر خوش لباس و خوش بیان
صحبت میکرد از چیز هایی با خبر
شده بود که در تمام مدت عمر ش‌از
آن چیزی را ندانسته بود و هر گـز
تصور ش را هم نمیکرد ، چیز هایی
که به مشکل میتوا نست در ذهــن
ساده او جای گیرد .
باندونگك به وضع بیر حمانه یی
دلشکسته شده بود ، سر انجام به
خود فشاری آورد و از پنا پرسید.
–خوب اگر من از اینجا بروم با

آورد شتا بان از آنجا خارج شد ،
وقتی به خانه رسیدو نتیجه ملاقاتش
را برای زنش بیان میکرد ، مثل این
بودکه یك خار ماهی در گلویش‌گیر
کرده باشد و او را آزار دهد ، زن
بی آنکه چیزی بگوید به حرف های‌او
گوش میداد، پیوسته‌چیزهای رازیر
لب میگفت و مثل این بود که سوزن
مخصو ص وصله وپینه اش به تنش
فرو میرود .
آنا با صدایی گریه آلود و لرزان
گفت :
ـ ما هرگز بد همسایه ها یمان را
نخواسته ایم ، خدا پشت و پناه ـ
مظلومان است .
یك روز صبح در خشان و خندان
کوی«راه سلطنتی» شاد مانه بیـدار
شد، طاقی که در مدخل آن بناشده
بود با بیرق های ساز مان ملل متحد
آراسته شده و فانوس های رنگین
از پنجری ها و در های ویلا هاآویزان
بود .این‌آذین های‌جذاب به مناسبت
افتتاح کلیسا این کوی بود و رئیسی
جمهور و نماینده پاپ نیز قرار بود
در این مراسم شرکت داشته باشند
تنها خانه یی که از این مراسم دور
افتاده بـود و ساکـــنانش از آ ن
خبر نداشتند ، خانه باندو نگك در
بیرون حصار این کوی بود ، ناگهان
کسی از بیرون خانه مرد روستایی
او را که انتظار مهمانی را نداشت
صدا کرد . تازه وارد خود را نمایند.
امور مالیاتی ولایت معرفی کرد ،
باندو نگك باید هر چه زود تر به
حضور این آقای نماینده میشتا فت.
باند ونگك حیــر تزده پر سید :
«آقای رئیس با من چه کاری دارند؟»
ازپنجاه سال پیش تاکنون اولین‌بار
بود که مقامی از ولایت او را احضار
کرده بود .
نماینده ولایت پرسید :«سنــــد
مالکیت این ملك کجاست ؟ آنرا هم
با خود بیاور .»
باندونگك هیچ نمیدا نست که این
سند کجاست، در حقیقت‌حتی نمید-
انست آیا چنین سندی وجود داردیا
خیر ، تنها چیزی که میدا نست این

نمیکرد و به او تو میگفت
با پریشانی توضیح داد :
– تا دو سال پیش که
ندانش مریض بودندو درخ
اش را سر مازد وآفت ه
هایش را تلف کرد ، هیچ
دولت را فراموش نکرده ا
نماینده ه جواب داد : «
حق دارد خانه ات را مصاد
تهدید او مثل فیر یك مرم
باندونگك صدا کرد، سع
آنچه در این اواخر بر س
بود به یاد آورد وحدث‌زد
این احضار فوری رئیس م
چه مدیر کوی «راه سلط
گفته بود بی ارتباط نباش
دولت در هنگامی که س
«طرح رویایی» افتتاح کل
میگر فتند ، باندونگك در
سر به جیب تفکر فرو برد
میاند یشید ، رنگش به س
پیده بود و گوشها یش ص
ابری سر خرنگك جلو چش
گرفته بود و زن و فرزند
یادمیاورد که‌درآتش تب‌م
و ناله میکردند ، خود را د
که زیر آفتاب سوزان کا
خورشید پوست تنش را م
حال آنکه ساکنان طرح ر
سلطنتی) در ناز و نعمت
و کشیشی که بـرای شاد
عدالت الهی سخن میگفت
برابری و برادری در دنیا
همه چاقتر و آسوده تر ب
آمـــد .
باندونگك دارایی خود
آورد که در مدت بیست س
روی زمین از چند بشقاب
تجاوز نکرده بود.ا مانا
شادمانه به او چیره گردید
بر خواست ، نزد زنش ر
پرسید :
ـ کارد های مرا کجا
یــــی ؟
زنشی سر بلند کرد ت
شوهرش با خبر گردد و
ـ آنها را میخوا هی چ



ین بافی یکی از شهر های باستانی‌کشور ما ست که زنان ومردان در صفحات‌شمال کشور بیشتر بدان اشتغال دارند .

ارتباط نا گسستنی صنایع دستی و صنایع زیبا

صنعت دو پدیده ای انـد کـــه
ل تـا ر یـــخ با هم آمیخته اند.
ت آفرین‌گردیده وصنعت‌گربه هنر
ت‌که درطول زمان باهم آمیخته‌اند،
زاده فکرواندیشه‌انسان هوشمند و
ت یازیده ، اشکال اعجاب انگیزو
ل را بروی ساخته هاو یافته هایش
است که هنر وصنعت ازبدوخلقت
ی همراه بوده‌است .

رشته وحدت و همبستگی ، راهش را بسوی هنر ، صنعت ، شعر موسیقی و دیگر هنرهای زیبا باز و هموار گر دانیده است .

سوابق تاریخی وچشمدیدخودمانشان میدهد که وقتی انسان اندیشه اش را جمع وجور کرده تصویری رادرخیال‌میسازد وبعد بادستان هنر آفرین وابزار سازش آنرابوجود می‌آورد ودر برابر دیدگان همنوع قرار میدهد هنگام تولید اشیای مورد نیاز خودش و همنوعان ،

از رنگهای طبیعی پشم گوسفندان و منسوجات در کالا های تولیدی اش بوجود آورده وبا‌آن‌هم اکتفا نکرده عقب رنگهای مصنوعی برآمده و

باکشف رنگها از خطوط وتصویر های
خوب در روی پارچه هاو فرشهای
اش استفاده نموده وبدینصورت هم
زیادی رادر اندیشه وکار خود بوجو
است .

صنایع دستی که در کشور ما افغا
دارای فرهنگ غنی وکهن میباشد ،
پیشین این سر زمین با اجتماع گرایی
فطرتا در نهاد انسان بودو وسعت گذا
نخستین جامعهٔ آریایی‌رادر بلخ باستان
آورده واولین مدنیت رادرین گوشه گی
گذاری نمودند که هنرو صنعت جامعه
ثمره وحدت و همبستگی مردمی بود ک
هم جمع شدند وباوحدت نظر ووحدت
تراو شهای فکری ودماغی شانرا در
یکدیگر گذاشتند وبا استفاده از کاره
های یکدیگر آثار هنری و صنعتی ای
آوردند.

امروز درکنج وکنارکشور ما صنایع
هنر معماری وزیبا کاری روی ساخته ه
دو هنر رواج دارد که نقش ها وتصاویر
آوری روی تخته های قالین ، گلیم ،نمد
تبوو غیره و عمارات باشکوه از قبیل
آبده هاو دیگر عمارات تاریخی‌و متبرک
میشود که کار هنر مندان صنعت گرو
گران با هنر ما میباشد .

هر گاه‌وضع هنروهنرمندان‌کشور و
گران میهن مانرا در دوره استعمار امپ
انگریز مرورکنیم متاسفانه کمتروحتی
آثاری نداریم که بروضع فرهنگ و هنر
دوره روشنی بیاندازد و هنرمندان و
گران مادر تاریکی‌های‌ناشی از استعمار
بسر برده حاصل زحمات شان بدست غا
استعمار و دست نشاند گان شان رفت
خود در گمنامی‌بسر برده‌اند که روشنی
بر تاریخ صنعت و هنر این دوره کار ام
است وباید اهل قلم و دانشمندان با
از زمینه مساعدی که‌دولت انقلابی ب
شگوفانی فرهنگ مردم و قدردانی از

بقیه در صفحه ۴۹



ف راصح

نگرشی شتابنده به ادبیات معاصر ویتنام

ادبیات معاصر ویتنام، ادبیات خون و آتش است

ویتنام، ادبیات ملتی‌است‌که برای جدایی
نماد های زنجیری وگسستن قیدهای
آور آزادی کـش حاسه آفرین دوران
ردد وبرای حفظخودارادیت ملی وتمامیت
بادفاع قاطعانه‌اش از هر مشت خاك و
ب از سر زمین از نیاکــان بــه ارث
اش ، مشت‌بردهان جهانخواران و
لگران امپریالیزم میکوبد ، تاحــق‌را
روزی رساندو اهریمن خونخوار رابــه
ت آورد .
ادبیات خواه درروال قصه ویا قالـب
، زبان وبیان‌ملت‌به پا خواسته‌ویکپارچه
ست‌که دریادریا خون میدهد وقطره قطره
می گیرد تا این کلمهٔ مقدس را با همه
س وشورمیهنی اش ذیراد کرده باشد .
ر وقصه نویس ویتنامی دراین رستاخیز
وپرابهت ملی که ازیکسو غارتگران
لیست امریکایی باتانك و توپ خــود
در نترین وسایل وابزار جنگی‌شان از
و هوا گروه گروه انسان بیگناه را به
میکشند وبا گلوله بهم میدو زندو از
دیگر کودك وزن ومرد وپیرو جوان
ك آرمان دارند و آن بیرون کشیدن وتف
امپریالیزم رااز زندگی خود ورسیدن
ز آزادی است واز این روی هر دیوار
لطیده یی را و هر بنای به آتش کشیده
یی راو حتی خاربوته رشد کرده و کشت
رابه عنوان سنگری علیه دشمن به‌کار
، مگر در شعر و قصه خود چی را
د تصویر کندو به بیان آورد که از این
های‌عینی وواقعی درد انگیزتر ، افتخار

بیش از گذشت ده سال
پیکرم را غارت کرده اند .
زیرا :
چهار ماه گرسنگی
چهار ماه بی خوابی
ناتوان از تعویض لباس
ناتوان از شستن تن .
سپس :
دندان مرا ترك کرد
چهار تار موسفید شدند
سیاه ، لاغر ، شیطان گرسنه ،
پر از زخم .
خوشبختانه :
من صبورم ، تزلزل ناپذیر ،
یك وجب هم عقب نمی نشینم
جسما بینوا یم
وپابر جا
روحا .» «۱»

* * *

«از او میپرسم : «پدرت ؟»
ـدشمن گلوله بارانش کرد .
ازاو میپرسم : «مادرت ؟»
ـدشمن سرش را برید .
از او میپرسم : «زنت؟»
ـخمپاره ها خرد ش کردند
وکود کمان در شکم او بود .
از او میپرسم : «خانه ات؟»
ـدشمن آنرا سوزاند .
از او میپرسم :«دهکده ات ؟»
ـدیگر جز زمینی بایر نیست ،
دشه نآنرا ویران کرده ،
ساکنانش را :
به سوی دهکده استرا تیژ یك رانده.
از او میپرسم :«به کجا میروی ؟»

بیگانه از مردم نیست و نه‌تنها فضای درد
آلود و خفقان آور مسلط براوضاع سیاسی
واجتماعی آنوقت را فراموش نمیکند ، بلکه
خود طعم و مزه این مـرارت را مــی چشد
روز در سنگر های داغ مبارزه شرکت دارد و
شبانگاه باقلم واندیشه خود میکوشد حماسه
هایی را که دیده است رنگ شعر وقصه‌دهد
وباباز خوانی‌آن‌بر شوروهیجان مبارزه بیفزاید
ودراین راه او هر لحظه سایه مرگ را در سر
دارد اگر دژخیمان امپریالیزم این آثار را
بدست آورند ، تو مار زندگی شاعرو نویسنده
از هم دریده میگردد و بعداز آن ناگزیر است
در اتاق های نمناك زندان ، در زیر مجازات
های غیر انسانی و در زیر رگبار گلوله هایی
که قلب پر احساس اورا هدف قرار میدهند
شعر بگوید و قصه بخواند .

عطر گلها را احساس میکنم .
احساس کردن ، شنیدن :
آیا این سعادت را ،
که از اندوه راه وتنهای انسان .
میتوان برمن منع کرد ؟ » «۳»

* * *

به‌پا هاودستهایم ، اژدها ها
آیا افسران سرشانه‌گی های زیب
این دارند ؟
سر شانه گی های افسران ،
فقط رشته های طلایی است ،
سر شانه‌گی های مرا بنگرید ،
که‌از طناب خالصند. » «٤»

* * *

«یك بار دیگر گرتی ام را ،
برنگ سبز شاخ وبر گها درآور
یار من ،
جنگ سپید را نمی پزیرد .
بار دیگر میروم
دربادوباران
تفنگ به شانه
لباس از سبز پیروز مند.» «٥»

شاعر ویتنام حتی زمانیکه شعر
طبیعت پیوند میدهد وجلوه دلپذیر
الهام میبخشد و مایه میدهد ، نم
خصوصیت های جنگ‌وازحوادث ج
ماند :
«برسنگ کوه ها ، شمشیر باد
بر پیکر شاخه ها، سرمای دشنه



شعبده بازی یکی از سرگرمی های رایج در ویتنام .

خودرا ازیاد نمیبرد ، ملتی که
است ، یکپارچه شده استو همه
برای شکست‌دشمن به کارگرفته
رای او «من»و «تو» « خانواده‌من»
مطرح نیست ، همه اعضای یك
ساعر میکوشد این احساس عمیق
تبارز آورد :

برادر برای نخستین بار می‌بینم
که‌بتودارم ، بزرگ است
برنجت ماهی خشکیده ات
آتش،خود راگرم می‌کنیم
از «با- رن» و«دوك ،بون»
یی ؟
لاغرت ،
تب های جنگل ،
کش کرده‌اند ،
ی‌پر عمقی‌خوانده میشود .
ندانت کجا هستند ؟
ی است که آنها را ندیده ام
عملیات «پالکردن» ازجانب دشمن
هم زنده اند ؟ » «۷»
تامل میشود
که با سروصدا
ر می میسوزد ، خیره میشود.
خنده خوش

تو ؟

* * *

داشتنی ام که اینك بسیارپیر
ستان پناه برده است
او ، از خاطره اش
باقی نمانده است .» «۸»

* * *

ل مقاومت
ردم را زیر پا نهاده ام
دهکده گذشته ام
ك از آنان دهکده من نبوده اند.
فقط
بامداد بود
یر کیست ؟
نیمه مادر من است .» «۹»
که صحبت ازعشق است و شاعر
ست داشتن دارد وبه رویا های
می‌جوید به جای آنکه از معشوق
د ، آغوش گرم اورا بخواهدوبه

بازمیگردم‌که محنت هات درسبزی دهکدهٔ زاد
گاهم فراموش کنم .
به یاری کرتی یی که برایم رنگ میکنی،
احساس گرمی خواهم کرد .
در سبزی عشقمان
این کرتی همواره سبز خواهد ماند.»«۱۰»

این احساس،احساس‌جنگ زدگی ،احساس
نفرت از جنگ‌افروزان غارتگر،احساس نگرانی
از سر نوشت واحساس عمیق حق بودن این
مبارزه انسانی برای نجات آزادی و خاك‌میهن
از جنگ استعمار گران و اشغالگران چنان
برریشه وقوی است .

که حتی کودکان‌نیز نتوانسته انداز آن‌برکنار
دانند وتمام اندیشه شان از مسایل جنگ
انباشته گردیده به گونه یی که در همه بیان
شان وگفت وشنود های شان جای باز کرده
است .

به این چند مورد که به وسیله «کلود ژون»
خبر نگار فرانسوی‌از دفترچه‌های خاطرات چند
کودك ویتنامی درآیام‌جنگ تهیه وگرد آوری
شده است ، توجه کنید :

«فی» کودك هشت ساله میگوید :

«نزدیك‌است کرشوم، صدای فریاد شان
خیلی بلند است ، پدرم میگوید :» توزنده‌یی،
تو زنده‌یی !»همه چیزتمام شده ،رخصتی ها،
کشت وکشتار،راستی چرا وقتی ویتکانگ‌ها
میمیرند امریکایی‌هااین‌همه‌قوی میشوند.»«۱۱»

«توآن »یازده ساله تاثرات خودرا از جنگ
چنین تبارز میدهد :

«درمیان خانه یی یك مرد دیدم ، ایستاده
بود ،ولی مرده بود ، یك پای چوبی‌در، آتش
میسوخت.» «۱۲» وکودك دیگری که «تام»نام
دارد و هشت بهار را دیده است در جواب خبر-
نگار فرانسوی که از از میپرسد ، جنگ چه
احساسی را برای او به وجود آورده میگوید:
«دور وبرمن همه‌چیزمرده است ، باران‌میبارد،
همیشه باران میبارد،هلو کو پترها نمیگذارند
باران ایستاده شود ، آنطرف من یك جتری
رفته داخل شکم یك دختر ، پدر بزرگم‌میگه:
«تو زنده یی!» مادر میگه : «توزنده یی!»

مادرنگاهم میکند ، می بینم : دست ندارد
«۱۳» «دونگ» کودك‌ده‌ساله که ظاهراً به مرز
دیوانگی نزدیك شده است در جواب همان
پرسش ، میگوید :

«خدا حافظ بچه‌ها،خدا حافظ پل‌ها،استخوان
های همه ام شکسته است ، من تنها هستم
آب ساکت است ، کوه ها ساکت اند، صدا
میزنم :«دونگ!» دونگ‌نام‌خودم است.» «۱٤»

«لیو» ی هشت ساله احساس خودرا به
این گونه به بیان آورده است :

«همه شان به جنگ رفته اند ، فقط مادر
مانده ومن ، چراغ‌های‌آسمان‌هیچ‌معلوم نمیشوند
هیچ انبار هم فقط به اندازه یك سوراخ
کوچك نور دارد مادر بمن نگاه می کند
برایش میگویم (مرغابی هارفته‌اند، خوك‌هاجسد
ها را میخورند) :باران تندتند میبارد ، یك
تانك میایدبه‌طرف خانه‌ما،مثل اینکه میخواهد
همه جا را روشن‌کند،می‌بینی‌من چقدر ترسیده

ام ، می بینی !

مادر فورا تذکره های جعلی را میاورد
جسد تذکره جعلی نمیخواهد ، سر باز
گردنش میگیرند و اورا باخود میبرند ،
چیغ میزنم، بعداو تا نار جك ... بومب
بومب ، مادرم می‌بیندکه‌خانه ام خراب میک
آن تانك‌زیرزمین‌هاوهمه‌جارا خراب‌میکند.»»

سوء ونگ یازده ساله با بیانی ساله
موجز نفرت وانز جار خودرا از امریکایی
نشان میدهد :

«امریکایی که مشغول‌سیگرت کشیدن اس
روی صورتم خم میشود ، بین بینی اش پ
موی است ، و دستهایش‌هم ، باران به تن
میبارد ومرده هارا ترمیکند و امریکایی درخ
نشسته ، فکرکردم «امریکایی چقدر خنده
است» «۱٦» وبالاخر «دوك» که‌نه ساله اس
یکی از صحنه های جنگ‌راکه خود مشاهد
بوده است به این ترتیب توصیف میکند:

«صدای فیر اولین مرمی را شنیدم فکرکر
که آنها قصد شوخی دارند ، نمیدانستم
حمله شروع شده ، میتر سیدم ، از خو
پرسیدم : «کجا بروم ؟مثل اینکه جنگ شر
شده نزدیك بود کشته شوم چ
همین طور که بازی میکردم یك خمپاره دا
حویلی افتاد ، نزدیك‌بودبه زمین بیفتم،آن
سبك شده بودم که‌انگارپرنده هامرا میکشی
از صدای تانك هاو طیاره ها نزدیك بو
کرشوم ، به اتاق دویدم ، بعداز اینکه
بقیه در ص ٤٨



باشعرای گمنام کشور خود آشنا شوید

تحقیق و نگارش از: دستگیر نایل

باد نامه‌ای از «ساحل»

بغلا ن ، از ولا یت های تاریخی
باستانی شمال کشور ماست که
ارا ی تمد ن کهن کلتو ر وفرهنگ
ی میباشد . در مر بو طا ت این
لا یت نو یسند ه گا ن ، شاعرا ن
لما ن و هنر مندا ن بزرگ و با
ستعداد ی در طو ل دوره ها ی
ریخ گذشته و آثار بس گرانبهایی
ترا و شا ت قلمی آنها بجامانده
ه چو ن گرد نبند الماس بگرد ن
نر جا معهٔ ما مر صع بود ه ولی

شده و شعله هـایی آتشی‌که اخگر
آن دردل خا کستر زما ن باقی
ماند ه **محمد علم سا حل است** ،
سا حل اسمش محمد علم و نا م
پدر شی محمد شر یف ، اصلا از
قر یه «هو فیا ن» مربو ط ولا یت
پروا ن است که در حدو د سالهای
١٢٩٥ ـ ١٢٩٦ هجری شمسی در
قر یه حسن تال بغلان در خانواد ه
دهقا نی تو لد یافته است . پد ر
سا حل ، سا لها ی قبل بایکعد ه
از اقار بشی بخا طر کسب روز ی
به قطغن (بغلان) که یك منطقه سر

میکرد ، بهمین نسبت در مور دتعلیم
و تربیت او نیز جد ی بود تا آنجا
که سا حل را به مدرسه فرستاد
و از همه کار و زحمت خا نه آسوده
خا طر شس گردانید سا حل، خواندن
و نوشتن را در مد رسه آمو خت
اما یکرو ز هم بخا طر تحصیل علم
بمکتب نرفته است او با استعداد
سر شار ی که داشت با وصـــف
اینکه تعلیما ت دینی و علو م متداوله
را تا دیوان خواجه حافظ وگلستان
و بو ستا ن شیخ سعد ی و کلیا ت
ابوا لمعا نی میرزا عبد القاد ر
بیدل خواند ه است اما با اند ك
زمانی با استفاد ه از مجا لست با
علما و شعرا و بزر گان و اهـــل
صو فیه معلوما ت وسیعی در زمینه
های مختلف علو م آنروز ه کسب
کرد . درین سالها بود که پد ر
خود را نیز از دست داد ! سا حل
پس از آنکه خواند ن را خو ب
آمو خت ، در اثر تو جه یکی از
دوستا ن پدر شی در شر کت سپین
زر کندز به حیث کاتب مقـــررشد
و تاسا ل ١٣٤٦ در بست هـــای
مختلف دو لتی کا ر نمود ه و در
همین سا ل تقا عد کرده است .

دوره شاعری و تبلور احساسات شاعرانه .

سا لها ی ١٣٣٨ ـ ١٣٤٥دوران
پختگی افکا ر سا حل بود و سرودن
شعر را هم از هما ن سا لها آغا ز
کرد .

در آن سالهاو ج جنبشس مشروطیت
ونهضت دموکراسی بود دراثرفشار
نهضت هاو عوا مل ملی و بین‌المللی
و تا انداز ه بو جود آمد ن قانو ن
اساسی ١٣٤٤ به آزاد ی بیا ن ،
افکار وعقا ید اجتما عی با النسبـه
میدا ن داد ه‌شد ه بود . درمطبوعات
بغلان آقا ی عبد الکر یم مجا هد و
سپس **عبدا لطیف نشاط ملـــك خیل**
در دور ه نهضت دمو کراسی کا ر
های قابل ملا حظهٔ انجا م داد ند و

در مطبو عا ت بغلا ن ای
میکرد . شاعرا ن و نو
دیگر ی چو ن : اما ن ا
پروانه اندرا بی ، اریب
زین العا بدین پر دیسس
سپاهی وزیر احمد حسی

رحمت الله شرقی‌زاده پس
الله خان شر قی شا عر
که سر آیند هٔ کتا ب منظ
دل) است ،محمد علی اس
عثمان نالا ن ، جمشید
عده د یگری بـا ر و ز
بغلان همکار ی داشتند و

نیز در میا ن همین شاع
ارزند ه و خو بی داشت

در روز نا مه اتحاد بغلا
نامه بدخشا ن پیو سته
رسید . در آن سالها د
مشا عر ه ها صور ت
محا فل و مجا لسس اد بی
سا حل در ابتدا بسمل ت
و چند قطعه شعر هم به
تخلص سرود ه است که
اشعا ر آندور ه اشس ف
دستر سی نیست . ولی
نام محمد انور بسمل
معرو ف کابل و برادر ا
ابرا هیم صفا آشنا شد
تخلص کرد .

سا حل با استاد صفا
دا شت هنگا میکه استاد
نزد پسر خود محمد یع
می آمد ، باسا حل هم دی
صحبت و مجلس میکردن

تبحرو معلو مات سا حل

ادبیا ت عار فا نه و بخصو
شناسی بود . سا حل بیا
از هرشا عر زما ن خود

و اشعا ر بید ل را بهتر ا
شناسس آند یار معنی می
والا ی او در اد بیا ت ص
معر فتش با عر فا ن ا
تمام مردم و ادبیان زمان

ـرد :

نگر ی که رو ی توز بیـــاکشیده است
سر و قدتو از همه بالا کشیده است

طع همین غزل چنین میگویدو به همین مو ضو ع اشار ه می

ل» شبی تو اشك بەدامن‌چور یختی
این قطر ەرفته رفته بدر یا کشید ه است

با قی ما ند ه ابیا ت هما ن‌غزل تقدیم میشود تا بر خوانند ه
آفر ینش شاعر آشکا رشود :

کافر م به عشق بتا ن ازصلیب تو
زلفت مرابدین مسیحا کشید ه اســت
د ه دید ، لعل لب مـــی‌پرست تو
از مو ج ،سر ز گردن مینا کشیده اسـت
به هر چه مینگرد ، جلو ەگا ه اوست
مجنون بەدیده صورت لیـلا کشیده اسـت
رۀ نیاز به عـــرض سجودشـــــد
سر هم بەعجز ، نقش کف پا کشیده است
ست دست حضر ت موسی‌نمی شود
آن معجزی‌که در ید بیضا کشیده است

هم غز لی به سبك هند ی‌که از بید ل پیرو ی کرد ه :

عبر تی بکشا دید ه باز کن‌به کفن درا
بیرو ن زخودمژه پیش‌کن به‌سیر خود به بدن‌درا
داز غربت ایـن جهان شوی‌عا قبت مگر آنزما ن
برهی تواگراز ین واز آن سفری بکن بوطن درا
موشی اختیا ر کن ، دل‌خو یشس استوار کن
اگر یا فتی بشا رتی بز بان او به سخن درا
ن رسیدبحقیقتش ، زسراغ طرف سا حلش
اگر برسی به بحر اوقطره شـو همچو مـن درا
صورت این بتان همـــەاست دیو سیر تان
شبی ز خلو ت انجمن ، بکنار سیمتن د را
آز بسا ط آب گل ، برسی به حقیقت ملك دل
چو کشا د ه شداگر در دل‌به اد ب درین‌انجمن‌درا
باش ساحل همچو زاغ ،که‌باتش حرص آزو داغ
اگرمایل رخ‌گلی عند لیب شو به چمـــــن‌درا

حل علاو ه از تصو ف ، درعلوم تار یخ ،فقه‌تفسیر حکمت ونجوم
ما ت کافی داشت و بـــه‌بسیار ی از علما ی زما ن خود تن
اد در امور دفتر دار ی و میرزا یی هم مرزا ی بر جسته
ته شده یی بود و همـــەدوستا ن و رفقا یشس او را بنا م
طا ب میکردند .

آنجا که سا حل اصلا ازهو فیا ن پروا ن بود ، به مرشدا ن
ن هم اخلا ص و علا قەمندی فراوا ن داشت و آنها را پیر و
ود میدا نست در غزلهایش‌به تکرا ر به این مو ضو ع اشار ه
ست :

حنیفی مذ هب و از هو فیا نم

غر بی فر هنگ غنی و پر توا ن ما را از مفهو م تهی میکرد و فرهنگ جدید و جلو ه هـــــا ی‌راستینش را در گلو خفه می نمود و اجازه داده نمی شد که اندیشه هـای‌روبه رکود رفته بالنده شود . و قیا م علیه انحطا ط و بی فرهنگی‌و ابتدا ل بانو ك سر نیز ه پاسخ داده میشد «و برمرز های جغـــــرافیا یی روشنگرا ن راه آزاد ی سیم ها ی خار دار ز هر الود گرفتـــەشده بود ، و چو به دار ها ی برای سر به نیست کردن . آزادی طلبان‌و روشنفکرا ن نشاند ه بودند!!»

د رچنین شرا یط و او ضا ع‌افکا ر و اند یشه های سا حـــل هم مانند گذشته بحا ل تنگ نظر ی‌وتحجر و تجــــر د صـر فـــاً عر فانی خود با قی نماند بلکه هم‌صدا با دیگر روشن فکرا ن وراهیان راه آزاد ی ، مسیر حقیقت جو یی‌و مترقی پسند ی را در پیش‌گرفته ودر سنگر دفاع از وطن وفرودستان‌جا معه تا آخرین لحظات عمر خـــود محکم به پا ی خود ایستاده مانـــــدو هر گز انحرا ف و ساز ش و انعطاف پذیری در انـــد یشه اش‌را ه نیافت ، بلکه علیه سنت‌زده‌گی پوسید ه گذشته قرار گر فته وقلمش را مثل شمشیر بین مر ز حقیقت و ضد حقیقت قرار داد ودرسنگر ساز ند ه گی و ایجاد هنر تود ه یی و خلا قه بیدر یغا نه وهو شیارا نه مو ضع گر فت ! اشعار ســا ده و بـــی پیرا یـــه‌ساحل ، پژ وا کی است از مو ضع گیری فکر ی و طبقا تــــــی او.

سا حل ، به مناسبت مار شــ بزر گی کـــه کـار گــرا ن نفت‌و گاز شبر غا ن از اثر ظلم و بیدادگری عمال سلطنتی بـه خـا طـــر خوا سته ها ی حقو قی خو یشس‌بـراه انداخته و تا دند غــــو ری پلخمر ی این را ه دور و درا ز رادر نور دید ه‌بودند ! شعر ی دارد که باهم میخوا نیم :

د رمیا ن تود ه ها از هر طر ف‌شور و شر است
این هیاهوی‌حقوق عده کارگراست
طبقه زحمتکشا ن از فا قه گی‌در اضطراب
حا صل‌دهقان‌به جیب راشی و سودا گرا ست
کار داران کی به فکر ار تقـــای‌خاك ماست
بلکه در فکرخرابی با خیا ل دیگر اســـــت
بر مبا رزان قـا نونی خواهـــان‌حقوق
چو ن کریت‌ازهر طرف مارش‌سپاه هتلراست(۲)
خوا ب راحت بر جوانا ن بعد ازاین باشد حرام
در حصو ل حـق‌خدا با حق شناسا ن یاورا ست
را حت تن پروا ن بر ما همین‌باشد دلیل
محنت‌زحمتکشان‌آخر سعاد ت آور اســــت
حفظ این خاك مقد س ، ازنیاکان‌ارث ماست
انقطاع دست‌خاین از وطـن او لاتر اســــت
فکر بیدار جوانان در پی بهبـود‌ماست
زند ه باد آنکس‌ترقی خوا ه و ملت پرور است

در همه جاو در تما می اشعا رترقی خواها نه و انقلا بی سا حل ساد ه گی و روا نی سخن و بیا ن‌احساس واندیشه اش بد یعی به مشا هد ه می رسد .

سا حل باو صف اینکه بشد ت‌تحت تا ثیر افکا ر صو فیا نه و عار فا نه بود ، ولی جنبشس ها ی‌آزاد ی خوا هی و نهضت فکر ی و اد بی در اند یشه های او بی‌تاثیر نماند ،وی‌بر آنعده شاعرانی

بخاطر اینکه ...) یعنی دلایل را ذکر نمیکند
مطالعه وسیله‌ایست که‌مخصوصا برای دسترسی
بیك هدف مفید است . واز آن طوری استفاده
میشود که از یك چکش برای کوبیدن یك‌میخ
یاقایم ساختن یك پیچ. به بیان دیگر عادت
مطالعه روی ضروریات بشری متکی میباشد .
تفاوت در انگیزه مطالعه در فرهنگ های
متنوع جهان بچشم میخوردامااین‌لست اهداف
در مجموع اساس مفیدی خواهد بود :

بمثابهٔ یك عمل تشریفاتی یاجبر عادت .
از لحاظ وظیفه

محض برای گذشتاندن وقت

بخاطر کسب اگهی از رویداد های روز.
برای اقناع شخصی
بخاطر خواست زندگی روز مره

بخاطر علایق بیشتر فرعی
بخاطر پیشبرد بهتر کار ه
بمنظور بر آورده شدن خو
اجتماعی
روی دلایل اجتماعی‌وایجابات
بودن
برای بهبود مهارتهای شخ
بردن سطح دانش و فرهنگ
برای اقناع خواست های رو
روی رفع ضروریات روانی
البته استعداد وارزو تنها
که عادت مطالعه رادر انسان
وقت نیز یك عنصر مهم میبا
طی روز ها ماهها وسالهادر ان
می‌کند . عادت فقط باکارطولانی

ساروس ها، کلنگ های وفاد

در قصه ها آمده است هر گاه یکی ازجفت
این کلنگ هاکشته شود جفت دیگر بـــرای
عقته ها به محل واقعه سرمی زند وسر انجام
از دل شکستگی با جهان وداع میکند .
کلنگ ساروس یك ونیم متر قد داردو قد

بلند ترین پرنده هندوستان به
گردن وسر آن سرخ رنگ وتن
خاکی دارد و پاهای آن زرد کم
این پرنده در سراسر شمال
هند ، آسام ، برما ، کوچین



رهنگی های
جهان

واملی که‌عادت‌مطالعه کردن را
تقویت‌مینماید

رچه نسبتا سهل است که پیرامون تعداد
وادان جهان ارقام واحصائیه ای بدست
، اما آیا در بارهٔ ملیونها انسان باسواد
کشور های پیشرفته ودر حال رشد که‌به
ن کتابی بدست‌میگیرندویامجله ای راورق
د ویا پیرامون شاگردان مکتب کـــه
ه بر ایشان حکم کتاب درسی را د ار د
ی داریم ؟

شکل است که علل این پدیده را پیدا
زیرا انواع مختلف مطالعه وجود داردو
ه نظر به عمر- سطح دانش و مایـــهٔ
ی و اجتماعی متفاوت میبـــاشـــد

اما نمی خواهند به کتاب یامجله‌روی آورند.
در کشور های درحال‌رشد در جهت مبارزات
گسترده‌بخاطر کسب‌سوادمشکلات‌بخصوصی‌وجود
دارد بخش زیادی از بزرگ سالان که تازه
سواد آموخته اند بعلت‌نبودن مواد کافی‌مطالعه
که‌طرف علاقه‌و ضرورت بخصوص شان باشد
دوباره در پرتگـای بیسوادی می افتد . لازم
است در جمله سایر اقدامات بخاطر حفظ و
بهبود مهارت مطالعه پیدا کردن انگیزه های
برای بزرگ سالان که میل شان رابه خواندن
کتاب یا مجله زیاد سازد ویافتن کتب‌ونشرات
درست برای آنها پلانهای‌دقیق‌رویدست‌گرفته‌شود.

پاکستان پیدا میشود • رقص
برای علاقمندان پرندگان بسیار
سد • این چوچه ثمره یکی از
سعادت آمیز است •

تادم مرگ از هم جدا نمیشوند
میمی بوده دوستان نزدیك به
• آنها صرف در چند متری
ش معاش میشوند ودایم درکنار
می‌آیند •

معمولا جوره جوره وگا هگاهی
چه های شان دیده میشوند •
اکثر نقاط هندوستان حمایـــه

می‌شود واز همین لحاظ است که از عابرین نمی‌تر سند ورام و اهلی شده‌اند •

مادر برای چوچه اش ماهی شکار میکند• کلنگ هادر سبزه زار ها، مزارع و مزارع برنج ، مرداب ها، جهیل‌هاو کنار دریاها امرار حیات میدارند و اغلبا در یکمحل ساکن می شو ند •

ساروس‌درنقاشی های عصر مغل به نظر میرسد • نقاشان آنزمان تابلو های خویش را بااین پرنده زیبا زیب وزینت داده اند • ساروس ها در تابلو هایی مناظر باغ هابه صفت سمبول آرامش و خاموشی ترسیم‌شده است •

عده یی از داکتران عقیده دارند که بادنجان رومی دارای لسیدا گزالیگ بوده خوردن‌آن برای مبتلایان به‌امراض گرده‌وکسانیکه تکلیف روماتیسم ونقرس دارند خوب نیست•

این موضوع در بادنجان رومی که مصنوعی سرخ شده باشد ونوع بادنجان رومی که دانه های زیاد دارد صحیح است • خوردن بادنجان رومی خام ترشی خون را خنثی می‌کند واز

عوارض آن میکاهد ، سنگ های گرده
را خورد کرده میر یزاند • برای نرمی
پوست بدن و صورت از مالیدن آبو
بادنجان رومی غافل نشوید واگر مبتلا
صورت هستید میتوانید آنرا بسیارنازك
کرده‌و بر روی‌خودبچسپانیدو بینید که
پوست را نرم ولطیف کرده وچربی آنـ
ازبین میبرد •

...جان رومی میوه است یا سبزی؟

...را داراست: وچگونه‌بایدآنرا خورد؟

می یکی از میوه های مفید ،
نگ است که متاسفانه ما هنوز
یوه نپذیرفته و هنگام پذیرایی
آشنایان در کنار سایر میوه‌ها
م در حالیکه میتوان آنرا مانند
یابدون نمك خورد وآب آنرا
نوشابهٔ غیر الکلی نوشیدواز
مند شد بادنجان رومی نعمت
اگر این موه ویا این سبزی
اعصاب‌ماراتقویه کرده وعوارض
روحی را کم می‌کند •

یهٔ بادنجان رومی کشور پیرو
جنوبی) است وپس از کشف
اروپا و آسیا آوردند بادنجان
علفی است که دارای برگهای
انه دار بوده از محسنات این
ت که حشرات را فرار میدهد
بور ومگس از بوی آن خوششان
شما توصیه میشود که در
ود چند بوته بادنجان رومی
سرات به‌سراغ‌خانهٔ شما نیایند
های باغچهٔ منزل شمارا خراب

ی سر شار از ویتامین (آ)
جهت از شبکوری جلو گیری
خام آن قوهٔ بینایی را زیاد

رومی چنانچه رسیده ودر روی بوته در برابر نور متهاب سرخ شده باشد از میوه های‌سرد بوده • خوردن آن قند و مواد چربی اضافی خون راازبین برده مزاج را معتدل میسازد•

بادنجان رومی سبز رنگ دارای سم معروف سولاتین بوده‌باید جداازخوردن آن پرهیز کرد ولی متاسفانه عده یی از مرم‌ما بادنجان های سبز رادر زمستان در مقابل آفتاب وبا فرو کردن در بورهٔ اره ویا در آرد ، سبزی آنرا از بین برده و به عنوان‌بادنجان‌تازه از آن استفاده‌می‌کنند خوردن این نوع بادنجان نه‌تنها مفید نیست بلکه مسموم کننده بوده خوردن آن برای جگر وگرده ها ضرر داشته وتولید سنگ مینماید •

یکی از اشتباهات زن های خانهٔ امروزسرخ کردن بادنجان رومی در روغن است • عده‌یی هم آنرابا تخم مرغ‌درروغن سرخ می‌کنند •که این عمل نه تنها از خواص سر شار آن میکاهد بلکـه هضم آنرا هم مشکـل کرده و خوردن آن نا راحتی های معده را ببار می آورد همچنان باید یادآوری کرد که همیشه بادنجان رومی را در آب خودش بپذید وحتی نمك هم به آن نیندازید واگر میخواهید کـاملا مفید باشد آنرا خام توته کرده ودر کنار سفره‌خود بگذارید واز آن به شکل سلات استفاده کنند

متر جم : دکتور میر غلام‌جیلانی‌فر همند

پیمودن‌قاره‌یوریشیا

باچوب‌داربازی ...

دار باز ها را همه میشنا سند، در عصر ما آنها چندا ن ز یاد دیده نمیشو ند اما زمانی دار باز ی در میا ن مرد م بسیار محبو بیت داشت که نه تنها در مواقع جشن هـــا و نمایشا ت به قدم زد ن می‌پرداختند.

دو سفر فو ق العا ده به کمـك

«چوب دا رباز ی » در دهه اـ
قرن نزد ه عملی گردید . یـــ
نشا ن قشو ن شورو ی بنـــ
«زمستان » از طر یق قد م زد
سرحد غر بی شورو ی به پا ر
انتقا ل داد ه شد .

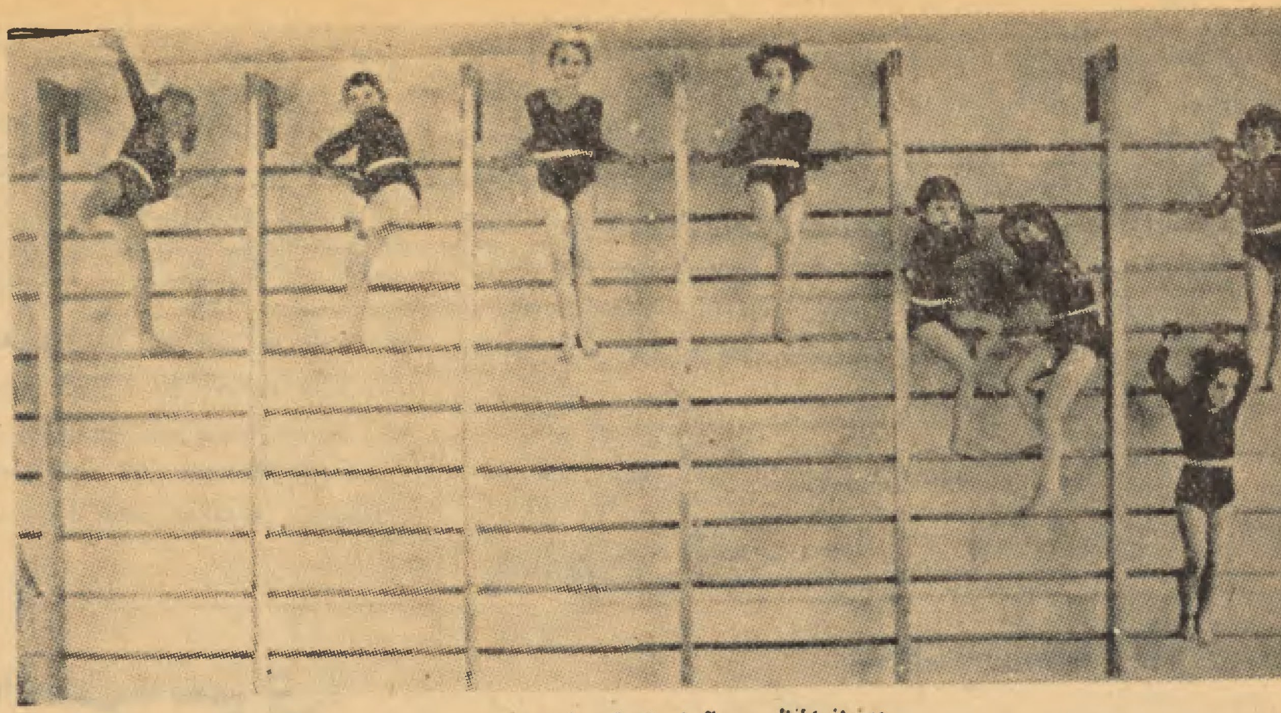
بقه در صفحه ٤٨





طفلی در حال بازی با گـدی گك

آن کشور حق کار کردن در خار
منزل را تصاحب شدند یعنی اینک
کشور حق سهمگیری فعال در توا
را نصیب شدندبرای عدهٔ از مادر
دوستانی که در غیاب‌شان‌ازاطفال ش
مینمودند مانع سهمگیری‌شان در فعا
تولیدی میشد • از همین باعث بو



عدهٔ از اطفال در حال اجرای تمرینات‌ورزشی‌دیده میشوند •

مترجم : ب . علی زاد

اثرات مثبت کودکستان درجهت
شد و تقویت قوای روحی و جسمانی
اطفال وشگوفان‌سازی استعداد
های آنان



داکتران طب، در حال مراقبت از طفل نـو تولد دیده میشوند

یك حقیقت آشکار و انکار ناپذیر است که سیستم اجتماعی یك کشور را زمانی میتوان مردمی و عادلانه خواند که در تحت آن برای رشد سالم‌جسمی‌واستعدادهای اطفال‌کلیه‌اقشار وطبقات اجتماعی بدون هیچگونه تبعیض‌وبرای رفاه وآسایش آنان‌کلیه امکانات لازمه تامین گردد. پرگـــویی، چشمان اشك آلود، دستان پرابله وزنده‌گی اواره‌وبیخانگی اطفال رنجدیده در عقب داشته باشد همه و همه پوچ وبی معنی بوده وکوچکترین ارزشی ندارد •





ر حال تدریس در یکی ازصنوف
ی بیئید •

فال در کودکستانها تغذی شده
یحی برای شان فراهم گردیده
، خواندن‌ونوشتن وتمیزوآراسته
ن وقت در کود کستانها تدریس

لات فراهم گردیده بود که سایر
آن وقت) از تدارک آن عاجـــز

مان‌چون تحولات در کلیه ساحات
سوراها رونما گردید ، همراه باآن
ی در احداث کودکستانها در آن
ونما گردید طوریکه تاسیسات
در آن کشور بیشتر از پیش
ردیده و جهت نگهداشت وتربیت
اطفال‌تسهیلات بیشتر از پیش
گردید • چنانچه کودکستانهای
تنها بوظایف قبلی‌شان‌که عبارت
اطفال در سنین قبل از مکتب
.بلکه درتربیت‌سالم آنان‌وآماده‌گی
کتب نیز پروگرامهای خاصی را

که همین اکنون تعداد کودکستا۔
ماهیر شوروی به یکصدوبیست
رسیده است که هزینه یـــك

میرسد که مخارج آن شامل قیمت غذا ، اوازم (از قبیل ظروف ، لباس خواب و غیره) ومعاش معلمین وکارکنان مربوط آن میباشد • مصارف سالانه هر کودك به چهار صدو پنجاه روبل میرسد که والدین اطفال فقط دوازده روبل وپنجاه کپیك در ماه میپردازند که البته مبلغ مذکور فیس اعظمی بوده که نظر به‌در آمد والدین و تعداد اطفـال در یك فامیل تنقیص یافته میتواند طوریکه والدین که تعداداطفال شان زیاد است حتی از پرداخت فیس بکلی معاف میشوند • در روستاها دیده میشود که بسیاری مزارع دسته جمعی خود تمامی‌مصارف کودکستانهای مربوط شان را میپردازند. باید گفت که در اتحاد شوروی تمامی اطفالیکه به سن سه سالگی میرسند می تـوانند شـامـل کود کستا نهاشوندوبرای آنعده اطفالیکه‌کمتر از سه سال عمر دارند شیر خوارگاه ها (که مربوط وزارت صحت عامه اند) ساخته شده است مگر باید یاد آور شد که از اطفال بسیار خوردسال که تغذی با شیر مادر برای شان حتمی پنداشته‌شده ودرصحت وسلامت جسمی وروحی شان رول‌تعین‌کننده دارد) بهتر خواهد بود تا مادران شان وارسی نمایند • که‌این حق را قانون برای مادران شوروی داده‌است• هر مادر حق دارد تا زمانیکه طفلش بـــــه سن یك تا یکنیم سالگی برسد بدون حاضر شدن بکار بخش اعظم معاش خودرا بدست بیاورد علاوه بر آن هر مادر تا زمانیکه کودکش چهار ماهه میشود بدون رفتن بسرو ظیفه مستحق تمام معاش ماهوار و امتیازات که‌دارد میباشد •

بطور مقایسوی در سالیان اخیر معضله پرسونل برای کودکستا نها تا حدی مشکل مینمود همان بود که جهت حل‌همین معضله تاسیس موسسات تربیه معلم جهت تربیه معلمین برای تاسیسات قبل‌ازمکتب آغازگشت ازهمین جاست‌که اکنون اکثریت مطلق معلمین که در کودکستانها ایفای وظیفه مینمایند دارای تعلیمات اختصاصی میباشند • همین حالا در اتحاد شوروی دو صدونه موسسه تربیه معلم وسی چهار موسسه عالی تعلیمی که در آنها تنها و تنها معلیمین کودکستانها بمصروف تحصیل اند موجود است • شاید به ذهن تان

تاسی طفل که باهم سن مساوی دارند شامل میشوند که البته‌این‌تعداد دریك گروپ بسیار زیاد است امادر نظر است در تعداد شاملین یك گروپ تناقص بعمل اید تا بر هریك از اطفال شامل گروپ توجهٔ لازم معطوف گردیده باشد •

کار کنان هر کود کستان عبارتند از آمر ، معلمین (برای هر گروپ دو معلم که هر یك بنوبه خود شش ساعت کار میکند) دایه‌هاو یك اشپز میباشد • کودکستانهای بزرگتر یك معلم باتجربه طولانی ، یك رختشوی وغیره (همه در حدود امکان) نیز میداشته باشند •

آیـا اطفال برای چه مدت در کود۔ کستا نها میبا شند ؟

در اتحاد شوروی‌دونوع کودکستا نهاموجود است •

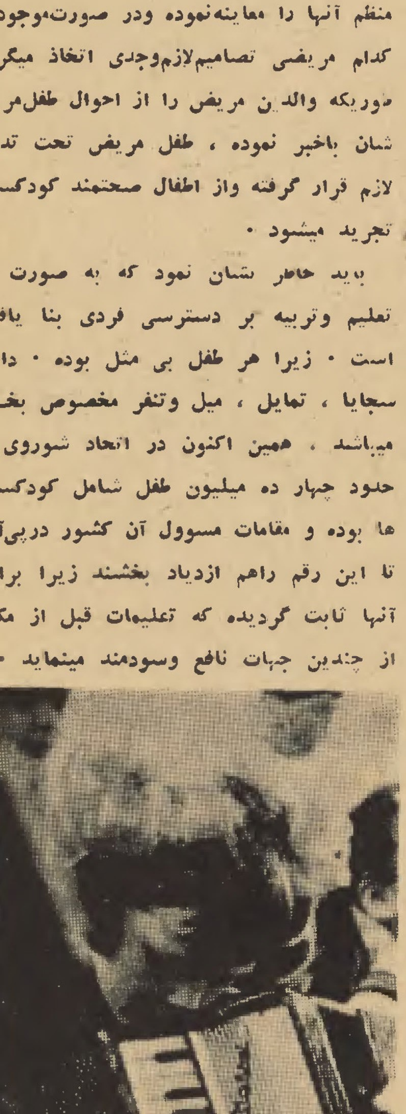
در نوع اول آن والدین اطفال صبحانه قبل از شروع کار شان اطفال‌شان‌را به کودکستان (آورده وشام همان روز دو باره اطفال شان را بخانه میبرند در نوع دوم آن اطفال برای پنج‌روزو شب متواتر هفته در کودکستان میباشند •

یك واقعیت است که‌هرطفل به فامیل خودو به محبت روزانه والدین خود بالاخص مادر خود نیاز مبرم و علاقه خاص دارد همچنان والدین نیز به اطفال خود عشق وعلاقه خاص دارند مگر شرایط کار و فامیل بعضی ازوالدین را وا داشته ووامیدارد تا باپنج روز دوری از اطفال شان عادت کنند •واطفال شان هم ازینکه بامجرد جدا شدن‌ازفضای خانواده خود بامحبت و دوستی خاص موجود در کودکستان موا جه میشوند دوری از والدین خودرا کمتر احساس میکنند •

آیا اطفال روز شان را در کودکستان چگونه سپری میکنند ؟ برای تمامی کودکستا نها یك کور یکولوم اجباری موجود است • طوریکه اطفال بعداز انجام تمرینات‌صبحانه شان دست وروی شان شسته وبعداز صرف ناشتای صبح پروگرام های خاص و مرتبه کـــود کستان رایکی پی دیگر اجرا میکنند •

که پروگرام خاص کود کستا نها شامل نقاشی مودل سازی ، ساختن قصه هاازروی عکس ها، استماع آنچه معلمین برای‌شان

پروگرام بازی آنها که در رشد وانکشا
ستعدادهاوانکشاف قوه بیان وتخیل آنها دا
اهمیت خاص و اثـــرات عا لیشت هیچ
کنسل نگردیده وبخش عمده حیات روز
شان رادر محیط کود کستان تشکیل‌میده
برای بازی کردن اطفال در کودکستا
وقت کافی در نظر گرفته شده‌است • همچ
توجهٔ خاصی‌برای صحت‌وانکشاف‌قوای جس
آنها معطوف گردیده طوریکه یـــك نر
موظف است تا همه روزه از وضع صحی
خبر گیرا باشد •
همچنان اگر واکسین نگـردیده بـا شنـ
بر ضد امراض مختلفه انتانی‌ازقبیل توبرک
دیفتری ،فلج اطفال وغیره واکسین هــ
میشوند •
علاوه بر آن دوکتور ان دندان ، متخصص
امراض جراحی ، متخصصین امراض چشم
متخصصین امراض گوش و گلوو بینی ب
منظم آنها را معاینه‌نموده ودر صورت‌موجود
کدام مریضی تصامیم‌لازم‌وجدی اتخاذ میگر
طوریکه والدین مریض را از احوال طفل‌مر
شان باخبر نموده ، طفل مریض تحت تد
لازم قرار گرفته واز اطفال صحتمند کودکس
تجرید میشود •
باید خاطر نشان نمود که به صورت
تعلیم وتربیه بر دسترسی فردی بنا یاف
است • زیرا هر طفل بی مثل بوده • دا
سجایا ، تمایل ، میل وتنفر مخصوص بخ
میباشد ، همین اکنون در اتحاد شوروی
حدود چهار ده میلیون طفل شامل کودکس
ها بوده و مقامات مسوول آن کشور دربی
تا این رقم راهم ازدیاد بخشند زیرا برا
آنها ثابت گردیده که تعلیمات قبل از مک
از چندین جهات نافع وسودمند مینماید •



تراژیه‌یی ازگلشته زنان واطفال‌در کشور های سرمایه داری

استثمار زنان در جوامع سرمایه‌داری

قبل از بکار انداختن ماشین ها و
بدل نمودن مواد خام به مواد پخته
زنان و دختران نخ ریشی میکردند و
در خانواده آنرا به پارچه تبدیل
ی نمود ولو اگر پارچه بافی صورت
می گرفت آنرا می فروختند و امرار
یات می کردند این خانواده های
ارچه باف اکثرآدر دهات نزدیك‌شهر
ا زندگی می کردند و باکار وفعالیت
یگیر بشکل نسبتاًخوبتر زندگی‌می‌ـ
کردند‌در نتیجه باتجهیز ماشینهاو تجربه
ر کار . کار حقیقی که مستلزم نیرو
ای جسمانی است بیش از پیش به
شین انتقال داده می شود ، بنا کار
ردان کهن سال اکنون صرف به
اقبت و نظارت تبدیل می شود و
ظایف آنها به زنان و کودکان که
ی سه برابر کمتر اجرت میگیرند
پرده می شود مگر آنها می توانند از
ده این امور بخوبی بدر شوند .
ه همان پیمانه که فعالیت دست و
شار عضله به نیروی آب و بخار
ویض میگردد به همان پیمانه
رورت استفاده از مردان کهن سال
لیل می یابد نه تنها از آن جهت که
ان و کودکان مزد کمتر دریافت
ی نمود بلکه از آن سبب که آنها
ای انجام همه کار ها به مقایسه
دهای مسن، مناسبترهستندبدین
ت آنها جای مردان را اشغا ل
نمودند .
در دستگاه های میخانیکی بافندگی
لباً زنان از ۱۵ الی ۲۰ سال و
بیشتر از آن و گاهی هم مردانی که
سن ۲۰ و ۲۱ میرسید ندبه ندرت
ین شغل باقی می ماندند ولی کار
اسی توسط زنان و اطفال انجام

چگونه ارزیابی خواهد شد ؟ به یقین
اطفال آنها بدون مراقبت ، نظارت و
سرپرستی مانند علف هرزه رشد
می نماید و یا آنها ناگزیر تحت
مراقبت و نظارت اشخاص بیگانه
قرار میگیرند که ازین ناحیه اطفا ل
خیلی ناراحتی ها را متقبل خواهد شد
و ازینکه پرستار ها «غیر از مادر »
چه رویه و طرز برخورد با اطفال
می نماید جداً قابل توجه است کاملاً
به اثبات رسیده مادرانی که در
فابریکات مصروف کار اند مرگ ومیر
اطفال دربین آن خانواده ها زیاد
بوده و حتی وفیات اطفال کوچك هر تعداد این چنین حوادث بسیار و

زنان بیشتر مروج می شود
.... علت دیگر انهدام خانواده عبارت
ازکار کودکان است، همینکه کودکان
درآمد بیش ازآنچه به والدین آنها
کفایت می نماید داشته باشند ،
ایشان خود را مکلف به پرداخت یك
مقدار پول خوراکه و مصارف به
والدین دانسته و پولی متباقی را
صرف خود می نمایند ، معمولاً این
عملیه در سالهای چهاردهم وپانزدهم
حیات طفل صورت میگیرد ... خلاصه
اطفال همه مشکلات را متقبل میگردد
و بخانه والدین مانند یك مهمانخانه
محقر می نگرند که اگر طرف پسند
شان واقع نگردد کمتر به آن جا
سر می زنند .
در بسیاری موارد کار زنان در
فابریکه خانواده را بکلی منهدم
نمی‌سازد ولی آنرا به فرق می‌نشاند.
زن برای تمام خانواده حقوق میگیرد
یعنی تمام خانواده را اعاشه می کند
ولی شوهر خانه نشسته از اطفال
مراقبت و مواظبت می کند . خانه را
جاروب می کند ، صافی می زند که

و زنان یکی هم کار آنها
ذغال و آهن است که همه
زیاد شکایت دارند در آن
صنعتی استثمار بی شرم
رحمانه حکمفرماست اغ
طوری واقع می شد که اط
ختم کار وقتی بخانه بر
فوری‌روی‌فرش سنگی‌اطاق
وبخواب میرفتند که حتی
چیزی بخورند و والدین مج
را به حالت خواب آلود
خواب ببرند . بسیاری از
سالان از فرط خستگی در
می افتادند و به خواب م
والدین مجبور بودند شب
شده و به حالت خواب آلو
از گوشه و کنار یافته و
بیاورند . فقط یکشنبه ها
اطفال معصوم در بستر می
ـری استراحت می کرد
خستگی شان اندکی کاسته
فقط یك عده محدود کودکا
و کلیسا می رفتند شکایا
پیوسته ازین وضع بالا بود
که آن عده اطفال که به م
اند همه وقت در وضع خ
وبسیار «کند ذهن »به چشم
مین همین وضع را در دختر
و زنان نیز می توان مشاهد
آنهارا باشدت‌ظالمانه‌مجبور
تا از نیرو طاقت خود بیشتر
این خستگی که گاهی به
آنها می انجامید .
... زنان از کار در معادن
رنج می بردند ساختمان حال
آنها به ندرت بشکل نورم
شد کار در معادن تاثیر س
استخوان بندی زنان واطـ
نموده‌به‌ویژه درلگن خاصره
نورمالیتی را ایجاد می کند
نظیر ولادت های مشکل که
مرگ‌زنان منجر میشودبیا
زنان و کودکان بایستی د
پست ذغال به کار می پردا
جریان کش کردن صندوق ه
زنجیر از هم می پاشید وباع
زنان و اطفال ک...



درین تصویر چند زن مالیزیایی درحال اجرای کار های شاقه (ماهی گیری) دیده می شود

آن رو به تزاید است . مثلاً زنان
اکثراً سه ، چهار روز پس از ولادت
به فابریکه مراجعت می نمایند و
طبعاً کودك نوزاد را به‌خانه میگذارند

بسیار زیاد است .... ما باید عتراف
کنیم که این چنین تحریف کلی منا ـ
سبات بین دو جنس می توانست تنها
از سببی صورت گیرد که این منا ـ

مبحثی در ارتباط با زندگی زن‌درجوامع طبقاتی

رهائی زن واحقاق حقوق وی

عــه هیچ بیعدالتی بد تر و
ـه تر از توزیع غیر عادلانه
لکیت ودرآمد نیست وتاریخ
اینستکه همــه انقــلابات و
های سیاسی و اجتماعی در
ه ای از جهان ، ثمــره این
دالتی ها بوده که بالاخــره
همبستگی صلح و برابر ی
ه تأمین می کنــد و عدالت
، را جاگزین بی عدالتی ها

زن اسیایی یا افریقایی و
یکای لاتین ، حتی بسیار ی
روپائی از آن گروه و طبقه
ه قرنها گــرفتار بیعدالتی
مار بوده انــد و در مــدت
ی سهمــی جزئی از قدر ت
الکیت در جامعه وخانواده
ند و در بافت کلی دنیا ی
لاری » بطور مستمر حقوق
نانی آنها مورد تجاوز قرار
ست .

چرا باید در عــرصه حقوق
و خانوادگــی و سیاســی ،
از مرد جــدا شود و مــرد
مخلوق بهتــر و برتــر از
قدرت و ثروت و درآمــد
خوردار باشد و این امتیاز
ز تولد تا مرگ شامل همه
گی او باشد ؟ اگر به گذ ـ
یخ نظر اندازیم می بینیــم
در قوانین و سنت هــا ی
قام و ارزش دختر از پسر
ر بوده و مراقبت وتوجه
وف به تربیت و تحصیــل
ـ تا دختــر . در قوانین و
دگی دختر وقتی عروســی
ه اش در تمام عمر اطاعت
برد باری است . ریاست
ر تمام مراحل باید بپذیرد
، او اطاعت کنــد . بهــره
درآمد منصفانــه خانواده
رداری از آسایش وثروت
ــق زن نیست واین مــرد
مازاد درآمد خود هــرطور
و می برد و به هر تفریح

زن حق سفر آزادانه ندارد از درآمد
خانواده سهم ندارد ارث جزئی میبرد
نفقــه او دایماً دستخوش هوسبازی،
مــرد است ولی هــزینه آب و نان و
رخت و لباس زن و فــرزنــد خود را
نمیدهد و از این بابت است که حتی
مرد می تواند احساس خفت وخواب
نکنــد و بسیاری از دوسیــه هــا در
محاکم فامیلی مربوط به زندگی زنا ـ
شوئی مربوط به امتناع شوهر ها از
تامین معشیت همسران آنها ست .
رویهمرفته حتی درقوانین مدرن طلاق
و رهائی نیزرن نقط حق مرخص شدن
را دارد بدون اینکــه بتواند خود را
در دارائی خانواده که دردوران خدمت
و مشارکت او بدست آمده یك پولی
سهیم بداند . حتی گاه شده است که
زنی پس از ۳۰ سال خــدمتگاری در
خانه شوهر وولادت و بزرگ کردن
شش‌فرزند وخمیده‌شدن پشت وسفید
شدن موی مجبــور است با یك بکس
لباس از خانه شوهر ظالم خود بیرون
برود.

اما در عــرصــه تــا ر یــخ
شدت ظلم و احجاب بــه زن بدتر و
بیشتر از همه این ها بوده است به
این معنی که زن هزاران هــزار سال
در بخش قدرت‌وحکو مت هیچ‌نقش
نداشته و مهر و شمشیــر حکومت و

خانواده همیشه چشم به ابراز لیاقت
مرد ها داشته و نیروی کارائی را از
آنها انتظار داشته است . با توجــه
به همین روش غلط ، مهندس‌وداکتر
انجنیر ، هنرمند و هنرشناس وامثال
آن همه و همه از بین مرد ها ســر
برمی آورند ودر این تقسیم ناعادلانه
سهم مرد تمام قــدرت و ثروت بوده
وسهم زن تمام اطاعت و زیــر دستی
بوده است .

خوشبختانه رشد افکار در نیمــه
دوم قرن بیستم سبب شد که نهضت
های احقاق حقوق زن در همه جا قد م
به عرصه وجود گــذاشت و زنان با
هوش کم کم از خود شــان و جامعــه
شان سوال کردند چرا زن مخلوق زیر
دست ومرد بالا دست باشد؟آیااین
رجحان از کجا مایه میگیرد؟

عقل سلیم و منصفی مذکر بدنیــا
آمدن را دلیل ومدرك برتری ورجحان
مرد نساخته است زیرا به قول همــه
مذاهب اعظم جهان ارزش انسان بــه
عقل و شعور و لیاقت و شرافتمندی
و تقوای اوست نه به جنسیت و یــا
زن و مرد بودن او بر اساس همیــن
منطــق جهانــی و طبیعــی در ســا ل
۱۹۷۵ سازمان ملل متحد « کنفرانس
جهانی زن » را در شهر مکزیکو بر پا
داشت و از همه دولت هــا و جمعیت
های زنان دعوت‌کردکه برای بررسی
مسئله حقوق زن گرد هم جمع شوند
و برای ایجاد نهضت رفــع تبعیض از

کــه اثری از رجحان و برتری م
نسبت بــه زن دیده شود و حقــ
زن بنفع مرد سلب شــده باشد
از میان بر دارنــد وا صــل انصاف
عدالت را بین مردم جامعه خود ـ
گــــردانند .

همه میدانیم که یك علت عمــ
عقب ماندگی زن بیسوادی و نداش
تخصص و کار است و بــرای اینک
زن بتواند بتدریج در قدرت و ثر
جامعــه سهیم شود اول بایــد مک
برود و سواد بیامــوزد و از تاریخ
جغرافیای کشور و جهان ، ریاضی
هنرها بطورکه از علم وفنون مختل
آگاهی پیدا کند و بعد در رشته
تخصص کار یــاد بگیــرد تا بتوا
قبول مسئولیت کرده و شغلی داش
باشد وتحصیل کند. متاسفانه‌حتی
سال های بعــد از آغاز نهضت آزا
زن وضع بدینقرار بوده که رشت
هــای تحصیلی مخصوص برای زن
پیش بینــی شــده و در پــلان هــ
تحصیلی رشته های زنانه و مردا
ایجاد کرده اند . مثلاً زن باســواد
تحصیلکرده فقط می توانست معلم
منشی ، سِکرتر و یا پرستار باش
و به این ترتیب باز هم قوانین رو
جنسیت تکیه میکرد و فرصت تحص
و کار آموزی در همــه رشته هــا
از زنان سلب میکــرد . مثــلاً مکانی
شدن‌زنها یامعمارشدن‌زنهادورازذه
جامعه بود و اگــر کسی میدید کــ
زنی معماری، سیم کشی ویا نل دوا
میکند فوراً ابرو بالا می انداختند
« عجب دور و زمانه شــده است »
حالیکه چه زن وچه مرد میتواند م
ودست وپارا در راه معلــم شــ
پرستار شدن به کار اندازد و یا
راه حفر چاه نفت و راندن تراکتور
بدست گرفتن چاقوی جراحی در اط
عمل ،یا حتی در راه کار دشوار تر
چه فرق میکند کــه صاحب این مغــ
و دست و پا زن است یــا مرد ، مو
بلند دارد و یا موی کوتاه ؟ آنچــ
مهم است توانائی و لیاقت انجام ک
است نه جنسیت ، زن و مــرد بود
بر اساس همیــن منطق و استــدلا







در علو م اجتما عی ، هر گو نه
انتقا ل پیا م بین یك فرستند ه‌از
یك‌طر ف و یك گیر نده از طـر ف
دیگر ، ارتباط محسو ب می شود .
چه فرستند ه انسا ن باشد و یایك
دستگا ه میکا نیکی و قتی که سخن
از رادیو و تلویز یو ن در میان‌باشد
منظور فرستند ه های دسته جمعی

که درین رو ند بیشس تر تاث
یك نافذ تر و کار ی تر
فضاو ت را می گذ اریم بـ
خوانندگا ن عزیز خود . در
ارتبا ط ، کم و زیادو جود
سخن از یـن ا ست کـه و
ارتبا ط جمعی ، منجمله س
تلویز یو ن . خود بر یکدیگ
های به جا می نهند که مطا
بسیار در خو ر تو جه واه
است . بدین منظور باید نخ
شنا ختی از امکانا ت شر
رسانی و خصو صیا ت ای
وسیله داشته با شیم .

تلویز یو ن صو ت و
زادر خانه ها پخشس مـی ت
به ندر ت امکا ن دارد که ا
وسیله در مکا ن های عمو
استفا د ه بعمل آید در حا
سبنما معمو لا پیا م خودرا
تواند دریك سالن عمو می و
مخـا طبـا نـی نا معین پ
نماید .

تلویز یو ن یك و سیله

سینما را از چند روز تا نکرار ،پخش می توا ن در مجمو ع به‌آسا نی می تلویز یو ن صفت تحمیل اطلاق کرد .

که سینما به علت‌ارتباط که با مخاطبا ن خود دارد نیاز ی که به مخا طــب ی نما ید وسیله‌ای صرفا ند ه نیست . سینمـــا ست که حتما بایدفرو خته جودش بتواند ادا مه پیدا

ذ به ای و جود داشتـــه خاطب از خانه خود خارج لا خر ه به سالن سینما در ا ن بنشیند و سر انجا م شا نماید . ا یـن ا جبار جاذ به ، سینما را د ر رتبا ط بیشتر ی با مردم هد . در حالی کـــــه ن اگر نه مطلقا ، تاحدود د ی‌ازین نیا زآزاد است. امروز در را ه بازگشت طمئن است و در خا نه‌اش جا دو یی و جود داردکه ار داد ن دکمه اش‌تصویر مرا ه با صدا روی پرده می شود و مایه تماشا ـ لا خر ه اسبا ب‌خوشنودی هم می آورد و این‌جاذ به تماشا در خانه ، بـــه و بافرا غت و هم‌بدون داد ن و قت وبالا خر ه اشد کا فی است . امـا یك فلم گفته می توانیم‌که لا ش های بیشتر ی‌ازین ند .

لاف اساسی سینمـــــاو ، محتوا ی بر نا مه هایی تلویز یو ن وسیله ا ی موزش می دهد، سرگر م و در آخرین تحلیل و در

مجمو ع میتوا ن گفت که آگاه می سازد ، در هر تلویز یو ن چه دولتی وچا خصو صی این سه خصلت عمده دیده می شود . نها یـــت اینکه میزا ن و حجم آنها بر حسب انتساب تلو یـز یـون به‌منشاء ملی یا حصو صی و فرد ی آن‌وسروکار داشتن آ ن با جوامع مختلـــــف، متغییر است .

در هر تلویز یو ن بر نا مه های آموزشی و فرهنگی ،بر نا مه ها ی هنر ی و راپور تاژ هاو برنا مه‌های تفریحی و جود دارد که در هر کدام ازین سه عنوا ن ، تنو ع بسیا ر بوجود می آید و مخاطب به میـــل خود دریك شب از هم و یابعضی از آنها می تواند استفا ده کند.درحالی که سینما ازین نظر محدو دیت‌های بسیار دارد . و در زمینه و قلمرو دیگر ی کار می نماید که آنهـــم بر حسب معیار های گو ناگو ن ، دایما در تحو ل است ، منتها غالبا جنبهٔ تماشا و تفنن آ ن‌چر بی می نماید .

بطور کلی سینما بر اسا ســـ تخیل قرار دارد و جز در مور دفلم های مستند چیز ی گفته نمی‌توانیم در غیرآنچه که از سینما بیرو ن می آید همه زایید ه تخیــل فلــم نا مه نویس یعنی نو یسنـــــد ه سناریو فلم و کار گردا ن مـــــی باشد .

اساس سینما را تخیل تشکیل داد ه « سینما زیبا ر تخیل است

های که گو ینـد ه بطور مستقیم‌آن را اجرا می نماید، کـنسرت هـاو هم بر نا مه های مو سیقی، مصا ـبه ها واز همه‌مهمتر پخش مستقیم... بنابر این پیا م تلویز یو نی اساسا پیا می است که بر واقعه قرار دارد درست به عکس سینما که همواره زایید ه تخیل فلمسا ز است . هر چند بسیار واقع گرا یانه باشد .

از نظر مخا طب سینما و هـــم تلویز یو ن تفاو ت های دارند .

«اصو لا مفهو م مخا طب،گرو ه مشخص و دقیقی را مـعیـن نـمی سازد . بلکه در جه ای از اختـلاط ذوب «ما» را می نمایاند . ایـــــن مفهو م در جا معه شنا ســـــی ژوژ گو ر ویچ کـه به خـصوص مفا هیم اساسی جا معه شنا سی‌را توضیح داد ه و«ما» ها را مانند کاینتی غیر قابل تجز یه از جـمـع اعضا ی تشکیل دهندهٔ آنو شرکتی متقابل از یگانگی به چند گانگی و چند گانگی به یگانگی تعـریـف کرد ه . به‌و ضو ح مورد اشاره‌قرار گرفته است .

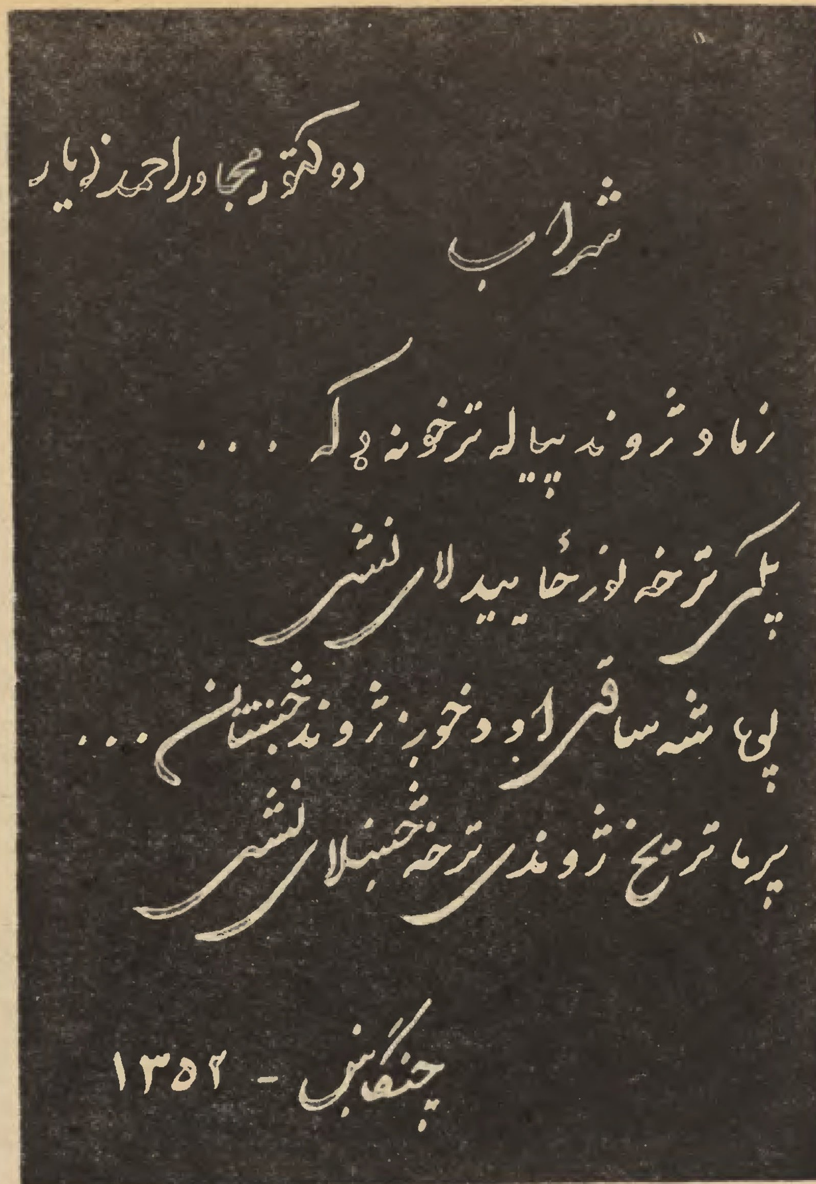
درمخاطب حداقل‌درجه‌عمق مشارکت در«ما» دیده می شود. نتیجه آنکـه فرد در عین حا ل که به هرعنوا ن عنصری است از یك جمع، تنـهـا اندکی در جمع مستحیل مـی‌شودو ویژ گی ها ی‌خود را حفظ مــــی کند . »

رفتار تلویز یو ن و به خصوص حالت یك جانبه آ ن بتدریج د ر مخاطب تلویز یو ن که به قـــو ل ساشا گیتر ی از معما را ن، هنر ـ مندا ن ، دانشمندا ن، کارگرا ن تشکیل شد ، یك«ما» ذو ب شده می سازند . بدیهی است که‌مخاطبان تلویز یو ن بسته به در جه‌فرهنگی سن وسال وضعیت اقتصادی‌وسایر ممیزه های فرد، مقاومتی در برابر

این مستحیل شدن در «ما» نش می دهند اما تردید ی و جود ند که این‌مقاو مت بسیار مو ثر باش زیرا شرایط تماشا ی‌تلویزیو ن‌خ به حل شد ن تماشا گرا ن بر دیگر کمك می کند .

با اظهار این مطلب که‌تلویزی در آسود ه ترین و انفعا لی ترین شرایط دیده می شود ، نه تنهـ محتاج تلاشی جـز فـشردن یــ دکمه نیست بلکه پر کرد ن‌اوق خالی فرا غت آسانتر از هر چیز تلویر یو ن مقدو ر است .به قو وکتر گلین : « تلویز یو ن انسا بـالـغ رابه مرحله «دهانی» مـ کشاند و هرچه به اومی د هدب اراد ه و حریصانه جذب می‌نما وبه قول ژرژ فریـد هان‌تلویز ابزار ی است که « به انســـا موقع مـــی د هـد ، واو راغایـ تر می سازد . اما در مخا طـــ سینما در جه ذو ب کمتر اســـ

زیرا این مخاطب در مورد سی مجبور به تلا ش وانتخا ب است انگیز ه ها ی متنو ع و متعد دسی ازیك سو وتلا ش جسما نی‌وصر وقت بیشتر ی که مستلز م آن‌اس از سو ی دیگر ، در مورد هر یا هرنو ع فلم مخا طب جدا گا ایجاد می نماید . هر چند سینما در تماشا گر خود زمینه انفعا لـ ایجاد می کند اما چو ن تماشا فلم نو ع بسیار مشکلتر ی‌ازتماش تلویزیون بر ا ی گذران اوقـــ فراغت است . در نتیجه مخا ط سینما به مقدار بیشتر ی هو



از گهوارهٔ سینا

تاپگاهی ستاره می جنبید   طفل در گا هوا ره می
پیش چشمان بچه بی خواب   آ سما ن دو پاره می

* * *

می گذشتند ظلمت شب ها   در نظر با ز ی های کو
صبح را می د مید با سختی   ثلثه‌م ا درا ن و « یا

* * *

با نگاه بلند ا ختر زاد   با بدو نیکها ی م
به زمین چو ن فر شته خا کی   از کنار ستاره یا ی نه

* * *

ما در از پس د عا ی او می‌خواند   آشنه در قفا ی او می
شا خ شمشاد بر گ می‌لرزاند   مر د م دهه د ست م

* * *

در بخا را که درد ارزا ن بو د   در د انسا ن عطای یز د
صد شفا در کتا ب درگنجور   بسته چون گنجها ی س

* * *

آمد و درك د زندا ن راه   کر د در بر کتا ب
د ر د ل مهر پرور تاجیك   جا ی بنمو د هندو ی

* * *

شمع و سینا به راه مطلب ها   یار بودند شب همه شب
سوخت از وصل شمع پروانه   سو خت او در وصال ک

* * *

ذره ـ ذره فزود و شست آمد   آ سما ن بلند پست آ
زینه ـ زینه رسید روی منار   اختر طا لعش به دست

* * *

دید ، افسانه ایست نحس ز حل   دید، بیچاره گیست نقش
یك زمانی خدا ی خود گر دید   دید، دردست اوست‌دس

* * *

زهر ها خورد ، تا شود درمان   رنج ها برد ، تا شود آ
مشکلا ت هزا ره انسا ن   مشکل بی کنا ره ان

مؤمن قناعت

حدیث عشرت انگیز

ز لیخا وار دیشب قصه نی‌خانه‌میگفتم
به پاس خاطر یوسف و شی افسانه میگفتم
بیاد گر دش چشم خمار آ لود اوامشب
حدیث عشر ت انگیز ی می ومیخانه میگفتم
نمیگر دید دوز این چرا غان جهان دیگر
اگر وصف گل روی تو با پروانه‌میگفتم
اگر وصف گل روی تو با پروانه‌میگفتم
بزلف یار شاید قصه میکرد ازربان من
پر یشا ن حا لی خود را اگر باشانه میگفتم
نر نجد خا طر ت ای آشنا کزبیم‌رسوا یی

وطن

تا جکستا ن سر هر سنگ توبرمن وطن است
بر هر بو ته خار تو برایم‌چمن است
ذ ره ا ی نیکم اگر ، درس تواز بر کردم
ذره ای خو بم اگر ، حسن تومیراث من است .

در ترغیب علم

علم تن بمیراند
باز دل بگیر اند
د لیل نعمت و ناز
را که علم شد د مساز
اهل علم و هنر
ن چرخ و نکته شان اختر

گوش سوی همه سخنها دار
آنچه زو به درون جان بنگار
آنچه دانسته ای بکار در آر
پس دگر علم جوی از پی کار

حکیم سنائی

ناآشنامینه

کوم گلزار تحفه وه چی داکومالیار روز لی
ومره ښکلی ښایسته وه هم پـه‌زړه باندی منلی
بی نوم سره آشنا وم نه یی ودرا سره پتـه
کوم گلشن غنچه وه کوم با غبان‌وه جوړه کړی
می کړی کومه خبره نه له چاسره و ینـه
ښکلی پلوشه وه ما په ستر گوچی لید لی
یه لار ورسره تللی نه دیو مجلس‌کوم نا سته
دیو کلی همرا زه نه دیو ټولگی‌او ستلی
وه چمن ته تللی نه دگلو کوم‌یو باغ تـه
دجگو غرو سروته نه دیو سفرملگری
امه د محبت وه داحساس چیوه‌لمبـه وه
می‌تیره شوه تر خنگه وه داښکلی‌ساه نیولی
کوم گلشن بلبله داد کوم گلزاربـور اوه
کلو کومه ځانگه د ښایست له‌باغ وتلی
کوم صحرا هوسی وه داد کوم یدیا غر خه وه
شنه آسمان سپږمی وه لـه جگ غرونه‌خلید لی
په خوب کی ما لیدلی دهغی‌نازکی‌شونـدی
ی مینی له ورایه دزړه کورتـه‌را بللـی
ساس .وه خبه وه دادی مینی په‌دنیا کی

رباعیات

آبادی ملك عالم از رنجبر است ،
آن علم که عا لمان به آن فخر کنند
آ سایش نوع آدم از رنجبر است .
برمردم د یگر ، آ نهم از رنجبر است .

* * *

بی زحمت و رنج نان نمی باید خورد
نانی که بود حاصل رنج دگران ،
یك لقمه برایگان نمی باید خورد ،
گرجان برود ، ازآن نمی باید خورد .

• • •

باید همه جا قرین شود زن بامرد ،
آنسان که به هرکسی بگوئی: بیکار
بیکار درین جهان نماند یك فرد
دعوای شرف کند ، بگرید از درد

• • •

خواهی که شود ز مانه خرم از تو ،
اما پی ا ثبات حق ار لازم شد ،
مگذار رسد به هیچ دل غم از تو .
بگذار برنجد دل عالم از تو .

• • •

من در تن شعر همچو جان‌خواهم ماند ،
پیر است کسي که فکر او پیر بود .
در مسلك عشق جاودان‌خوا هم ماند .
من فکر جوانم و جوان خواهم ماند.

• • •

ای خصم ، تو را مجال کین توزی‌نیست،
با مازدر صلح و صفا بیرون آی
بر کشور ما امید پیروزی نیست
کامروز جهان جهان دیروزی نیست

ابو القاسم لاهوتی

ساز تغافل

ای نـور دیده دور مشوازنظر مرا
وزغم مساز این همه خو نین‌جـگر مـرا
بر هم مزن بساز تغافل حواس‌مـن
بر جان میفگن از تب فر قت‌شرر مـرا
روزم سیه بسر شده‌بیمهـررویتـو
یکسان بود بدور تو شام وسحر مرا
از تو ز بان غیر نگـه دارم‌از شکیب

رحمان بابا

قتیل خوږ یانی

دمان بابا له کلام او دیوان سره‌په عمومی
زیاتره خلك او په خاص ډول عامه ړله
مینه اوعلاقه‌لری. چی دجوماتونو، دیرو
جرو داسی تا خچی او مناګانی به ډیری
پیدا سی چی درحمان بابا دیوان بکی
پروت او حتی دهغه عقیدت اوارادت له
چی دوی یی رحمان بابا او دده ساده‌او
بهمه کلام ته لری په بیلو بیلو مواردوکی
وربانڈی اچوی اودغی مقولی ته «الشعرا
حمن» په ډیر درانده نظر ګوری او

به هم درحمان بابا دیوان اویا په خپله د
رحمان بابا دژوند انه په حالا تو غږیدل وی.
خوپه‌دی لیکنه کی زمامطلب نه درحمان بابا
مشهور دیوان دی او نه په خپله رحمان بابادی
بلکه د«رحمان بابا» نه زما مطلب هغه کوچنی
کتاب اویا کوچنی نسخه ده چی په دغه نامه
خپور شویدی .

دکتاب دپشتی‌په‌لومړی مخ کی درحمان‌بابا
فور تریت چاپ شوی او تر لاندی ددوو نورو
خطونو په منځ کی رحمابابا ایکل شویدی .

ټول کتاب په (۷۲) مخونو کی چاپ شوی
اود وروستی مخ په پای کی یی لیکل شویدی
(شاهین برقی پریس پیښور) ددوهمی‌پښتی
په‌څلورم‌مخ کی یی (محکمهٔ نشرواشاعت قبایل)

په لیکلو کی‌یی په ځان کړاو منلی دی څکه
چی دکتاب په یوه برخه کی یی دم دخپل نوم
یادونه نه‌ده کړی .

دکتاب له فهرست څخه داپه ډاګه کیږی
چی ددغه ټول کتاب محتوی دیرش عنوانونه‌دی
او لیکونکی د«رحمان بابا » په‌نامه ددغی کوچنی
نسخی دلیکوله پاره درحمان بابا بیل بیل
دیوانونه چاپ کړی دی . ځکه چی دکتاب
لیکونکی په دغه برخه کی درحمان بابا په باره
کی د نورو لیکونکو دستونزونه یا دولو څخه
وروسته په دی اعتراف کوی او لیکی چی:

«درحمان بابا دحالاتو (دتاریخ کتابونو ،
دحوالی کتابونو او دنورو داسی شواهد واو
نورو دنیشتیا) له امله به زه هم ددغه شوی
کارنه څه ډیر وړاندی لاړنه شم بلکه زه‌خو به
دا ووایم چی په دی شوی کارکی به هـــم
په ځنیو ځایونو او ځینو خبرو ته‌به دتپوس
نخښه (؟) ولګوم .»

په هر حال تر کومو عنوانو لاندی چی ددغه
کتاب محتوی بشپړه شویده هغه دادی :

«شاعر او دشاعر ژوند،درحمان بابا دحالاتو
په حقله کوششو نه ، پیدا یش اووفات .علم
غیر مستند حالات ، کلی کورنی .ددیوان‌ترتیب
اوچاپ کیدل، درحمان بابا کلام، درحمان بابا
صوفیانه کلام ، دکلام سادګی . درحمان بابا
غزل که رباعی ، رحمان بابا او خواجه حافظ
رحمان بابااو پښتنی‌اقدار،درحمان بابا صوفیانه
ارشادات ، عشق، زهدو عبادت ، تو کل او
قناعت ، خاکساری او فروتنی . درحمان بابا
تعلیمات.علم او عمل ، په غم کی زغم ، طمع،
ښیګڼه او نیکی، ښی لاس سخی توب، خوش
اخلاقی ، عیب جویی ، دمجلس تاثیر، نیك
اولاد ،نسب‌نه‌بلکه عمل،سړیتوب .درحمان‌بابا
مقام په شاعر انو کی .»

دکتاب لیکونکی د«شاعر او دشاعر ژوند»
په باره لیکی چی:

«دیو شاعر او ادیب په هکله دڅه لیکلو
دپاره چی هر کله قلم په لاس کی واخستی
شی نودلیکونکی په نظرکی عموما دوه مهمی
او اهمی خبری وی . یو خودا چی دشاعر د
ژوند حالات ولیکلی شی او دویمه داچی دهغه
په کلام او دهغه په ادب یوه خوا یخو نکی
تبصره وکړای شی . په دی دوو خبرو کـــی

شوی وای نوداچمن به نور هم ډیر
زړه را ښکونکی وو او ددی‌نه‌به زیا
تاند او ښیرازه وو دګلونو درنګونو
او ددوی دخو شبو یوو ګډون به دد
اثر ناك وای او داسی نور نور .

خود لیك دغه‌اولنی برخه‌کی‌کله‌کل
په‌دوو کی حیران شی چی که‌نه لیـ
نه کیږی ،څه نه‌خه خو ضرور لیکل
اوکه لیکم نو څه ولیکم اودغه ګرا
دشعارانو، ادیبانودحالاتوپه لیکلوکی
دانګریزی ژبی لوی شاعرچی په درس
یی دلیکو نودر زدی اووی به یعنی
هغه یو څو داسی شاهکار ډرامی ای
دهغه په خپل وخت کی به‌یی دومره
وی که نه خودهغه نه پس خودو ،ر
شوی چی‌دی ډرامونه علاوه‌کوم کتابو
ډراموپه هکله‌ایکلی شویدی لکه و
ترجمی تشریحات ، په دی ډرامو باند
تنقیدونه او نور نور . که دټولی د
کتابو نو یویو جلد را غونډ کړی
عظیمه کتاب خانه به‌تری جوړه شی
هرڅه‌سره دشکسپیر خپل ژوندماض
روکی ورك دی ، ډیری خواری،ډیری
وکړای شوی . ډیر لټون ، ډیر تلا
شو . ډیر تحقیقات او ډیری څیړنی
شوی خو تراوسه‌پوری‌دشکسپیر دژ
قدری حالات هـــم را پیدانه کـــ
چی د شکسپیر لوستونکو ته دومره
دا دومره عظیم ډرامه‌نګار او دومره
وو څوك ؟

دالاپریږدی ، ځینو لویو محققینو
غږ را پورته کړی او یوه نوی تپه
چی شکسپیرنومی هڅو څوك‌سړی پ
کی نه وو . دا خو لارنه بیکن وو
ډرامی یی دشکسپیر په فرضی نوم
راشی که یی ګوری . ددی نوی ن
اوریدلو دیوروپ محققینوددی نظریی
بوخت شول . خودا مسئله یی‌په دی
هم څه یقین سره حل نه کړای



استفاده از انرژی پلازما سدراه ما بــود و
بان چیره شده‌ایم ذخیره ونگهداری پلازما
است کــه نمی توانستیم مــواد عــادی را
جهت نگهداری پلازما بکار بریم بنا جهــت
محافظت پلازما به منظور تحقیقات بیشتر لوله
های را که توسط تولید ساحه ئی مقناطیسی
با طراف آن ها مقناطیسی میشوند ساخته‌ایم،
که ساختمان این محفظه ها از فلزات نجیبه و
شیشه ئی کوارتس بوده ساحه ئی مقناطیسی
که در اطراف این محفظه ها بوقـوع می پیوندد
مانع تماس گاز داغ پلازما به جدار لـولـه
گردیده ولوله های حاوی پلازما را از تخریش

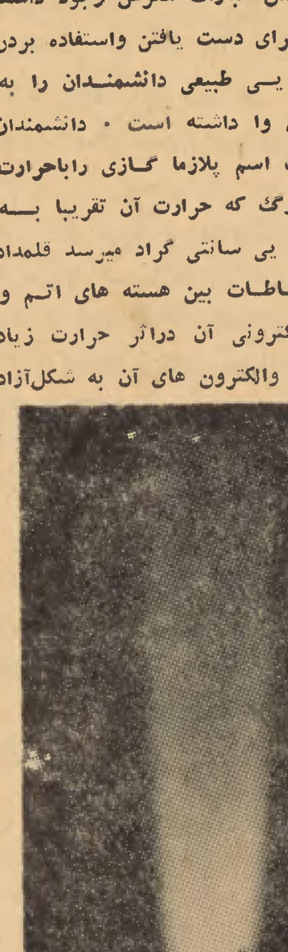
وسوراخ شدن محفوظ میدارد • پرو …
(ارنولف شلوتر) ابراز نظر نموده است …
راه حل اقتصادی تر استفاده ئی انرژی …
مورد ریکتور های اتمی که ضرورت …
هارا تا اندازه یی مرفوع میسازد استحـ…
ا ین انرژی از هایدروجن سنگیـن (دیتـ…
است (دیتیریم) از زمرهٔ یی عمده ترین …
سوزنده وجز آب معمولی است .که در …
بوفور پیدا میشود وبسیار ساده بدست …
انرژی که از یك تن (دیتیریم) استحـ…
میشود مطابقت به تقریبا سه ملیون تن …
ئی دارد که از ذغال سنگ بدست می‌آید

…کتر «نظری»

پلازما

… موجودیت عناصر را به سه
… ، مایع وگاز تشریح نموده و
…حت این سه حالت به شاگردان
…ختند ، اما اکنـــون امکـانـات
…ر چارم‌که پلازماوانمود شده و
…کل غبارات مخرش وجود داشته
…رای دست یافتن واستفاده بردن
…یی طبیعی دانشمندان را به
… وا داشته است • دانشمندان
… اسم پلازما گــازی راباحرارت
…رگ که حرارت آن تقریبا بـــه
… یی سانتی گراد میرسد قلمداد
…ـاطـات بین هسته های اتـم و
…کترونی آن دراثر حرارت زیاد
… والکترون های آن به شکل‌آزاد

والتهاب عجیبــی در میــان هسته هــا ی
عریان یك دیگر می‌لولند • برای نخستین بار
فزیك دانان این گازفوق‌العاده داغ را بواسطه
ئی دستگاهای بسیار مغلق وپیچیده یی الکترو
تخنیکی بو جود آورده و پلازما را چنین تعریف
نموده اند : تمام‌غبارات‌گازمیکی وتقریبـا همـه
ئی جرم خورشید از (پلازمای ها یدروجنی)
متشکل اند • حرارت عمق داخلی خورشید به
دوازده ملیون درجه بالـغ گردیده ودرین جا۔
هسته های هایدروجن‌به‌غلیان آمده وبه‌هیلیوم
تبدیل میشوند. درنتیجه‌یی این فعل وانفعالات
انرژی وسیعی که باسم پلازما ازان نام بردیم
درین عملیه آزاد میگردد . مقدار تشعشا ت
انرژی پلازما که‌ازخورشید دریك دقیقه انتشار
می‌یابد به چهل (چیو پس هرم) مطابقت‌داشته
یك مقدارآن‌ضایع شده وازسه ملیون یك‌حصه۔
آن بزمین میرسد . و در هر یــك از قسمت
سطح فوقانی خورشید به بزرگی یك تکت
پستی قوه‌یی دورانی پنجاه اسپ پاور نهفته
است • پرو فیسور (ارنولف شلوتر) مدیر
انستیتوت فزیك پلازمای (گار خینگ مونیخ)
در مورد مشکلات ریکتور های خورشیدی چنین
ابراز نموده است که غلیان هسته ئی آفتاب
وتشعشع انرژی پلازما ازآن به‌صورت تدریجی
مدت زمان مزیدی را در بر میگیرد بناساختمان
ریکتور خورشیدی بیست سال رادر برخواهد
گرفت و ما اکنون نصف ازین مدت را پشت
سر گذاشته ایم • انستیتوت فزیك پلازمای …



نشر مکالمات

آله ئی انتشار مکالمات که یك سال قبل
درایالات متحده ئی امریکا بکار برده شده‌بود،
در جمهوریت اتحادی آلمان نیز تحت استفاده
قرار گرفت ، که بدین وسیله میتوان او امر





وفرمایشات دوائر و اشخاص رادر فریکانس
های معین بدون آنکه قبل از رسیدن به هدف
به رکود مواجه شود ، از یك مرجع به مرجع
دیگر اخذ وارسال نمود • مخصوصاجوانان
محصلین ومتعلمین وقتیکه بخـواهند صورت
حل ونتیجه ئی وظایف خانگی مسایل جبری
وسیانس را باهم در میان بگذارند ، یاباهم
ساعتی قرار ملاقات بگذارند ، از داخل موتر
…

حق العضویت در آخر هـر برج ، عضو …
دایمی در اداره ئی مرکزی را کمانی خو …
گرد • و نوعی کوچکی از رادیو های د …
از طرف این مرکز بهر یك اعضا داده م …

بدون آموزش وسپردن مجموعه ئی از واژ …
کلمات اختصاری در حافظه از تماس بـ …
مقابل نتیجه ئی مطلوب بدست نخواهد آ …
گاهی هم تصادفاً صدا های آماتور از مر …
دیگر توسط یکی از استیشن ها اخذ میشو …
امابه فاصله یی دورتر ازده کیلومتراین …
آواز منکسر شده و قابل فهم نمی باشد …
مثلا گاهی یك‌عضو (هوبی) (اسم است …

وم اپریل

به هیچ صورت قادر به پرداخت آن
بودم • من‌دیگر نمیدانستم که چه‌اقدامی
در فکر چاره جوئی بودم که یـــک
د زن جوانی نزدم آمدو سوال کرد که
مه‌ای را که میخواستم استخدام کرده‌ام
ی آن هنوز خالی است ؟ او گفت که
شام اخبار را خوانده است وبه این
نتوانسته است تاوقت ترنزدم رجوع
• هنگامیکه دانست من تا کنون کسی‌را
ام نکرده‌ام موضوع معاش را یاد کردو
الت زده مبلغی را که می‌توانستم ماهانه
به او گفتم • همینکه او بدون چون
رضایت خودرا در مقابل معاش معینهٔ
بار کرد • نزدیك بوداوراز خ وشحالی
ش بکشم •

او «واتر اود» بود وبزودی دانستم که
ن خدمه ای است که‌من‌در آرزو یش‌بودم
د ترین فرصت مناسبات خوبی بین‌خود
مستحکم نمود • اطفالم بسیار زود
س گرفته وباهم‌دوست شدند • کار های
نظم ومرتب پیش میرفت •
تر اود» آنها را با خود هر طرف هوا-
می‌برد وبار گرانی را از دوشم برداشته
من می توانستم آزادانه وبدون پریشانی
ف منزل‌واطفالم‌به‌وظیفه محولهٔ خودادامه
• در روز اول رفتن «باربارا» به مکتب
ی از خوشحالی میگریست •

سال ازاین موضوع گذشت‌و تمام پروبلم
مدن «والتر اود»بخانه ما حل گردید •
حتی تخیل هم نمیکردم که بدون وجود
نه میتوانستم زندگی خود را پیش ببرم
من خانه‌را ترك میکردم ،اوتمام کارهای
و بزرگ منزل‌راازقبیل پرستاری اطفال
وترتیب وتنظیم منزل ، آشپزی که یکی

خیلی متعجب شدم • یکی از همسایگان ماکه
نزدیك پنجره خود ایستاده بود ، همینکه مرا
دید • نزد خود خواست •هنگامیکه به منزلش
رفتم دو طفلم در حالیکه می‌گریستند ،خودرا
در آغوشم افکندند و هر دو کوشش میکردند
بمن چیزی را که نمیتوانستم درك کنم قصه
کنندومن باز هم نمی فهمیدم‌که‌چه اتفاق افتاده
است • بالاخره همسایه‌من همینکه اطفال‌اندکی
آرام شدند برایم توضیح داد که در مکتب
آنها حریقی بو قوع پیوسته‌است • از آنجای
که مکتب از خانه‌ماآنقدردور نیست ،«والتراود»
فورا از موضوع باخبر شده وباتمام قدرت‌که
پاهایش در او سراغ داشتند ، بطرف مکتب
دویده است • هنگامیکه‌به‌آنجا رسیده مشاهده
کرده است که تمام مدرسه طعمهٔ حریق شده
وشعلهٔ های آتش از هر طرف زبانه می‌کشند•
«دوروتیا»همینکه اورا دیده است فورا خودرا
به او رسانیده ، در حالیکه از هیجان ووحشت
نتوانسته است حتی یك کلمه حرف هـــم
بزند • «والتر اود» اورا نوازش کرده واندکی
آرام ساخته وبعدسوال‌کرده‌است که «باربارا»
کجا است ؟چون‌جوابی نشنیده است ،هر دو
با هم یکجا در میان جمعیت مردم به جستجوی
طفلك بر آمده اند • اماورانیا فته اند • چند
دقیقه بعد «والتراود» بکلی مطمئن شده است
که «بار بارا»باید در میان عمارت شعله ور
باشد • این لحظه ای بود که معلوم می‌شد
«والتر اود» عقل خودرا از دست داده است
آنوقت بدون اندکی تردید به طرف عمارت
که از چهار طرف آن شلعه های آتش بـــه
هوا پراگنده می شدند ، دویده‌است • دو نفر
از موظفین اطفائیه کوشش کردند تا مانع رفتن
اودر میان شعله هاو دود شوند و گفتنـــد
که نزدیك شدن به عمارت شعله ور معنی
خودکشی را دارد • اما «والتراود» با آنها به
مجادلـــه پر داخته و برای یك ثانیه خودرا
از چنگ آنهار ها نیده‌وقبل از آنکه کسی
بتواند سد راهٔ او شود درمیان عمارت شعله
ور ناپدید گردیده است • یك مامور اطفائیه
میخواست اورا تعقیب کند • اما مجبور گردید
تااز عزم خود منصرف گردد، زیرا مطمئن بود
که ازبین دروازه دیگـر هیـچ کسـی زنـده
دو باره بر نمیگردد •

مردم در حال هیجان نفس هارا در سینه
حبس کرده بودند وانتظار می‌کشیدند • دراین

دست قوی ونامرئی محکم گرفته شده بودند•
آنوقت دفعتاجسم‌کوچك بطرف‌پائین سرنگون
گردید ومطمئن در میان چتر نجات هموار شده
افتاد • اما این طفل «بار بارا» نبود ،بلکه یك
طفل دیگر بود که در میان آن همه هیجان و
شتاب عمومی تاکنون کسی از غیبت او اطلاعی
نداشت •درهمین لحظه جسم یك طفل دیگر
درمیان پنجره کوچـــك ظاهر گردید• این
مرتبه «بار بارا» بود • این دو دختر کوچك
به امید اینکه ازشعله‌های سوزان آتش رهائی
یابند به تشناب مدرسه فرار کرده ودرب آنرا
عقب خوداز داخل محکم بسته بودند •

اما آنوقت اطاق های پهلوئی تشناب‌نیز
آتش گرفته ودر صورت تاخیر در چند دقیقه
دیگر نجات آنها امکان پذیر نمی بود • ولی
خوشبختانه آنها صدای «والتراود» را که با
آواز بلند نام «باربارا» را صدا میکرد ودرمیان
دودو آتش پیش میرفت • شنیدند • در این
میان دود غلیظ «والتراود» رادر حال خفه کردن
قرار داده بود • اطفال بمجرد شنیدن صدای‌او
دروازه را کشوده و «والتراود» را داخـــل
گذاشته بودند• او فوراً دو طفل‌راازمیان‌پنجره
که بلند از قد اطفال‌قرارداشت بیرون کشیده
وبه این صورت آنها را نجات داد • اما برای
خود «والتراود» پنجره باریك خیلی کوچـك
بود• مامورین اطفائیه با هیجان وحشت آوری
عمارت رانگاه میکردند ••• دفعتاً ••• آری
دفعتاً «والتراود»در حالیکه دودغلیظی اطراف
اورا احاطه کرده بود ، در بالای برندهٔ کم‌بر
طاق پهلوئی پدیدار گردید • اواز میان شعه
های سوزان آتش دویده وبدون ملاحظه و
معطلی خودرا به پائین برتاب نموده بود•

اما مامورین اطفائیه آمادگی داشتند واورا
در حالیکه با لباس های شعله ور به پائین
پریـد درمیان چتر هموار شده خـود بصورت
مطمئنانه گرفتند او فوراً به شفاخانه انتقال
داده شد •

اینکه اکنون حالش چگونه بود ، همسایه
من در بارهٔ آن اطلاع نداشت ، آنوقت ازمـن
سوال کرد که آیا میتواند برای من خدمتی
انجام بدهد ؟ من به عجله گفتم :
ـخواهش میکنم تا اطفال مرا مراقبت‌نمائید
•••در صورت امکان‌میخواهم تاشب‌را نیز نزد

ـدوکتور ، شما باید او را نجات
هر قدر هم مصرف داشته باشد مهم
من میخواهم تمام مصارف را بپرداز
شما باید اورا نجات بدهید •
من حس میکردم که‌چگونه‌اشك هااز
سرازیر می‌شدند وکوشش میکردم
آرام جلوه دهم • دو کتور گفت :
ـ راجع به مصارف آن صحبت نمی
بعد از این همه فداکاری های قهرما
او نموده است ،من هم‌آماده‌ام تا تما
را بدوش خود بگیرم• اما •••
اودر حالیکه بمن نگاه میکرد گفت
ـشما یکی از متعلقین او می‌باشی
من سرم را تکان داده گفتم :
ـاو امروز دختر مرا از مرگ نجا
داده است •

دوکتور مدتی بمن نگریسته آنوق
ـیقین داشته باشید ، ما هر چ
دست ما ساخته است ، برای نجات
میدهیم ••• اما انتظارزیاد نداشته
وآماده نتیجهٔ بسیار خوب نباشید
من الحاح نمودم :
ـ دوکتور ، من باید اورا به بی
امااو سر خودرا تکان داده گفت :
ـاین غیر ممکن است ••• اکنون
گفتم :
ـخوب ••• دراین صورت انتظار
تمام‌شب را نشستم وانتظار کشید
دوکتوران و نرس ها می آمدند وم
بمن اجازه ندادند تا داخل اطاق او
هنگامیکه صبح فرا رسید بمنزل بر
خبر اطفال خودرا بگیرم • من آنها
همسایه بمنزل آوردم وبرای شان
ترتیب دادم •

چند ساعت بعد زنگ تیلفون بصدا
شفاخانه بود • آنها گفتند که حال
خوب نیست و آخرین دقایق زندگی
می‌کند • من باید به شفاخانه بیای
او میخواهد حتما مرابه بیند •

چند دقیقه بعدتر خودرا به شفاخانه
آنها مرابه اطاق او رهنمائی کردندو
گذاشتند .من چند ثانیه متردد بودم
مطمئن شدم ، زنی که در مقابل من

یادنامه‌یی از ساحل

...صر گل رویان و وقت شعله‌خویان آمده

ای براد رنوبت‌مر غو له مو یا ن آمـــد ه !

...ر را از بسکه وضع فکـــــر نادا ن برور یست

مرد م دا نا به‌پیش سفله نا دان آمـده

...را عزت نماند ه عالما ن راحر متی

وقت طنبورور با ب هرز ه گو یا ن ! آمد ه

...خیا نت پیشه ننگ است ازصدا قت دم زد ن

اجتهاد نا قصان‌تشویش اذهان آمـده

...ئیمان‌بر نیا ید لطف‌واحسان‌وکرم

بخشش و جود سخا خوی کر یمان آمده

...از ین هر گز نگو یم از خطو کاکل سخن

وقت کار ومحنت و تشو یق دهقا ن آمد ه

...مگا ن روشن است که وقتی‌خیا نت پیشه دم از خد متگار ی و ...ت بز ند ، ما یه رسوا یی‌اوست و مانند آنست که شخصی ...دم از اجتهاد بز ند ، مسلم‌است که اجتهاد شخص جا هل و ...سبب تشو یشس اذ ها ن می‌شو د سا حـل چهر ه حـقیقـی ...ـــی فر ا د ستـا ن و استثمار گرا ن را که از حا صل ...نج زحمتکشا ن تغذ یه می‌کنند و مال و هستی مرد م رابغارت ...د و هم بورو کـرا سـی‌ور شو ت خـو ر ی عما لان دولتی‌و ...و یسس های دورا ن سلطنت و خوار ی و آوار ه گی خود و ...ی را اینطور تصو یر مـــی‌کند:

...به خو ن گر م غریبا ن وضو کند !

با صددسیسه تیغ جفا در گلـــو کنـــــد !

...د دست مـــــرد م آوار هٔ غر یب

فر ش ولحا ف و تو شك وبالشت قو کند

...ما مفتش د قیق هویدا نمی‌توا ن

جر م‌ودسیسه هایی که مرزا عموا کند

...ز کار بی پو ل و رشو ت‌نمی شود

و دیگر علا قه مندا ن بید ل مجالس نشتند سا حل در تمام قالب ها شعر ، طبع آزما یی کرده است‌مانندغـزل ، مثـنوی ، مخمس ، قصید... ترکیب بند ، قطعه ، ربا عی وغیره‌اما مهار ت و استاد ی او در غز... است و حد اکثر اشعا ر او را غزل تشکیل مید هد . غز ل های سا حـ... بطور عمو م متا ثر از سبك هندی‌و بخصو ص اشعا ر بید ل و قسـ... صایب تبریزی است . مو صـوف‌به علا مه اقبا ل لاهور ی و میر ... غالب هند ی علا قه بخصو ص‌داشت‌و با آثار آنها آشنا بود . حد اکث... مطا لعا ت سا حل را کتب تاریخی‌تصو فی و اد بی تشکیل میداد .

سا حل در تمام دور ه زندگا نی‌خود هر گز لب بمدح کسی نگشو... و در برابر آستا ن از بابا ن فیودال‌و طبقا ت حا کمه سر تعظیم و تسلی... فرود نیاور د ، سا حل شا عر ی‌بود در همه حا ل وا قعیت گرا ... بررسی کو تا هی از اشعا ر اونشان‌میدهد که انسان موجودیست‌پیوند... و متکا مل و حقیقت جو که د ر اثرتز کیه نقشس و خد مت به همنو ع... میتواند به مدار ج عا لی انسانیت‌عرو ج کند . سا حل دنیا پر ستی... و آزمند ی و ستمبار گی و مرد م‌آزار ی و بیعدا لتی را بی هراس... میکو بد و نیکو کار ی انسا ن دوستی‌و عدا لت اجتماعی را می ستاید او... از محیط و جا معه خود بر داشت‌سطحی و قشر ی نداشت و از رنج... فقر وآزار بیچاره گان و فـــــرودستا ن بی خبر نبود بلکه شنا خت... او از محیط و جا معه اشس ، در باره‌انسا نها و تفاو تها ی اجتما عی... و واقعیت های تلخ زندگی عمیق‌علمی و انسا نی بود . گر ه ها ی... رو ی هم انبا شته زندگی خود ومرد مشس در اشعار شس بخو بی... شگفته و باز شد ه است و بخا طر تصو یر عینی زندگی زحمتکشا ن و... فرو دستا ن از نها یت بینشس وقضاو ت صاد قا نه و همه جانبه... کار گرفته است .

هما نطو ر یکه اندیشه‌های مترقی‌امروزین حل اسا سـی و بنـیادی... تفاو تهای اجتماعی و تضاد ها ی‌طبقا تی را در انقلا ب اجتما عی... میدا ند سا حل نیز باو صف اینکه‌یك انسان متصوف و سخت مذهبی... است ، ولی در بار ه تر قی جا معه‌و نجا ت مرد م از زنجیر استبداد... و استثمار مانند یك رو شن فکرمتر قی و انقلا بی می اند یشید و راه... حل را در انقلاب اجتماعی میداند.

از بسکه تیر ه چشمه صا ف‌زلال‌شد

دنیابه‌زعم مرد م با ابتذا ل شد (۱)

آن دو لتی که ما یه اقبا ل بوده‌است (۲)

آحرزدست‌مرد م نا کس زوا ل شد (۳)

قانو ن به نفع مردم ظا لم تما م‌گشت

تطبیق‌آن به مرد م عا مه محا ل شد

جمعیتی بفکر ترقی ونهضت‌است

جمعی به‌فکر جاه و تجمع مال شـــد

بی انقلاب ! کار بجا یی نمیرسد

ماراهوا ی معر که اشس در قبال شد

ك داستان كوتاه فلسفی از ویتنام ـ نویسنده هوهوئو توئو نگ

سمندری که‌سرنوشتش‌را انتخاب کرد

کنار جاده یی دور افتاده و خلوت که راه
ایی ندارد وبه ندرت مسافری ازآن عبور
د ، سه سال است که معبدی ساخته‌شده
ت ، دراین معبد روحانی پیری از پیروان
در تنهایی مطلق زندگی میکرد ، در تمام
سال حتی یك نفرنیزبه دیدارش نمیامید
معبد در حویلی‌مربع شکل بزرگ مقداری
سوخت به طورمرتب‌روی هم چیده شده
باغ که پیرمرد تمام‌تلاش خودرا صرف
سبزی آن میکرد منظرهٔ زیبایی داشت.

روزی به هنگام غروب که مرد روحانی تازه
غش را روشن کرده بود دو بیگانه از راه
بدند ، در آستانه ی دراوراسلام گفتند و
خواهش کردند که روحانی شب جایی‌برای
راحت برای آنان بدهد .

روحانی پیر که دلش سوخته بود درپاسخ
ی گفت :

به شما برکت دهــد درب خانـــه اوه
شه به روی‌نیاز مندان باز است. وبعداز
ه یی سکوت ادامه داد :

داز سه سال پیش که این معبد ساخته
، هیچ کس‌برای استراحت به اینجا نیاءده
ت ، خوشحالم که اکنون دعایم قبول شده
ما آمده اید .

سپس به کار پرداخت تا غذای اندکی برای
انان بی خبر آمده تهیه بیند هنگام صرف
مهمانان بدون هیچ قصدی از روحانی
پرسیدند :

شما چه دعا هایی می‌خوانید ؟

روحانی جواب داد :

ن از جوانی تاکنون به «ذها مینا» وفادار
ه‌ام ، میتوانیم بگویم که تمام جنگل انبوه
مت» راگشته‌ام وسه سال است‌که لطف
و ندی شامل‌حالم گشته‌وازآن زمان‌تاکنون
دعای تعلیمات «متریا» نخوانده‌ام .

نجات میدهد» ومن اگر اشتباه نکرده باشم‌بودا
متیریا اکنون در میان ماست تاروح کسانی
را که صادقانه می‌خواهند به کمال رسند نجات
دهد ، به همین دلیل من‌نذرکردم تا تمام متون
مربوط به‌اورا هزار بار بخوانم .

مسافر دوم پرسید :

ـ تاکنون چندبار دعاهارا خوانده اید ؟

ـ تاکنون بهصدونودو نوبار آنهارا خوانده‌ام
فقط یکبار دیگر مانده است که باید خوانده
شود که همین امشب این کار رابه انجام
میاورم ، من یقین دارم شما دو نفر درزندگی
خود کار های نیکی انجام داده اید وبه همین
جهت این شانس را آوردید که شاهد آخرین
بار دعا خواندم باشید .

به زودی صرف نان به آخر رسید ومهمانان
خسته به‌استراحت پرداختند، روحانی به دقت
معبد را تمیز کرد، نزدیك محراب
نفتـی را روشـــن کـر د کتـا ب
راگشود وشروع به‌دعاخواندن کرد
معین از بر خورد . چکشی که آ
همراهی میکرد طنین زنگها بر م
مسافران پیش از آنکه به خواب
باره تأثیری که پیر مرد روی آنه
بود با هم سخن گفتند :

یکی از آن دو گفت :

ـ بیچاره رو حانی پیر بیش از
خرافات شده است ، چشمان او
باید باز نشده است ، طبیعی ا
که دو هزارو پنجصد سال پیش
است نمی تواند از اشتباه خالی
شك باعصر کنونی تطبیق نمی کند
سبب عده‌یی از دانشمندان که مت
تناقضات میشوند کوشش دارند
کنند، از این طریق است که اش

بقیه در صفحه ٤٥



دخار جی منابعو څخه
دځرك ژباړه

انسپورتي وسايلو دپراختياپه نتيجه کي به :

آیا د آسانو نسل له منځه ولاړ شي؟

وخت د لومړی ځل لپـــاره
و آس اهلی کړ او د هغـــه
د کورنی حیوان په توګه‌ګڼه
ی ؟ دغه د عمر مسئله تراوسه
یوی کیسی او معما په تو ګه
او بی ځوا به پاته شوی ده.
و شی‌چی‌په دغه هکله‌روښانه
. دی هغه‌داچی زموږ داوسنی
څخه ډیر پخوا آس اهلی او
شوی دی . تاریخ شاهد دی
یوازی اسکندر کبیر بلکـــی
وسی هم زیات آسان روزل
ری په‌وخت کی یه‌یی‌د هغه
زړه پوری استفاده کو ل.

یخ په اوږدو کی د غه فوق‌ـ
یوان تل د انسان داعتمادوړ
ی او په بیلا بیلو وختونوکی
سره‌زیاته مرسته او همکاری
.رښتیا هم آس‌د انسان لــه
سړواو تودو حالاتو په واوړو
، طوفا نونو لوړو او ژوړو
و دښتو نو کی،د حمل ونقل
ه غوره او په زړه پوری وسیله
ی ده .

ی دلته دا پوښتنه پیدا کیږی
ه اوسنی عصر او زمانه کی
کی ، ریل ګاډی‌اوموټر ان
ه پیمانه موجود دی نـــو
ېرلی او ځغا ستی به نوره
احساس سی آیا د اسانونسل
هم تر زیا ت‌وخت پـــوری

ننډ ا ر و چـــیا نو او ســـــیلا
نیانو ته وویل : « په دغه فارم کی
په زیا ته اندازه د عر بستان دهیواد
دغوره آسو نو نمو نی او نسلو نه
روزل کیږی چی د غه ډول آسان د
هیواد تر ټولو ښه او غوره نمونی‌ګڼل
شوی دی »ده زیاته کړه : «مونـــږ
همیشه د بهر نیو هیوادو ننـــداره
کوونکی لرو او هر کال یو شمیـــر
زیات بهر نی ننداره چیان زموږددغه
فارم د آسونو څخه لید نــــه کتنه
کوی او هر کال د بیلا بیلو هیوادو
متخصصین د نو موړو آسانو د کلنی
لیلام په وخت کی زموږ هیواد ته‌راځی
دغه راز نو موړی فارم د آسا نو د
روز لو ځانګړی متخصصین ، تکړه
تجر به کاره جراحان په نړ یوا له
سویه نامتو آس ځغلوو نکی لوبغاړی
ټرینران او د مسا بقو مربو ط لارـ
ښوونکی ، **لری »په‌همدی اســـاس**
زموږ د فارم یو شمیر آسا نــو د
المپیك د نړیوا لولو بو په لړ کی او
یو شمیر نورو مسا بقو کی ډول‌ډول
مډالونه تر لاسه کړی دی .برسیره
په دی مو ږ د آسانو د ځغلولو پـــه
هکله حتی د هغو ماشو مانو لـــپاره
چی عمر او سن یی د لسو څخه تر
دولسو کلونو پوری رسیږی ځانګړی
ښوونځی او د زده کړی کور سو نه
لرو .

خبر یال لیکی : مو ږ د آسا نو د
څړاو وښو خوړلو په یوه شنه چمن
او څړ ځای کی ولاړو شاوخوا تـــه
مود ډیرو ښکلو حیوانانوننداره کول
ددغه آسونود جملی څخه ځنی بیخی

نامتو نڅا کوو نکی (ګلینا اونوا)
په دغه باب وویل : «رښتیا هم کــه
چیری د بالت‌دنڅا هره یوه هنر منده
او نڅا کوونکی د عربی آسو نو ناز
او نزا کت ووینی نو د دوی دحسداو
بخل حس به را وپاروی دا مطلب‌دی
هغه وخت څرګند کړ کله چی یـــی‌د
ټر سکی د آسانوپه‌فار م کی دآسانو
ننداره کوله . ددغه فارم آسان نه
یوازی د نزا کت له مخی ممتاز دی
بلکی د زیات او سخت کار پــــه
اساس هم غوره نمونی دی پـــــه
نوموړ ی فارم کی د عر بی سیـــمو
ډیر لر غو نی نسلونه چی‌په نړیوال
مارکیت کی زیاته‌اړتیا ورته احساس
ده روزل کیږی او د ډیرو مشهورو
نسلونو اولاده چی اوسی په نړیواله
سو یه دو مره زیات نه پیدا کیږی‌په
همد غه فار م کی‌ترروز نی لاندی دی
اود زیاتوالی لپاره یی هڅه اوتلاښ
روان دی ، په دغه‌هیواد کی د آسونو
دځغلو لو تر ټولو پخوا نی میدان
او سر کس چی د آسو نو د ځغلولو
دتمر ین له حیثه نړیوال شهرت‌لری
د ټرسکی د فارم‌مربوط د فستهکروس
میدان او سر کسی دی .ټول هـــغه

تماشا کوی.
نو موړی تور یستان او ګرځ
کو لی شی چی په عر بی ټو
مسا بقی پر آسو نو باندی سپا
او د هغود ځغولو څخه د پتګـ
یسك د میدان په شا و خوا کی
واخلی .
نو موړی زیا ته کړه : زما
دی کله چی د مسکو د ښا ر دآ
دروز لو په فارم کی د پسرلی
موسم کی د آسو نو نړ یوال
اعلام شوی‌ؤ نوهلته د هالیند،
سویډن ،دامریکا متحده ایالا
دلوید یځ آلمان یو شمیر زیا
آسانو را نیو و نکی را غلی و
آسو نو په جمله کی په تیره
څو آسونو ددوی ټولو زیا ته‌پ
اوتوجه جلب کړی وو نو مـ
آسونه چی شمیر یـــی د پنځ
څخه زیات نه ؤ سو چه عربی آ
وه په تیره بیا د ټرسکی د اس
فارم د پویو چتهسانو می آسو
لیلام د ګډون کوو نکو او علاق
مندانو د زیا تی‌پاملر نی وړ ګرـ
وه چی د نوموړو آسو نه‌دزا
په‌هکله د لوید یځ آلمان او د
د څوتنو ښځو تر منځ کلك ر
پیدا شو په دی ډول نو د نو
ځانګړی ډول د جملی څخه د یو
بیه ډیر لوړه شوه او په نتیج
د آلمان د هیواد درانیو نکی‌په

شو بر سیره په دی د سنګور ـ
می اس هم د را نیو نکو او
ننداره چیا نو زیا ته پا ملر نه
کړه او د خپلو خاصو نزاکتونو
اساس یی زیات علاقه لرو نکی
کړه چی په دی ډول یی بیه یو
سپږ واره لو ړه شوه . رښتیا ه
دغه رازآسان ډیرلرغونی تاریخی
او شهرت لری اوویل کیږی چ
وخت د شکسپیر دریم ریچارد
ټوله پاچهی ددغه راز آسونه
بدل کی‌وړاندی کړه.

تازه‌هایی از هفت اقلیم

ترجمه و تنظیم از : میر حسام‌الدین برومند

پامال حقوق انسانی در کشورسرمایه‌داری

گریت»از جمله زنان بدبخت آلمان فدرال
ه و همه وقت بانیستی وناداری دست و
بان میباشد •
و ازفرط یاس به الکهول نیز معتـاد شده
ن • یکی از دوستانش‌طی‌گزارشی مینویسد
: روزی بدیدن «گریت» رفتم ، دیوار های
ی مسکونی او رنگ‌تاریك خفه کننده داشت
سید مش:«گریت» اینجا چقدر کرایه میدهی
ابود که «گریت» ، سراسر سیمایش تاثر
ده بود • جوابش اینبود :
دو صد مارك ، فرقی نمیکند که اتاق اصلا
ی بودو باش نیست • مگر برای یـــك
ی قابل بود و باش در آلمان فدرال بایستی
ر مارك پرداخت وطبعا خانه ای بادو صد
ك کرایه بایستی هم فاقد مرکز گرمی ،
ی وسایر ملحقات لازمه باشد •شوهرش
رلی» یك کار گر است • بقول «گریت»
کنار منزلش همین اکنون یك عمارت خالی
ود دارد که برای مسکونین متمول برای
یه دادن اختصاص داده شده است •مالك
با کرایه ندادن بقیمت پائین‌که بدیها‌آشمار
ومالکین بیشمار است ، باعـث قلت خانه

صر فنظر از همه .مالکین منازل جدید التعمیر
خواهان دریافت پول قابل ملاحظه یی به‌عنوان
(پیش پرداخت) اند که مقدار چنین پول پیش
پرداخت بین سه الی هشت هزار مارك‌آلمانی
گفته شده است •

بیکاری و افلاس دامنگیراکثریت زحمتکشان
آلمان فدرال میباشد بحدیکه درد سمبر ۱۹۸۰
«گریت»و دوستانش بخاطر بی مسکنی اعتراض
شدید شانرا علیه دولت ابراز کردند ، کما-
شتگان وکار مندان خونخوار امنیتی آلمان
فدرال با شکل زیاد وحشیانه بیچاره اعتراض
کننده‌گان را لگد مال نمودند کارمندان امنیتی
داخل صفوف آنانیکه انسانی ترین خواست
خویش یعنی داشتن منزل برای بودو باش
بودند ، گردیده وجمعیت بیگناه را بیرحمانه
زخمی ولگدمال نمودند• شام‌بعدجمعیت دیگری
بشکل صلح آمیز به امتدادیکی‌ازسر کها‌مارش
نمودند •باز هم خون آشامی پولیس سرحد
نمی شناخت ،حتی‌اطفال شکنجهٔ بیحدگردیدند•
جوانان که گناهی جز در آرزوی داشتن‌خانه
برای زندگی نداشتند • سراسر وجود شان
خراش خراش گردید •

پروبلم مسکن اصلا برای زما مداران کشور
های کاپیتالیستی مطرح نیست•در آلمان‌غرب
آنانیکه فاقد خانه رهایشی اند • بسان‌میلیون
ها انسان دیگر جهان کاپیتالیستی قربانی
سود جویان سرمایه وسرمایه داری گردیده
اند • در جهان سرمایه داری ساختن خانه‌و
فروش مجدد آن یك تجارت ویك معامله است،
اماچه تجارت وچه معاملهٔ نارواییی • تجارت
سوداگران و متمولین ! آنانیکه در فقرو نیستی
دست و گریبا نند • بحران اقتصادی اینك
در آلمان غرب روز تاروز فزونی میگیرد •
این بحران بخاطر وقف هزینهٔ هنگفت برای
مسابقات تسلیحاتی و همکاری آلمان غرب و
اضلاع متحدهٔ امریکا در زمینهٔ راکت هـای
اتومی ، بیش از حد تصور رشد یابیده است•
مسوولیت قتل وشکنجه واذیت مردمان‌بیگناهی
را که فقط انسانی ترین و طبیعی ترین‌حقوق
یعنی خانه برای سر پناه میخواهند ، تاکنون
هیچ کسی بعهده نگرفته است • شمار خانه
های کرایی که‌بی‌موجب ومحض بخاطر دریافت
کرایهٔ چشمگیر وپول قابل توجه، خالی مانده

زیاد است •
در واقعیت امر بحران فعلی
را فقر وبدبختی جوانان وعدم توج
کارگر ورشد بیکاری زیدت بخشی
اصطلاح «جهان آزاد» راکه همچو
کاپیتالیستی بخودمیدهندانسان‌راسخ
وامیدارد و مسلما از خودش می‌پر
آزاد» یعنی چطور؟ مگر از رعایت حق
که امپریالیست هابا صدای بلند
میکنند که هیچ خبری نیست •
حق کار ، حق داشتن سر پناه برا
تامین‌نشده است•صاحبان سرمایه
مستبد که جز حسدو حرصی آقائ
رانمی شناسند ودر اصل خونخـو
نیستند و مشاهده تجمل‌وسرمایه و
های بی همتا ، چشم عقل و تفکر
خیره ساخته که‌به سرمایه وانحص
به انسان اصلاء نمی اندیشند و ح
برای اوشان اصلا مفهومی ندارد
زندگی در جهان غرب‌وکشور های



در کشور های کاپیتالیستی اصلا به کرامت‌انسانی حلقهٔ زحمتکش وقعی گذاش
حقوق شان پامال وخود شان شکنجه میشوند.

خانهٔ«استعدادهای شگوفان جوانان»دربرلین

عمارت جالبی که به خانهٔ «استعداد های
شگوفان جوانان» در برلین موسوم است، در

سالون بزرگ جوانان مبدل گردی
صدها جوان برلینی درآنجا مباحثا

گان این سالون به پنجاه گروپ
مینمایند ، یکی دوبار در هفته
ل درین «خانه» باهم ملاقات میدارند
لیم وآموزش چیزهای لازم را فرا
رین کلوپ که کاملا مخصوص به
جوانانست در مورد فوتو گرافی

دیکور وتزئین ، شطرنج ، آواز خوانی وامثال هنر زمینه مساعد گردیده است • گروپ های متعدد پیوسته ملاقات هایی با متصدیان «کلوپ اکتوبر» وسایر گروپ های کشور های مترقی میداشته باشند•

در «خانهٔ» متذکره انواع تمامی فعالیت هادرین روز ها فزونی گرفته است •

ش فلم‌های آلمان دموکراتیک در ۳۹ کشور جهان

گر احساس انسانی است وچنان
ت که میتواند انسانرا از انزواو
بیرون آورد •
»ازسازندگان یکی از فلم هاست
موسسهٔ فلمسازی «دیفا» بوده و
گران از شهرت خوبی برخوردار
ایجاد گری های نابش در زمینه
ترین فلم های «دیفا» ۱۹۸۰
سینمای آلمان دمو کراتیـــک
واقع شده است • در ساخته
وی مفاهیم وآزمایشات انتقادی
توجه میکند •
سال گذشته(۸۰) میلیون تماشاگر
ساخته شدهٔ آلمان دمو کراتیك
ه تنها ۲٤ میلیون نفر در خـود
دموکراتیک مقابل پرده های سینما
ه تماشا نشستند که یك افزایش
سبت به سال ماقبل آن میباشد .
ی است که صنعت فلم در جهت مثبت
فورم خاصی بر خوردار گردیده
شهمه پیشرفت وترقی چیست ؟
علت عمدهٔ آن همانا نزدیکی و
ای آلمان دمو کراتیك بسوی
سب اعتماد بزندگی بی پیرایه و
جدل بخاطر زندگی آرامی بخش
هٔ بشریت است که درفلم ها تجلی

به مسایل اخلاقی ،وزندگی با
مسلماً درنقطهٔ مرکزیت «مناسبات
فته است که این خود دلیـــل
برای بالاروی شمار تماشا گران•
دبیات و هنر های منوط بـــدان
را ثابت ساخته ، چه همین آثار
فلم هاو نمایشنامه های خوبی
می کند . د ر ســـــا ل



هم هنرپیشه سینما وهم آواز خوان .

روز تجلیل از فلم های اطفال از کوریا ، نیز نمایش داده خواهد شد • در جریان سال ۱۹۸۰ از رژیسور پرآوازه چون «امینودامیانی» اینگمار برگمن ، مارتین ریت ، آندری کایاتنر لوئیز بانویل ، مارتین ریت ، پیتر شولوف سانوس ، بوریس گری گوریف وسایرین به نمایندگی از سینما های کشور های مختلف در سینمای آلمان دموکـراتیك دعوت شدند . وفلمسازان آلمان دمو کراتیك در مورد تاریخ سینمای کشور های آنان سوالات کردند •در ضمن روی اولین فستیوال فلم دراپریل در شهر کارل مارکس مذاکره و صحبت صورت گرفت) فستیوال که بمنزلهٔ یکرقابت سالم وپابر جای سینمایی قلمداد گردید • سینما بجهت آنکه باید بازیبایی های مخصوص توام باشد تادل و دماغ تماشا گران تلویزیون را تسخیر واز شمار تماشاگران تلویزیون بسان

تعلیمی هدایت گرفته که یك پورتریت مستند در مورد یك بریگارد خوب و ممتاز رابه نمایش بگذارد •

(همه دختران من) فلمی است که ا ز لذت کارو زیبایی مناسبات انسانی مانند عاطفهٔ اعتماد ومعانیت بسایرین علی‌السویه درآن بازتابیده است یك رژیسوردیگر زن است که هلین شمیت نام دارد و در اولیـن فلمش بنـام « سیـری به اطـــراف » توانست به شایستگی یـــك ازدواج نورمال و زندگی شیرین بسان یـــك حادثهٔ جدی به تماشاگر ارائه دهـــد ، جـدی برای آنکه باید کوشید که خوب وبیهراس وشرافتمند انه زیست فلم «زولوزونی» تاریخ معاصر جمهوری دمو کراتیك آلمان را باز گو میکند که از دعوا ها ، اشتباهات ،مبارزات رویا هاو امید های یکدختر حکایه میکند •

سازنده فلم «خولفگانگ» مدعی است :

قسمیکه برای یك انسان جوان مهمست که
ایده بخصوص برای خودش داشته باشد.
میخواهیم برای انسان ها این فرصت می
گردد که خودشان با خویشتن مصرو
شوند • بقول «کونراد» یکی از رژیسو
درین فلم آوازخوان زن مـــی خـــو ا هـ
نشان بدهد که کارش برای انسان های دی
زیاد قابل توجه است ومطلوب .

فلم «زولازونی » در فبروری در فستی
بین‌المللی منعقده برلین‌غرب جایزهٔ «فیبرلی
سی» را ربود . «زانتا کروستر» هنـر پیش
فلم لقب بهترین هنر پیشه را ربود . فلـ
«لوتیس مول» به کارگر دانی «هوریست‌زیم
که رومان آن در۱۹٦٤ بوسیله (رومان پروفسک
۱۹۱۷ـ۱۹٦٥ نوشته شده است و در ۱۷٥
در پولند اتفاق افتیده است • فلم تازه ب
«نامزد »که گونتر آنرا سناریونو یسی ور
کرده است وفلم کاملا تاریخی ودارای محتو
انتی فاشیستی است •

ازدواج دو ورزشکار معروف

اخیرا دو ورزشکارورزش آبیازی که درضمن ازمعروفترین ورزشکاران این بازی بشمار می‌آیند دریکی از محلات واقع در «پوتسدام» پیوندزندگی مشترك شانرابستنداین عقددریك فضای کاملا صمیمانه ودرمحضرعدهٔ کثیری از ورزشکاران صورتگرفته•عروس زیباوخوشبخت در مسابقات المپیای ۱۹۸۰ مسکو ، بدرجه سوم ورزش مورد نظرش قرار گرفته و قهرمان

ورزش آبیازی شناخته شد •وی ریکارد جها
نیز قایم داشته است •

عروس قشنگ «بار باراکراوز» نام دار
شوهر عروس «لوس وانیا»، از دیر زمانی‌اس
که بر سکوی قهرمانی ورزش آبیازی ار
باقیمانده ووی به پیروزی های افتخار آفری
ورزشی در قطار سایر ورزشکاران اروپا
دست یافته است •





درد دل دوستانهٔ یک جوان

در ارتباط باشکل تدریس گذشته‌ها

توقعات مردم نسبت به سطوح دانشی افراد متفاوت است. مثلا توقع ما از یك شاگرد مکتب تا توقع ما از یك محصل پوهنتون فرق می کند ما از یك محصل توقع بیشتری نسبت به شاگرد مکتب داریم برای این انتظار بیشتر داریم که سطح دانشش اش بلند تر از سطح دانش شاگرد مکتب است اما با همین دید وقتی از یك محصل خواستیم حرف بزند گفت :

من محصل هستم محصل پوهنځی حقوق و علوم سیاسی وقتی به جمعی می نشینم بنا بر دلیل محصل بودنم در این پوهنځی همه از من توقع اطلاعات کافی در موارد مختلف مربوط مسایل روز را دارند وحق هم دارند آخر آنها چه میدانند ما درپوهنځی چه میخوانیم ؟

زیاد شنیده ام که بزرگترها می گویند ،این جوانها به‌درس کجا توجه دارند ، اینها فاکولته

مادلمان نمی خواهد وقتی در مجلسی می نشینم با معلومات تراز همه باشیم ؟ شما درد مرا نمیدانید ممکن حرفم را یك محصل حقوق بداند من برای شما شیوه تدریس این پوهنځی را می گویم :

درس ها همیشه برای نیم روز است از ساعت فرضا هفت و سی تادوازده و بیست طی سه ساعت درسی که هر ساعت شامل نود دقیقه است . از سر صبح نوت می نویسم تا ظهر در هر ساعت ممکن نزد یك به شصت یا هفتاد دقیقه رانوت کردن از دیکته استاد در بر بگیرد . و روز بعدش همان نوت ها تشریح داده می شود ما مضمون به نام مسایل روز نمی خوانیم حتی برای ساعت بعد از ظهر هم جای کنفرانس و مباحثه موجود نیست . ادعا نمی کنم که درس‌های تدریس شده غیر مفید اند درس ها تاریخی اند و درس تاریخ

کاش پوهنځی ما جای برای تدریس یك چنین مضمونی می داشت کاش ساعتی رسمی برای مباحثه پیرامون مسایل حقوقی می داشت تا به دیگران نشان میدادیم که هدف ما تنها گرفتن لیسانس نیست . فهمیدن است واینك ما فهمیده ایم .

میدانید ما آمده ایم نوت کرده ایم و رفته ایم کسی از ما نخواسته تا مثلا فردا اندرین باب باید حرف بزنیم . آنرا علت یابی کنیم . استادان ما مقصر نیستند چون وقت کم است و پروگرام درسی وسیع ، با آنهم در فهماندن همان موضع تدریس شده حد اعظم تلاش را

می نمایند این نوت ک...
وتشریح شنیدن برای ...
وظیفه شده مسایل روز...
درس داده شود .

محصل موصوف با...
حرف بزند می گویم ...
را قبول دارم اما حا...
ما برابر به امکانات ش...
نه توقع ما با همان و...
باقی است ما خواهان...
تحصیل هستیم .

محصل پوهنځی حقو...
خندد و با همان حال ...
خیلی خوب ولی تا و...
بیشتر نیاموخته ایم ت...
لطفا گسترش ندهید .

ورزش از خود جایی دارد

امروز ورزش فتبال در جهان علاقمندان زیاد داشته وروز بروز بر تعداد علاقمندان آن افزوده میشود .

تب فتبال امروز نه تنها بین مردان و جوانان محدود نمانده بلکه در بین زنان و دختران زیاد راه باز کرده است .

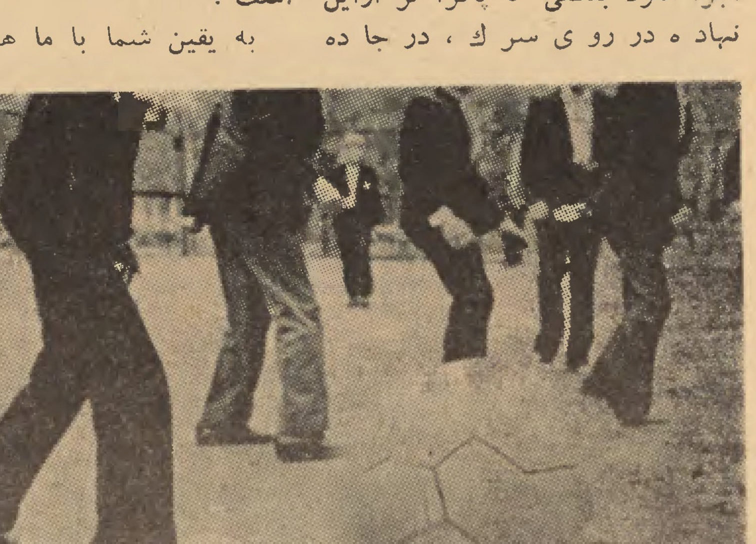
ولی یك موضوع را باید یاد آوری کنیم و آن این است که هر ورزش باید به موقعیت خاص‌ودر جای معین و وقت معین اجرا شود بعضی ها پافرا تر ازاین نهاده در روی سرك ، در جاده

های عمومی ، در کنار ...
در میدان های خاکی و غ...
این ورزش مصروف ...
اینکار واین‌طرز ورزش‌...
ومعقول نیست بلکه خط...
نیز دارد .

شاید شما زیاد دید...
کودکان و نوجوانانی ...
روی سرك، نزدیك کو...
ودر معبر عام مصروف ...
فتبال اند .

آیا از نظر شما این ...
است ؟

به یقین شما با ما ه...



که چه این ورزش فتبا ل
هر ورزش دیگر از خو د
د و باید در موقعیت های
آن تعیین شده اجراگردد.
ا نه فتبا ل نمود ن د رسر
بازار تنها به کود کا ن
نمانده بلکه یك عد ه نو
و جوانا ن ما با اینکه
این کار شا ن در ست
بازهم به این عمل شان
ی زنند . شاید این عد ه
این کا ررا بخا طرخو ش
ساعتیر ی بکنند و لی
ی که باشد که کار نادر
ا معقو ل است چه و قتی
با درت به این کاردز
بازار میکنند از کود کان و
ن چه انتظا ر ی داشت .
روز قبل من شاهد واقعه
ه هم خنده دار بود و هم
ف .

از این قرار است ، که
ی در یکی از میدا نی ها ی
بهر که راه عبور و مرو ر
ست یك گرو پ جوا نا ن
سر گر می و ساعت تیری
باز ی فتبا ل بودند .
به اوج گر می خودرسیده
اگهان تو پ توسط یکی از
بازیکنا ن با تمام شد ت شو ت شد
وبه عو ض اینکه خط سیر شو ت
کننده را تعقیب کند ، سو ی دیگر
میدان میلان نمود و به عابر ی
بیچاره که بی خبر از همه جابود
تصادم نمود. این عابر که زن میانه
سالی بود و تکر ی خمیر ی به سر
داشت ومی خواست به نانوایی محل
که تصادفا در نزد یکی همین
میدان قرار داشت برود برایش این
حادثه رخداد تکری ازسرش به یکسو
پر تا ب شد و خودش نیزدرجو ی
چه باریك و کثیف افتاد .

شما خود تصور کنید ، که این
حادثه چقدر برای زن بی چاره
درد ناك بود . شاید اطفا ل وفامیل
این ز ن انتظا ر ما در را داشتندتا
نان پخته برای شا ن بیاورد ، د ر
حالیکه حالا دیگر تمام این چیز ها
بخا طر یك لحظه خو شی چند جوا ن
به باد فنا رفته بود.

بهر حا ل تو قع ما از جوانا ن
ما اینست که و رزش را نبا ید
فرا موش کنند اما باید این ورزش
درجای معین آن که برای این منظور
تهیه شد ه است صورت گیر د .
نه روی بازار و جاده های عام و...



رقص بالت و زیبائی اندام

هنر از روز ی که بو جود آمد،
تا امروز مورد استقبا ل و استفا ده
بشر قرار گر فته و تا جهان باقی
است از آ ن استفا د ه میشود و
خواهد شد .

مخصو صا هنر ها ی زیبا ، که
روزبرو ز بر علاقمندا ن آن افزوده
میشود مو سیقی ،آرت، معم...
وغیر ه از جمله هنر های زیبا
است که روز تا روز به تعد...
علاقمندا ن آن افزود ه شده و
امر باعث شد ه که یکعد ه زی...
جوانا ن به آ ن رو بیا ورند .

بقیه در صفحه ٤٧

جوانان و روابط خانوادگی

...ندیشید ن بخا طر زندگی
لازم است ؟
...ن شکی نیست که هرکس
...سا هر جوا ن بخاطر
...فتن به زندگی بهتر ز یاد
...سد .و لی تو جه شود که
...ن ز یاد منجر به وسواس
... چه دید ه شده یك عد ه
... بخا طر دست یا فتن به
...ید ه آ ل آنقد ر اندیشید ه
...ر نمود ه اند که بالا خر ه
...و فقیت از آنها روگشتانده.
...ی به این عقید ه اند که
...ا نباید ز یاد سخت بگیرند
...زندگی به نگا ه خو شبینی
...

است و لی باید یك مو ضو ع رامد
نظر بگیریم که ز ندگی آینده ر ا
کسی نمیتواند پیشبینی نماید،وقتی
دوجوا ن از هرنگا ه با همد یگر
سازش داشته باشند و موا فق
به تشکیل زندگی مشتر ك خانوادگی
باشند دیگر در این امر نبا ید
تعلل نمود .

بعضی از جوانا ن بخا طر
استحکا م اقتصا د خانواد گی شان
زیاددلوا پسی نشا ن مید هند .مثلا
جوانی که می خواهد ازدوا ج کند
قبل از همه می خواهد خانه از خود
داشته باشد ، وسایل مانند مو تر
فرش ، ظر ف و غیر ه را قبلاتدار ك

شود که چرا در راه خو شبختی
خانواد گی شا ن این قدر تعلل
بخرچ میدهند . دلیل که آنهامی
آور ند بیشتر موضو عا ت اقتصادی
را می رسانند . در حالیکه پو ل
هرگز نمیتواند خو شبختی بیاورد.
اگر انسا ن به زندگی خانوادگی
اش از دریچه حقایق اصلی بنگرد و
موضو عا ت پو لی و امثا ل آ ن را
پیشکشس نکند ، به یقین میتواند
در زندگی آیند ه اش به مو فقیت
های نایل آید .

چرا یکعد ه جوانا ن بیشتر ا ز
همه به پو ل فکر میکنند ؟

این سوا ل خو بی است که باید
پاسخ درست ومعقولی داده شود.
وقتی از یکعد ه جوانا ن در مور د

تصور کنید و قتی مسوو لی...
یك خانواد ه چند نفر ی را بعه...
داشته باشید ، چگو نه با جیب
خالی میتوا نید زندگی آنهارااز...
ببرید.

بجوا ب این عد ه جوانا ن با...
گفت که :

این درست است که امروز د...
اقتصا د است ، و بدو ن اقتص...
سالم مشکل است که بتوا ن ب...
زندگی ایده آل دست یافت .
باید دید ه شود که این ع...
اقتصاد را چگونه تعریف میکن...
آیا داشتن خانه مجلل ، مو...
لواز م فیشنی و مقدا ر ز یادپو...
وجواهرا ت ، اقتصا د است ،...
هر جوا ن باید قبل از تشکی...

تقاضای زنان اتحاد شوروی

از زنان جهان:

مسابقات تسلیحاتی
را باید متوقف ساخت

میته ملی ز نا ن اتحاد شوروی
صدو ر تقا ضا نا مه یی عنوانی
جها ن و نیرو های صلــــح
ت بر ضرو ر ت جلو گیر ی از
یك جنگ ذرو ی تا کید نموده
.

نا ن اتحاد شورو ی طی ایــن
ا نا مه گفته اند در او ضا ع
ا ل کنو نی که نیرو هـــا ی
منی از تجا ع و ملیتا ریز م به
م علیه نیرو ها ی صلـــح و
نت آغا ز کرد ه اند ، هیــچ
ه مبر م تر و مهم تر بر ا ی
ن از امر حفظ و تحکیم صلــح
مین حقو ق انسا نی و حــــق
ی و جود ندارد .

ا متذ کر شد ه اند که ادا مه
بقه تسلیحا تی نه‌تنها موجودیت
ت را بر رو ی کر ه خا کی ما
د میکند بلکه همچنا ن یــك
سنگین را بر شا نه مر د م کارگر
د ه ،زنا ن و اطفا ل را بیشس
یگرا ن متا ثر می سازد . رشد

جه های نظا می منجر به‌عواقب
ار اجتما عی یعنی بیکا ر ی .و
سیو ن شد ه و کا هش د ر
ن مکاتب ، شفا خانه هـــا ،

ابتکارا ت جد ید صلح آمیز که طی
بیست و ششمین کنگر ه حــز ب
کمونست اتحا د شورو ی بــــه
منظور تا مین صلح ، حفظ و تعمیق
دیتانت و نجا ت مرد م رُو ی زمین

مسابقه تسلیحا تی ، علیه انکشا ف
انوا ع جدید سلاح ذرو ی و برا ی
تحکیم استقرا ر بین المللی وایجا د
اعتما دمیا ن کشوز ها تو حیـــد
بخشید .

زنان اروپا!

مانباید تعبیه مر می های جد ید
ذرو ی‌را در قار ه خویشس اجاز ه
دهیم . ما باید تدابیر وسیع رابرای
عقد یك موافقه برای منع فو ر ی
وهمیشگی این سلاح ها اتخـــا ذ
نماییم .

زنان ایالات متحده امریکا !

بیایید مشتر کا برای شــرو ع
فور ی‌مذاکر ه بین کشور های مان
در مورد تحدید اسلحه ستراتیژیکی
اتمیَ و کا هشس این اسلحه ، برای
یكْ دیالو گ فعا ل شـــورو ی و

هر دو کشور و به نفع بشر
است .

زنان جهان !

بیایید طور فعال برای
بستر های تشنج بین الملل
نماییم . از پیشنها دا ت مر
صلح و امنیت در نا حیه خ

فارس ، بر گردانید ن افر
شرق میا نه بحیث منا طق
ذروی، تا سیس منــا طــق

در جنو ب شر ق آسیا ، ب
ومدیترا نه در اعمار اعتما
شرق دور صر ف مسا عی

بیایید از مفکور ه تدو ی
جلسه خا ص شو رای ا
ملل متحد برای ایجاد فضـ

سالمتر بین المللی پشتیبا
بیایید به جنگ ، مسابقه تس
ومخا صمت جوا ب (نی) بگ
به دیتا نت ، مذاکرا ت صل
خلع سلاح لبیك گو ییم و
وسیله صلح را برا ی نسل
ونسل های آیند ه تا مین ک

پلینو م کمیته ز نا ن ات
شورو ی که به تعقیب بر
بیست و ششمین کنگر ه
کمو نست اتحاد شورو ی
دایر شد همچنا ن تاکید ک
است که زنا ن دارا ی نظ
گو ناگو ن سیاسی میتوا ن
پیگیر ، متحدا نه و همه ج
ر؛ علیه تمایلات جنگ طلبی
تحکیم صلح در رو ی ز می
دنبا ل کنند .

این کمیته گفت دو لت
شورا ها بیش از بیست س
طرف هر سعی ممکنهٔ را
ایجاد محیط صلح آمیز و تف
میا ن ملل مختلف جها ن
داشته است شر کت کنند
پلینو م کمیته زنا ن اتح
شورو ی ضمن تایید سیاسی



**زنان بیش از هروقت د یـگرعلیه جنگ اعترا ض دارندو خوا-
ستار صلح می باشند در این عکس‌جوانان جمهوری فدرال آلمان که از**

شعر نجوای انسان به‌انسان

عارف «غفار یار»

گویندکه لفظ شعراصلاعربی نیست
شیر است . وشیر در لغت عربی
. و آواز است . شور مصدر آن
بدا شعر در هر ملتی سرود های
و مذهبی و ملی وعشقی وغیره
رفته تکمیل شده ووسعت یافته
ارسی میگویند : غزلی سرود ویا

یکه لفظ شعرعربی وبمعنی‌فهم‌باشد
عمومی نیست بلکه مراد یکنوع
ف و ادراکات مخصوصی است
از برگزیدگان افراد بشر (شعرا)
شعرا ازهر چیزی علاوهٔ بر آنچه
می‌فهمند، دقایق ولطایف دیگری
نند که مخصوص آنهاست . از
و آثار طبیعیه خارجی نکات و
بیند وادراک می‌کنندکه فهم عموم
عاجز است آنچه راکه شاعـــر
اند با بیان رساو شیرین بـــه
اند .
اص ممکن است درازی شبی را
وسیاهی شب را ببینند ولی
هی چشم را بردامن شب ،برای
همه کس تصور نمی‌کند وبر-
صور کند قوهٔ این را ندارد که
عینا بابیان دلچسپ منا ســب
ید با اینطور که :

وصل یار بگزیدهٔ خویش
رار دل غمدیـــدهٔ خـــویش
ز تـــر شـــود بـــر دوزد
سیاهـــی دیـــدهٔ خـــویش

ن شاعرانه چیزهای رفیق ودقیق
ین آنها رامی‌فهماند که دیگران
برفرض داشتن قوهٔ تفهیم آنرا
وبدایع بسازند ، ممکن نمی‌شد . زیرا ایـــن
دسته از خاطره های قلبی وبیانات وافی
در شعرا نیز مرهون اوقات است .

شعر نتیجهٔ انفعالات وتاثرات شخصی‌متاثر
است ، شعر نمایندهٔ عواطف و احسا سات
رقیقهٔ انسان متفکر است، شعربانجوای انسان
است ، شعر لغت نفس‌است،شعر بیان سیمای
واقعیت است بازبان فشرده وموزون ، شعر
نقوش ظاهره وصور آشکاری است از حقا یق
مرموزه غیرمرئی وبالاخره شعرتصویر جما ل
طبیعت است .

شاعر صورت بندمعانی ناپیدای نهانی‌است،
شاعر جمال طبیعت و مکنونات عالم وجود را
بانقوش الفاظ مجسم می‌سازد . طبیعت رابه
خیال مصور ساخته عواطف واحساسات درونی
رادر عبارات وکلمات جلوه گر می‌نماید .

شعر مشروط به وزن و قافیه نیست ، بلی
وزن وقافیه برحسن وطلاوت آن می افزاید و
طبع را برای قبول بهتر حاضر می‌سازد وآنچه
درتعریف شعرگفته اندکه (کلام موزون مقفـی
است) حقیقت واضح نیست واین تعریف
نظم است ، و ممکن است کلام شعر باشد
ونظم نه باشد بلکه شعر منثور باشد. همچنین
ممکن است که نظم باشد ولی شعرنباشد .

موسیقی هم در شعر حکم وزن وقافیه را
دارد ، اگر شعری باساز وآواز توام باشـد
البته کیفی بیشتر از شعری دارد که ساده
خوانده می‌شود و کمال تاثیر و مقبولیت شعر
درموسیقی است باوزن وقافیه مطبوع وسازو
آواز خوش آهنگ همراه شده باشد . گذشته
از ین ها اصلا لهجهٔ شیرین وطرز ادای کلام
خیلی در تاثیر معانی دخالت دارد . خلاصه
شعر بمعنی است . نه‌بوزن وقافیه و معنی
شعری گاهی در قالب نثر ریخته میشود. و
اموریکه موجب مزید تاثیر معانی شعر به
وعبارت انداز : تغزل ، مدح، تشبیب، مرثیه
هجوه ، حماسه، مطایبه وعظ وحکمت، وصف،
حکایت، تعلیم، عتاب، شکوی وامثال آنها
از اغراض که شعرادادند و معانی وشواهدآنها
معروف است .

بعضی شعر را برسه قسم تقسیم کرده اند
اشعار اخلاقی ، اشعار وصفی ، اشعار روائی
اشعار اخلاقی: که به تشریح صفات ممدوحه
ومذمومه وترغیب مردم بفضائـل اخـلاقـــی
وپیروزی از اصول پسندیده و نیك میپردازد.

اشعار وصفی : عبارت از اشعاری که شاعر
در آنها نقاشی طبیعی و جسمانی یا روحانی
ونفسانی می کند مانند اشعار رزمی ، بزمی
وصف شکار ، بیان حالات عاشق و معشوق
تعریف شب ماهتاب ، طلوع ، غروب ، بهار،
خزان وامثال آنها میباشد .

اشعار روائی : عبارت از داستان سرائی
وذکر وقایع تاریخی وشرح احوال تاریخـــی
که شاعر ازخودیااز دیگری می‌گوید.شاهنامهٔ
فردوسی متضمن تمام‌این‌سه‌قسمت بودبحدکافی
وکامل است .

اقسام شعر نظربه تقسیم اروپا ئیان

سیما یاسیماهای مرکزی را در اثر هنـر ی
ودر شعر کرکتر یا قهرمان می گویند کـه
اروپائیان شعر را از نگاه چگونگی قهرمان
هابه سه قسم تقسیم نموده‌اند :

شعر لیریك (غنایی)

اشعاری است ، حاکی‌از عواطف واحساسات
روحی فخر ، حماسه، رثاء حکمت‌وتعلیم،مدح
هجا، تشبیب، وصف مناظر طبیعـی ونظـایر
آنهـا .

در شعر غنائی قهرمان رادریك حالت یا
موفقیت خاص انعکاس می‌دهند .

قهرمان شعر لیریك یادر حالت معیین‌ماند—
گار ویااز حالی، به حالی تحول میکند .
می‌کند .

صبح است ونیم قطره میم درپیاله ن
زآنم دماغ گـل نه و پروای لاله نیس
بـــی ذوق تر زمردهٔ هفتاد سالـــ
یکدم کـه در پیاله شراب دوساله نیس
اوراق کهنه کـی به می کهنه می رس
ذوق کـــه در پیاله بود در رساله نیس

الی خیر

شعر ، حکـایتی یا اپیپك :

شعر حکایتی یا اپیپك عبارت از اش
است شامل افسانه ها، روایات‌تاریخی وش
وقایـع ، خواه در کلام موزون باشد و
در کلام غیر موزون .

در شعر حکایتی قهرمان‌درحال تکامل‌و
تصویر میشود . درادب کهن دری بیش
حکایت های عشقی ورزمی داریم وحکایت
بانتایج اخلاقی، تصوفی، واجتماعی‌رامی ت
درقطار اشعار حکایتی آورد .

در شعر حکایتی معمولا عناصر تمثیلی ن
به مشاهد، می‌رسد. بطورنمونه شعر حکا
منظومهٔ ازلاهوتی راکه سنگر خونین یا کو
شجاع نام دارد نقل می نمائیم .

وزم آوران سنگر خونین شدند اسیر ،
با کودکی دلیر ، به سن دوازده ،
-آنجا بودی تو هم ؟
-بلی با این دلاوران .
- پس ماکنیم جسم ترا هم نشان تیر ،
تاآنکه نوبت تو رسد منتظر بمان .
بکف بلند شد همه میل تفنگ ها ،
آتش جرقه زد ، تن هم سنگران او ،
غلتان افتاد برسر خاشاك وسنگ ها،
اذنم بده ، بخانه روم تاکنم وداع
با مادر عزیز . (به سلطان فوج گفت)
الساعه خواهم آمد .
عجب حقهٔ زدیع !
محکوم کیستی اگر اصلا نیامدی ؟
خواهی زجنگ مابگریزی به حرف مفت ؟
-سلطان نه (داد پاسخ او کودك شجا
-خانت کجاست ؟
-پهلوی آن چشمه ، اینطرف .
-ها پس برو .
- چه گول زد اورا ! (میان خود سر باز
به مسخره گفتند آنزمان)
خر خر ونالهٔ دم مرگ دلاوران
باگاه گاه بد و آغشته ناگهان
شوخی شکست،هرکه به حیرت نظر‌کا

بقیه صفحه ۲۹

(اطلاع ، آموزش ، سرگر می)و
بتشا ن بر حسب معیار ها ی
ناگو ن ، سن،جنس و ضـع
صا دی ، سطح فر هنگی ، ساعت
شا و محل جغرافیا ی و زما ن
بخی تماشا فر ق می کند امـا
ع انگیز ه ها ی تماشا گرا ن
نما ازین کمتر است . کسی برای
افت اطلاعا ت به سینما نمی‌رود
و عا ت ، رادیو و تلویز یو ن
نیاز را تا مین می کنند .

کسی برای دریافت آموزش بـه
نما نمی رود سینما تعلیـم و
بیتی جنبه ا ی خصو صـی و
تشنا یی دارد که در مدارس و
شگا ه و موسسا ت نظیر آ ن
رد استفا ده قرار می گیرد و در
و م عا م سینما جا نمی گیرد .

اگر بتوا ن جرا ت کرد وبرای
ای بحث از جز یبا ت و دقایق
چشم پو شید ، تماشا گر ا ن
نما را با اغماض و سهل‌انگار ی
یار به دونو ع کلی ، تماشا گر
نما ی هنر ی و تماشا گر سینما
نی تقسیم می کنیم .

این تقسیم بند ی ما را فقـط
برابر دو مخا طب قرار می دهد
از هم متمایز اند اما در مور د
یز یو ن به علت تنو ع‌وپراگندگی
ز مه ها و خصلت های ویژ ه
یز یو ن که قبلا شرح دادیم ،
خیص نو ع مخا طب مشکـل
است .

وجو ه اختلاف سینما وتلویز یون
از نظر محل تماشا ، انو ا ع
اطب وانوا ع پیا م است و این
تلاف ها آنقد ر دقیق واساسی
ت که ظا هرا امکا ن تاثیـر
ار ی یکی بر دیگر ی را منفـی
کند . اما تشابه اساسی آ ن ،
ی پخش پیا م به وسیلهٔ تصویر
می که غالبا جنبه تفننی دارد ،
دو را به یکدیگر نزد یك مـی

ترجیح می دهند .

جر ن فر صتی است برای خروج از محیط خانواد ه ، آنچه یقیـن است اینکه در هر کشورباشاعـه تدریجی تلویز یو ن ، از تعـدا د مشتریان سینما کاسته می شود. مثلا تعداد سینما رو های امریکایی در ۱۹٤٦ هشتاد و دو ملیو ن نفر بود اما در سا ل ۱۹٥٥ به چهل و شش ملیو ن نفر کا هش یا فت. در همین حا ل تعداد گیر نده های تلویز یو ن دو برابر شد . هرچند علت کا هش تعداد تماشا گرا ن سینما فقط شیو ع تلویز یو ن‌نیست اما اگر از تماشا گرا ن تلویزیون در این مورد سوا ل شود ،مشا هده می گردد که رقابت بین سینمـا وتلویزیو ن امر ی قطعی است .

در انگلستا ن به این نتیجـه رسیدند افراد ی که صا حـب تلویز یو ن شده اند درسا ل او ل یازده فیصد درسال دوم چهـل‌و دو فیصد و بعد از سال چـا ر م سی فیصد کمتر از گذ شته بـه سینما می رو ند . در ایا لات‌متحده امریکا بسیار ی از سنجش نا مه ها نشان می دهد که این نسبتابر حسب مواد و منا طق مختلـف بین شصت فیصد تا هشتـا د فیصد قرار دارد » .

باید بگو ییم که تهیه کنندگا ن سینما در برابر این هجو م و ایـن رقابت چه وا کنشی نشا ن داد ه اند ؟

واکنشی سینما دربرابر رقابت تلویز یو ن پیچید ه و چند جانبـه است .هنوز بدرستی نه می‌توا ن ادعا کرد که تاثیرا تی که سینمااز تلویز یو ن گر فته یکعد ه نا شی‌از تدابیر ضد ر قابتی است و نه می توا ن گفت که این‌تاثیرا ت ، هـم جنبه ناگز یر فنی و اجتما عـی

نظری به کشور قهرمان ویتنام و مبارزات آزادیخواهانه مردم قهرمان آن

روز یازدهم سنبله ۱۳٦۰ یا دوم سپتمبر ۱۹۸۱ مصادف است باسی و ششمین‌سالگرد روزملی مردم قهر مان و حما سه سازویتنام درست در همین روز بود که مردم شجـاع ودلیر و یتنام سلطه یکصد ساله ا ستعمارو امپریالیزم را در هم شکسته آ زادی خویش را حاصل نمودند .

قبل ازآنکه پیرامون اهمیت این‌روزتاریخی مردم قهرمان ویتنام ومبارزات عا د لانـه و آزادی خوا هانهٔ آنها صحبت بعمل آید لازم است نکات چند راجع به مو قعیت و و ضع جغرافیائی این کشور برشته تحریردرآورده شود .

جمهوری سوسیالیستی و یتنام در ساحل شرقی جزیره نمای هندوچین و د ر جنوب شرق آسیا مو قعیت داشته یکصد و بیست وشش هزار و چار صدو سی و شش میـل مربع مساحت دارد و نفوس آن به چهل و شش ملیون و پنجصدو بیست هزار نفربالغ می گردد .

نفوس این کشور رااقوام مختلفی تشکیل می د هند که قسمت زیاد آن را ویتنامی ها در بر می گیرند . این کشور از نظر شکل جغرافیائی باریك وطولانی بوده و به مسافه یکهزار و چار صد میل سواحل بحری دارد، اکثریـت زمینهـای جمهوریت سوسیالیستی ویتنام برای کشت و زرع مساعد بودمواراضی اطراف د لتای « میکانگ»بهترین‌مناطق‌زراعتی آن‌راتشکیل‌می‌دهد.

شهر «هانوی» مر کز جمهوریت سوسیا-لیستی و یتنام بوده با داشتن شش صد و چهل و سه هزار و پنجصد و هفتاد و شش نفر نفوس ازجملهٔ شهر های مشهور ا ین کشور بشمار می آ ید ، «سیگون» «دانانگ» « و ها یفونگ» از شهر های بزرگ‌جمهوری سوسیالیستی و یتنام اند که با التر تیـب یك ملیونو هشت صدو بیست و پنج هزار ودو صد نفر جمعیت و چهار صدو نو د ودو

سال ۱۸٥۸ تا سال ۱۸۸٤ بخاط
خود از تسلط بیگانگان مبارزات
دنبال‌نمودند.

ملت قهر مان و یتنام درطی
سال گذشته مراحل مختلفی از
پشت سر گذار ده است در ط
سی و شش سـال دولـت انق
مجبور بود که بر ضد چهارجنگ
از طرف ا مپریالیزم بین المللی
های ار تجاعی براه انداخته ش
آزادی و دفاع از و طن خود تلا
بخرچ بد هد .

او لین جنگ و یتنام بر ضد
جنگ مقاومت است که تابیست
سال ۱۹٥٤ ادامه یافت .

بعد از تشکیل جمهوریت د
ویتنام حکو مت جوان وانقلابی آ
بود تابر ضد فعالیت های عنا
داخلی و تحکیم مجدد تسلط ا
از خارج مقابله نماید .

بعد از خلع سلاح ملیتاریسم
ایالات متحده خواست تا از طر
ملی چین درشمال و یتنام به
حکومتی را بمیان آورد . فرانس
ار دوی انگلستان کوشید تا ج
جنوبی‌ویتنام سلطهٔ خودراقایم س
آهسته آ هسته دیگر نقاط و
ملحق سازد .

مردم و حکومت و یتنام بطور
ایالات متحدهٔ امریکا را خنثی س
بودند تابیستم جولای سال ٥٤
فرانسه جنگ طـولانی مقـاو
پیش ببـرند جنگ مقاومت را
فرانسه بافتح « دین بین فو »
سال ۱۹٥٤ به پایان رسید و ل
موفقیت نبود بدین جهت که‌فقطنی
به آزادی رسیده بود .

جنگ دوم علیه و یتنام از

سمندری که سرنوشتش را...

د و بنای عظیم به وجود می آید.
تورین ها واعتقا دات که در فرق
لف و جود دارد از همین جـــا
ردد ، د لیل تقسیمات مذ هـــبی
ن نمی باشد بنابرین تعجبی‌ندارد
ش از ٨٤ هزار شیوه مختلف
ود دارد .

پاسخ گفت :

می کنم اگر واقعا قرار است
در میان ما آید ، او لین و ظیفه
رار سا ختن قانونی باشد که با
های دو ران کنونی وفق کند.
ن در سکوت معبد ادا شد ، به

هم نمی رسد که ممکن ا ست
ند وآنرا بشنود .

ی آنرا شنیده بود ، او سمندری
مان سا خته شدن معبد در آن

بود و نهصدو نود و نه بار هم
انی پیر را گوش گرفته بود .

، گشته بود که دارای شعـــور
وافکار انسانهارا تا حدی درك
ت مسافران او را از رخـو ت

، او از نذر پنهانی رو حا نی
می دانست پس از اینکه‌اوبرای
عای طولانی اش را بخواند ،
ری توده چوب هـا برود و خود
.

شید : تعصب روح رو حانی
کرده است ، فکرش هـــنوز
اگر او طبق نقشه‌اش خود را
رنه می تواند امیدوار باشد که
شود ؟ بلی باید بهر وسیلـۀ
جلو قربانی بو دایی پیرگرفته

تصمیم گرفت نگذارد اوآخرین
اند ، به طرح نقشه‌اش‌پرداخت
دا رفت ، تمام روغن چراغ را
تایی از بین برود و پیر مرد

درآرامش شب به دعا بپر دازد جرئت این کار را در خود ندید .

در یکی از شب ها که دیگر نمی توانست ا ضطرابش را آرام کند و در حالیکه د عـــا می خواند از چراغ نیز چشم بر نمی داشت ، ناگهان خشمی شدید بر او مستولی شـــد ، د عایش را قطع کرد و با خشونت سمندررا به باد فحاشی گرفت .

- حیوان کثیف پس تو هستی که راه توفیق مرا سد میکنی ؟

د سته چکش را گرفت و ضربه محکم بر سرجانور کو چك کوفت ، چنانکه جانورافتاد وجابجا مرد ، همان شب پس از آنکه برای هزار مین بار د عایش را خواند به روی توده انبوه چوبی که آ ماده کرده بود رفت ، آنرا آتش زد و با مرگی درد ناك از جهان رفت.

در آن شب دو روح در مقابل محکمه‌لوتوس حاضر شدند ، قاضی بزرگ نخست رو حانی را صدا زد .

- تو که از سن جوانی خودرا وقف‌اندیشه کردی هنوز از اساسی ترین قسمت قا نون من خبر نداری ، قانون من می گوید : برای رسیدن به روشنی باید تمام خوا هش هارا نابودکرد ، در حالیکه تو از خوا هش هـــا سرشاری ، آ رزوی ر سیدن به روشنی و نزدیکی بابودا خود نوعی خوا هش است ، همین خواهش در تو حـرص آفرید و حرص ترا به سوی خشم و خشونت برد ، خشونت ترا بر آن داشت که فکر کنی باکشته شدن سمندر د عایت تمام خوا هد شد و تو بـه روشنی دست می یابی ، اینها همه بلا هت محض بود ، حرص ، خشونت و بلاهت‌موجب شدند که تو به زندگی نیز تو هین روا داری، تو می توانستی زندگی زا هدانه‌یی دا شتـه باشی بدون اینکه ناچار باشی کفاره یـــی بپر دازی . گناهت بزرگ است ، جبرانش

- گناه بو دایی کوردل بزرگ بود ، ا ما گناه تو نیز که باشنیدن سخنان مسا فرا ن اندکی رو شنایی یافته بودی ده بار بزرگتر است .

جانور گفت :

- آه ای بو دا ی بزرگ ، من هد فی جز نجات این پیر بودایی نداشتم ، آ خر گناه‌من چیست ؟

وبودا نظرش را اعلام کرد .

- برای نجات روح هزار راه وجود دا رد چرا مانع شدی که رو حانی دعا هایش را بخواند ؟ د عا خواندن به شیوه او افتادن در دام تعصب است ، ا ما او با ایمانی خالص این کار را انجام میداد ، ملك من خیراست والبته ممکن نیست به کسانی که اندیشه‌خود را آ زاد نکرده اند ، اجازه داد که بـه آن برسند ، چون تو برای رسیدن به‌هدف از روش‌های آزادی استفاده نکردی لاجرم آزادی خودرانیز از دست دادی به همین جهت‌هیچیك از شما قابلیت ورود به ملك خیر را

سمندر که به این طریق‌حقیقت‌را در
بار دیگر به خاك افتاد واظهار ندامت
- اوه پدر ، اجازه بده که فرزندت
دوباره بیابد تابتواند از شیوه های آ
استفاده کند .

بودا در پاسخ گفت :

- خوا هش ترا بر آوردم ، تو تقر
ساحل روشنی کامل رسیده‌یی تو خود
را که مایلی بدان زندگی بیابی ا نتخا
این انتخاب بتو اجازه خوا هد داد که
به کمال برسانی .

از آن زمان روح سمندر ، با جریان
وباد ها به هر سو کشیده می شود و
نیست مأمنی بیابدتاازآن بتواند با استفا
شیوه های آزادی بایك حرکت.تمام موج
را که از خاکستر رو حانی زاده شدند
بخشد ، هر گز رو حی دیده نشد کـ
اضطراب تابه این حد رنج ببرد .

بقیه صفحه ٣٤

دوم اپریل

اوبایك صدای ضعیفی که نمایان گر مجادلۀ اوبین دردو ضعف بود گفت .

-گریه نکنید ... من چقدر خوشبختم کـه شما آمدید ....من می‌میرم ...

من در حالیکه به شدت می‌گریستم ، گفتم:

-خیر «والتراود» ، شما نباید بمیرید ... مابه شما احتیاج داریم ... ماشما را دوست داریـم .

او در حالیکه چشمانش برای یك لحظه درخشیدند . با صدای ضعیفی گفت :

-من از شما تشکر میکنم ... من از شما چقدر تشکر می ک نم ....من‌هم شمارا دوست دارم ... شما واطفال تان را ...

دراینجا مجبور شد مکثی نماید . من بـه عجله گفتم :

-دیگر حرف نزنید ... حرف زدن شمارا ناراحت میکند ... شمابه استراحت احتیاج

آنوقت سوال کرد :

-امرو ز چندم ماه است ؟

گفتم :

-دوم اپریل !

او بسیار به آهستگی‌باصدای بریده
وضعیف گفت :

- مـن امروز می میرم ... خواهش می
تا شما در هر روز دوم اپریل بالای قبر
بیایید ... ودر آنجا بمن بگوئید ... که
از من متنفر نیستید ... که شما مرا
بخشیده‌اید ...

من سوال کردم :

-از شما متنفر باشم ... شما را به بخ
...؟ اما «والتراود» شما چه می‌گوئید ؟

آنوقت به چشمانم خیره شده وبا زحمت
گفت :

-من همان زنی هستم ... که شوهر

د۱۲ مخ پاتې

دکمیډۍ او تراژیدۍ...

رلنه دنامتو فلم جوړونکو په برخـــــی
ستلو سره دی ته زمینه برابره شوه چی
اریا د «وارنا» ښار ددوستی ، نړیـوالی
کاری او بین المللی غونډه او میتنگونو
ه ستر مرکز په توگه واړول شی .

په دغه روانه پیړی کی چی انسان دغیر
انی اعمالو سره لاس او گریوان دی پهدغه
ر کی چی حق په باطل باندی بریالی کیږی
ه دغه دوره کی چی دمنفی او مثبت ترمنځ
ره مبارزه روانه ده دکمیډیفلمونو دودی
پراختیا له پاره زیاته اړتیا محسوسه ده.
اوسنیو نړیوالو شرایطو کی د کمیـډ ی
مونو دپاره دیوه مترقی ریفورم تطبیق او
ی کول ډیر مهم اوارزښتناك کـار گڼـل
زی .

د«وارنا» دکمیډی فلمونو په فستیوال کی
دنړی دبیلا بیلو هیواد ونو دنامتوسناریو
ونکی او فلم جوړونکو ترمنځ دکمیډیفلمونو
افی کیدو پهباب بحث او خبری وشوی
ایو په اکثریت پر یکړه وشوه چی تردی
وسته باید کمیډی فلمونه دسولی ددایمی
پاره په کار واچول شی او دټلویزیونی
رونو دپاره دکمیډی فلمونو دښودلو پهبرخه
جدی پاملرنه راو گرزوله شی .

دشوروی اتحاددکمیډیفلمونودنامتو سناریو
کونکی «ویر توف» دوارنا دکمیډی فلمونو
باب دیوی تبصری په ترڅ کی وویل:په
کی شك نشته چی دخوراتلونکو کلونوپه
ران کی کمیډی او خندونکی فلمونه په واقعی
گه دنړیوالی سولی او ځوان نسل په خدمت
وگمارل شی .

که چیری د(۳۰)کلونوپهدوران کی دکمیډی
مونو محتوا او ماهیت په افاقی توگه ترغور

ـدکمیډی فلمونو په داستان او سناریوکی
دکارگرانو ټورخنگ ته زیاته ونډه ورکړی
شویدی په کمیډی فلمونو کی داوسنی نسل
تفریحی احساساتو ته جدی پاملرنه را کرزوله
شویده .

د«گابورو» ښارچیدبلغاریا دسو سیالیستی
جمهوریت د«تورنوو» ښکلی او افسانویښارته
نژدی او په ورخیرمه موقعیت لری دهرکال
په اوږدوکی دټوکی ټکال او فکاهیاتو ډول ډول
ننداری او مسابقی جوړ یږی .

ددغه پروگرام یوه اغیزه داده چی لږترلږه
په بلغاریا او دبالقان په حوزه کی دکمیډی
فلمونو دودی او انکشاف دپاره امکانات برابر-
شی . ترکومی اندازی پوری چی په شوروی
اتحاد کی دکمیډی فلمونو په انکشاف پوری
اړه لری باید وویل شی چی په نوموړیهیواد
کی دکمیډی فلمونو موضوع اوږده اولرغونی
سابقه لری. دتیرو (۳۰) کلونو په دوران
کی یوزیات شمیر کمیډی فلمونه دشوروی
اتحاد اونورو سوسیالیستی هیوادونو تر منځ
تبادله شویدی .

په نړیواله سویه دټلویزیونی پروگرامونو
په پراخیدو سره په بلغاریاکی دکمیډیفلمونو

دجوړ ولو دپاره دضرورت وړ
په خاطر ځانگړی ستډیو گانی
لاندی ونیول شوی.تراوسهیواز
(٤) کلونو په دوران کی دبلغار
ښارونو کی دوه سوه پنځوس
دټلویزیونی او سیمایی ستډیو
دننداری دگرته وړاندی شویدی
ددی له پاره چی دټلویزیون
کمیډی فلمونو دښود او دپاره
اوپه زړه پوری شرایط رامنځ
ټاکل شویده چی د(۱۹۸۱) کال
دپودلیودیف،صوفیی او «روسه
دکمیډی فلمونو دنوید ولو د
ستډیو گانی جوړی او په کار

بقیه صفحه ٤٣

شعر نجوای...

شعر تمثیلی یادر اماتیك

فن تیاتر نویسی ونمایش است قسمی کـه
برای تحریك عواطف بشری فضائل ورذایل
اخلاقی را در خارج مجسم می‌سازد ودرصحنه
های نمایش حکایت، های سیاسی و معنوی
واجتماعی را مشهودو محسوس می‌سازد .مفاد
هر چیزی را آشکارا به مردم نشان میدهند .

تاثیر این نوع از اشعار در قلوب مـردم
بیشتر از سایر اقسام شعر است. زیراا‌ثری
که از دیدن قفا یا در خاطر متمکن‌می‌گردد از
شنیدن حاصل نمی‌شود . ازین جهت متفکرین
بیشتربه‌این قسم شعر اهمیت میدهند .

در شعر تمثیلی قهرمان یا قهرمانان‌آن به‌یك
مرحلهٔ معیین رشد وتکامل ویا عمل وعکس
العمل خود شان تصویر می‌شوند .

در ادبیات دری شعر دراماتیك آنقدر زیاد

داد معشوقه بـه عـاشق پیغـام
که کنـد مـادر تو بـا من جنگ ،
هـر کجا بینـدم از دور کنـــــد
چهره پـــر چیـن و جبین پر آژنگ،
بـا نگاه غضـب آلـود زنـــد
بـــر دل نازك مـن تیر خدنگ.
از در خانـــه مرا طـــرد کند
همچـو سنگ از دهـن قلماسنگ
نشـوم یـــك دل و یك رنگ ترا
تانه سازی دل اوازخون رنگ ،؟؟
مادر ی سنگ دلت تا زنـــده است
شهد درکـام من وتوست شرنگ،
گر تو خواهی به وصالم بـــر سی
باید این ساعـــت بی خوف ودرنگ،
روی وسینهٔ تنـگش بدری
دل بیرون آری از آن سینـــه سنگ،
گـرم و خونین بمنش بـاز آری
تابـرد ز آینیـهٔ قلبم زنـگ .
عاشق بی خردی نا هنجـار
نه بل آن فاسق بی عصمت وننگ

قصد سر منزل معشـوق نمـ
دل مـادر به کفش
از قضـا خـورد دم در بـ
و اندکی سوده شد
آن دل گرم که جان داشت
او فتاد از کـف آن
از زمین باز چو برخاست
پـی بـر داشتن
دیـد کز آن دل آغشته بخ
آید آهسته بیرون ا
آه ... دست پسرم یافت
وای ...پای پسرم خ
درین قطعه دیده‌میشود که
سیمای مـرکـزیست بـاکنش
در حال رشدو تحول یعنی
شکایت معشوق ، تصمیم عل
برمادر ، پیروزی و شنیدن
احساس شکست رادر اوج
می‌کند ، تصویر شده است
از شنیدن حرف معشوقه اش

صفحه ٤٤

ی به کشور...

رعلیه امریکا در بهار سال ۱۹۷۵
به پایان رسید این جنگ در شهر
وچی مـن» به اوج خـود رسید و
سال جنگ آ زادی بخش ملی‌که‌در
ال ۱۹٤٥ باآغاز ا نقلاب شروع
د بپا یان رسید و تسلط بیش‌ازنیم
الیزم واستعمار خاتمه یافته وحدت
زادیو سو سیالیزم را به ار مغان

مر حله مبارزه قهرمانانه خـلق
سی‌ام اپریل سال ۱۹۷۵ تا کنون
.

موفقیت کـامـل در جنگ علیه
ره چهارم حزب کمو نست و یتنام
۱٤ دسامبر تا ۱۸ دسامبـر سـال
«هانوی» یکی از شهر های ویتنام
دید و بحیث یك کشور نیرو مند
ی که دارای صنایع و ز را عت
و فرهنگ پیش ر فته قـد ر ت
مند ملی و زندگـی متـمدن و
رو گرام سا ختمان و یتنام رابه
سانید .

تجاعی ر هبری چین مو جودیت
سو سیالیستی و یتنام‌را درجنوب
با برای تفوق طلبی ها و توسعه
زمو نیستی خود مانع بـز رگی
نماید . وتفوق طـلبان چینایـی
ست های جهانی متحد گر دیـده
یك جنگ تجاوز گرانه سریع در
نوب غربی و یتنام در فبروری
از دار و دسته «پول‌پوت» و
» استفاده بعمل آوردند وبالای
سر حدی شما لی و یتنام باشش
حمله ور گردیدند و مردم‌قهرمان
جنگ تجاوز گرانهٔ چین را بزودی
وآنرا شجاعانه به عقب‌زده از
فتخار خویش پیروز مندانه دفاع
و در مقابل مردم کمپو چیا و
ت بزرگ بین المللی خودرا به
بدند و بدین تر تیب برای تحکیم
سو سیالیزم در راه پیشرفت
سه کشور هند و چین شرایط
دانیدند و جلو سیاست تـفوق

بخش مردم افغانستان رسالت انتر ناسیو ـ نالستی خود را درك نموده و بطور قا طعانه وصمیمانه از انقلاب ثور و بخصوص مر حلهٔ نوین و تکا ملی آن د فاع و پشتیبانی می‌ـ نماید .

ویتنام قهرمان با و جود اینکه در جنگ های ا مپریالیستی بیش از صد ساله بـــا مصایب زیادی مواجه گردیده است و دراین اواخر با تجاوزات و کارشکنی های‌تفوق‌طلبان مرتد چینائی رو برو بوده است و با و جود زخم هایی ناشی‌از جنگ ها در صحنه‌اقتصاد ملی هم با مو فقیت کا مل در مبارزه ا ست ودر این راه قهر ما نانه به پیش می رود .

ویتنام قهر مان‌بـــعد از کسب آ زادی و وحدت کشور در راه بالابردن سطح اقتصادی وزندگی ز حمتکشان مو فقیت های زیادی را نصیب گردیدہ است و بسوی افقهای تا بان پیروزی ها به پیش می رود . کشور بزرگ صلح جهان اتحاد شوروی در راه اعمار مجدد ویتنام و در راه خدمت به خلق ز حمتکش‌این سرزمین در مقابل ملت و یتنام وظیفهٔ‌برادرانه بین‌المللی خود را به انجام ر سانیده است.

مردم آ زاده و قهرمان کشور ماافغانستان که مدت ز مانی را در راه مبارزه بابدنهادترین دشمن بشریت ا ستعمار انگلیس سپر ی نموده انحصا رات غول پیکر بر یتا نیای‌قدیم را چندین بار به شکست های‌مرگبارواقتضاح آمیزی مواجه سا خته اند با قیام پیروز مند ۱۹۱۹ یا ۱۲۹۸ استقلال سیاسی خو کف‌بیگانگان کسب کرده اند سر ان پیروزی رسانیدن انقلاب نجات بخش بخصوص مر حله نوین و تکا ملی آن سیاسی را بدست آوردند و سلطه استعمار ، استبداد وفاشیزم را از پهن زمین مقدس میهن انقلابی خود بر سا ختند ، روز ملی مردم جمهوری لیستی و یتنام را به کافه خلق نجیب شهامت آن کشور تهنیت گفته مو فق مزید مردم آ زاده و سلحشور آن دوست را در کلیه ساحه های سیـ ا قتصادی ، اجتماعی و فر هنگی آ ر برند .

بقیه صفحه ۷

سربازمی‌شوم

وطن پرست ما که حد اقل مدت یکسال را در خدمت مقدس ز یر بیرق سپری نموده ا ند از قوای مسلح جمهوری دمو کراتیك افغانستان ترخیص اخذ می دارند و به آ غوش پر عطوفت فامیل های خویش می پیوندند .

همچنان برای آنعده از جوانان ما که برای سپری نمودن دورهٔ احتیاط شامل خدمت می ـ شوند در صور تیکه تا سه‌هزار افغا نی معاش داشته باشند ماهانه مبلغ سه هزار و بـرای آن‌عده دیگری که بیش از سه‌هزار ا فغـانی معاش دارند معادل معاش آنهادر طول همین مدت یکسال معاش پرداخته می شود که‌بدین تر تیب مشکل ا قتصادی ای برای شان‌درزمینه ایجاد نگر دیده حتی سر بازان ما می توانند از این پول به فا میل های خود کمك نمایند، زیرا خود آن ها در طول مدت خدمت از طرف مقامات مربوط به قوای مسلـح اعاشه و اباته می گردند . علاوه بر آن این دوره در تر فیع وتقاعد آنها بشمار آ مده از این نا حیه‌نیزخلای در جریان کار شان ایجاد نمی گر دد .

مسعود « رهی » مامور احصائیه مر کزی و یکتن ا فارغ التحصیلان سال ۱۳۵۰ لیسـهٔ عالی امانی که درسال ۱۳۵۳ خدمت مقـدس عسکری را در قطعه یکصدو یازده دافع هـوا سپری نموده است واکنون بیست ونه سال‌دارد وحاضر شده است تابطور داوطلبانه به صفوف قوای مسلح کشوربه پیوندد حاضرمیشود تابه پای صحبـت بنشیند و در مورد مصوبهٔ مورخ هشت سنبله ۱۳٦۰ شورای وزیران جمهوری دمو کراتیك افغانستان در مورد جلب واحضار سر بازان و خرد ضا بطان قطعه که قبلاخدمت مقدس عسکری را سپری نموده اند تبادل‌افکار بعمل آورد .

او میگوید : شورای و زیران جمهو ر ی دمو کراتیك افغانستان که بر اساس نیـــاز کنونی جا معه در مورد جلب واحضارسربازان وخرد ضابطان قطعه مصوبه ای رابه تصویـب رسانیده است مورد استقبال گرم و پر شور هموطنان ما قرار گرفته است .

دو لت جمهوری دمو کراتیك افغا نستان‌که به و ضع ا قتصادی فا میل های مردم‌زحمتکش کشور توجه جدی مبذول می دارد فیصله بعمل آورده است تا آن عده از ماموران وکار مندان دولت که جهت ادای خدمت دورهٔ ا حتیاط بـــه قوای مسلح کشور می روند در طول مـــدت یکسال‌دوره‌احتیاط ازامتیازات‌کوپون‌برخوردار باشندکه‌اینامرکمك‌بزرگی است‌که‌به‌فامیل‌های کارگران ، مامو ران و دیگر کو پو ندا ران کشور بعمل می آید .

عبدالله جوان دیگری است که بـ خیلی نیرو مند و قوی هیکل به نظر م وبه گفتهٔ خودش ترینر کلپ شعاع مبـ زیبائی اندام می باشد واکنون داو ط حاضر شده است تا تمام نیرو و توان درخدمت و طن ، مردم وانقلاب خویش دهد پیا می دارد که تقدیم جوانان کشو

او میگوید : وطن خانه مشترك ما و است که باید همه در راه ار تقا و ت بکوشیم از سر زمین مقدس آ بائی خو بعمل آورده در تا مین ا منیت هر چه جدیت بخرچ د هیم و در شرایط کنونی ارتجاع و امپر یالیزم جنگ اعلام ناشـ علیه کشور و مردم ما براه انـداخته وظیفه همه و طن پرستان وا قعی کشو تا مبارزات خود را بر ضد د شمنان ثور شدت بخشند و بخصوص بر آن جوانان آ گاه وانقلابی و طن که حایز مندرج مصوبه مـــورخ هشت سنبله شورای وزیران جمهوری دمو کراتیك‌افغ است تا هر چه زود تر خودرا به مرا مربوط ر سانیده جهت شمول در صفوف مسلح جمهوری دمو کراتیك ا فغانستا دورهٔ یکساله ا حتیاط ثبت نام بعمل آور است پیام من به همه همو طنان خود بخ نسل جوان کشور .

بقیه صفحه ٤۱

رقص بالت

از جملهٔ هنر ها ی زیبا ی کـــه امروز دربین جـوانان طـر فـدار

اگر چه این نو ع ر قص تاهنوز در کشور ما مرو ج نبود ه و لی بدون شك بانا م آن آشنا یی‌کامل داری .

امروز در جها ن مکاتب متعد د وجود دارد که برا ی نو آموزا ن

باعث سلا متی انسا ن بود ه‌وج که این هنر را فرا گر فته‌از ص وسلا مت جسمی کا مل‌بر خو میباشد زیرا در این هنرحرک شا مل میبا شد که برای سلا جسم فوق العا ده مفید میباش

بقیه صفحه ۲۳

پیمودن قاره...

ن کار بز رگ « سلو ین دور-
آشپز سی‌و چار سا لـه
« آر کا چو ن »فرانسه ر ا
ك کرد .
ور نان » يك دار باز خو ب‌بود
سا ل ۱۸۸۹در نمایشگا ه
لمللی پاریس اشترا ك کرد .
او با چو ب دار باز ی قد م
سر او به قسمت با لا یی
یفل میرسید و مرد م کلك
به دندا ن میگذ اشتند .این
ثا بت قد م تصمیم گر فت
ب دار باز ی به مسکو
نماید .

پاسپور ت گر فت ، یك
ب سفار شنا مه را از حاکم
بدست آو رد ، دو صندو ق
را ذریعه حمل و نقل کم
ت به بر لین و مسکوفرستا د
وازد ه مار چ ۱۸۹۱از «پلس-
کانکور » پاریس به سفر خود
کرد .
يك با لا پو ش پو ست
فند پو شید ه ، يك کلاه بیری
به سر کر د ه، یك چا نته
اس و نقشه هارا بر پشتش
ت ويك تفنگچه را در جیب
ه در جا د ه ها ی گرد آلو د
با به قد م زد ن پردا خت و
دها ت و قر یه هارا متعجب
ت .
ر نا ن دار باز ما هر بزو دی
كرد ن ششں سا عت د ر
و پیمود ن حد او سط پنجا ه
صت کیلو متر روزا نه به
خود ادا مه داد بالا خر ه او
ت که سر حد شورو ی ر ا
میکند ودر دهم می اودر مسکو
شد ، جاییکه او در میا ن
ی ها محبو بیت ز یاد پیدا
.

موقع عبور از بین جا ده های

تحت عنوا ن « بادار باز ی ازپاریس
تا مسکو د ر پنجا ه‌و هشت روز »
را انتشار داد .
سپس او دو بار ه به شغل
اصلی خویشں یعنی آشپز ی با ز
گشت .
شش سا ل بعد در سا ل۱۸۹۷
يك جوا ن تیلگرا ف چی بیست و
هفت ساله بنا م سیمو ن گرو زوف
از شهر و لا دیو استك خوا ست با
این کار بر جستهٔ دور نا ن‌رقابت
کند و سفری به پاریس نماید.
او برای سفر خود از فلز چو ب
های دار باز ی ساخت و بر بالا ی
چو بها تخته چو ب را نصب کرد
که توسط تسمه ها به شا نه‌هایشں
محکم میشد .
دور نا ن به کمك يك نیز ه طویل
مواز نه خودرا نگهمیدا شت .
وقتیکه او به ر فتن ادا مه داد

دریافت که نیز ه مذکو ر بر ا ی
دفع سگها ی قر یه نیز خو ب‌بود .
گروزو ف با چا نتهٔ پر از
ضرور یا ت به طر ف غر ب روا ن
بود .
گرو زو ف با « پا های فلز ی »
خود روز به روز به سختی‌وناراحتی
راه میر فت . در هر مرکز تجمع
نفوس به در خواست او ، مقا ما ت
محلی و رود اورا بواسطه‌ثبت رسمی
ومهر کرد ن در پاسپور ت او
رسمیت می بخشیدند .
او در اثنا ی سفر خود ا زطریق
سایبیر یا امتحا ن دشوار ی ها را
گذراند .
در موقع دیگر او آشکاردر وقت
سو ختن جنگل از مرگ فرار کرد.
دریکی از روز های خو ش سال
۱۹۰۰ گروزو ف با چو بهای دا ر
باز ی خود به جا دهٔ مر کز ی شهر
لنینگراد قد م گذ اشت ، مسا فر
مذکور به راپور تر ها ی اخبا ر در
بار ه ماجرا ها و سر گذ شت
های خویشں و از طرز کار چو ب
ها ی دار باز ی خود به‌آنها عملا
نشان داد که چگو نه یکنفر دارباز

نسبت به یکنفر پیا ده رو
سریع تر حر کت میکند بد
کو ششں خاص .
نکته قابل ملا حظه در ا
که او سط قد م يك انسان
پنجا ه سانتی متر طو ل
حالیکه بواسطه چو ب دا
يك قد م مساو ی به یك م
شود .
پس از تو قف کو تا ه،
خستگی ناپذیر دو بار ه بر
فلز ی خویشں‌بالاشد و ب
سر حد ر فت . چند و قت
روزنا مه نگارا ن اعلام دا
که گرو زو ف به پایتخت
رسید .
سفر او به آسیا و ارو
سا ل را در بر گر فت . د
مسا فر سه جور ه کف چو
باز ی و پانزد ه جور ه بو
کرد .
ریکارد ی که گرو زو ف
و مسا فه سفر (هجده هزار
یا (۱۹۲۰۲ کیلو متر) -
کرده بود تا امروز از ط
کسی شکستاند ه نشده اس

بقیه صفحه ۱۹

نگرشی شتابنده..

نفس زدنم آرام شده توانستم بامادرحرف‌بزنم
بعدشب شد، خوابم نمیبرد، ساعت پنج صبح
به‌جاده نگاه کردم ، دیدم همه بچه ها واسباب
های خودرا جمع کرده و میخواهند که بروند،
فکر کردم بهتر است به یکی از آن خانه ها
بروم ، هر خانه یی که باشد فرقی نمیکند،
بعد صدای فیر مرمی دوم بلند شد مرده یی
کنار رود خانه افتاده بود وبا هر گلوله
امریکایی ها مثل کیك برنج میلرزید ، دو،سه
چهار ... هشت ... ده ... بعد پانسمان
زخم‌من‌بازشدوافتادودیگر چیزی‌نفهمیدم.»«۱۷»

سخن درباره ادبیات معاصر ویتنام فراوان
اما ما به همین بسنده می‌کنیم وبرای حسن
ختام گفتنی هایی رادر همین زمینه از«شه‌لان
وین» شاعر شناخته‌شده‌ویتنام به نقل‌میگیریم:
«...ما ملتی هستیم که بیش از دو هزار

«هنگامیکه به خصوصیت‌ملی‌شعر مان اشاره
می‌کنیم بیش ازآنچه به‌مختصات‌زبان‌بیندیشیم
به تصویر انسانی می‌اند یشیم که این شعر
آنرا در بر میگیرد ...» «۱۹»
«... در شعر ما که دردل رنج هاو قربانی
هازاده شده ، بار ها وبار ها ، آواز به هق‌هق
گریه بدل شده است .... »«۲۰»
« اینجا ، در میدان نبرد ، اینجا ، نقطه یی
که‌قحطی گاه میلیونهاانسان‌رابه همرامیبرده
زندگی انسانی برای ما بهایی قابل‌تضمین
دارد ، یکی از ضرب المثل های ما میگوید:
«انسان گل زمین‌است»بزرگترین شاعر تاریخی
ما «نگوین دو» به موجودات بی دفاع توجه
کرده است :

اینان ، کودکان بی دفاعند .
درساعتی نا گوار زاده شده اند ،
خانواده هایشان را ترك کرده‌اند ،
کسی را ندارند که با ترحم گهواره شانرا
بجنباند ،

یا د داشت ها

۱- شعر از هوشی مینه شاعر
برگردان از قاسم صنعوی
۲- شعر از له تان لوئی شاعر
برگردان از قاسم صنعوی
۳-شعر از همان شاعر مترجم
٤- شعر از توهو ئو مترجم هما
٥- شعر از بنكئامالـ وءسذم
٤- شعر از همان شاعر متر جم
٥-شعر از توهو ئو مترجم هما
٦- شعر از هوشی مینه مترجم
۷- شعر از لودوك تو مترجم
۸- شعر از همان مترجم همان
۹-شعر از شه‌لان وین مترجم
۱۰-شعر از توهوئو مترجم هم
از ۱۱ تا ۱۷ حرف هاو نقاشی
ویتنام‌گزارش از کلو دژون خبر
فرانسوی ، بر گردان از منیژه کا
از مجله سخن شماره اول سال ۱
۱۱- از ۱۸ تا۲۲ «از دره اش

مخ پاتی

رحمان بابا

کی رحمان باباله خواجه حافظ
ری‌اود(رحمان باباوخواجه حافظ)
دی یی لیکلی دی چی : ځینی
ساعران رحمان بابا ته د پښتو
ی وایی‌نوداتشبیه دحقیقت نه‌لیری
چی درحمان بابا په کلام کی ډیر
ی شته چی هم دغه رنګ شعرونه
شیرازی په کلام کی هم شته-
طور سره هم رحمان بابا په‌خپلو
ماتو اوپه‌خیالاتو کی خواجه حافظ
سوله دی پــه دی خصو صیت
خنګــه چی خواجه حـا فـظ
خلاف وواو دریا کاره کندم نما
اهدانو او وریا خوړونکو رازونه
ښکاره کړیدی • همدغه شان
ریا کاره او دو که بازو زاهدانو
د رانو خلاف جهاد کړی دی او
ی فاش کړیده او هغه کسان
لام له سپیڅلی‌نامه ځخه بده
داسی یادکړیدی :

له فریبیا نــو
لکه زوړ نـــد چاو د کمـر
ځمــکه کی د نه
نه بر-خیره لکــه غـر
کی یی مسواك وی
تر بغـل لانـدی خنجر
کــی پټ بځری
پــه او بو کــی پټ ژور

په شپه وینی دمظلوم خوری
سبا کښینی پــــــه ممبر
پــه زړه تور لــکه تبی وی
په مخ سپین لــکه قمــر
ددنیا پــه طلب گـــرزی
خپل ځان بـولــی قلندر

اویادا چی :

چی دتوك په طلب ګرزی‌خدای دی هیردی
فقیـری دا هـسی چیــری وی فقیـره

او دغه شان نور ډیر اشعاردی • زه دلته
بخواجه حافظ داشعار و مثالونه ځکه نه‌وړاندی،
کوم چی خبره اوږدیږی • ریا کاری خودخواجه
حافظ یو مخصوص عنوان وو، ځکه می‌ددی‌ذکر
وکړو.ګنی‌هسی خوخواجه حافظ چی‌داخلاقیاتو
کوم تعلیم په خپل دیوان کی کړیدی هــم
هغه درحمان بابا په دیوان کی هم موندی شی
خواجه حافظ چــی عشق له کوم اهمیت او
مقام ورکوی هم هغه درحمان بابا دپاملرنی وړ
هم‌دی • البته ددواړوپه ویناکی یو څرګنـده
فرق شته ، هغه دا چی خواجه حافظ دخپل
مخصوص روش مطابق دا هر څـه په یو ډیر
شاعرانه اندازکی د تشبیهاتــو او داستعارو
کنایو په خوند ورور نګینو کی وړاندی کوی•
نوم دشراب ، جام اوساقی ، واعظ، زاهداو
دپیر فقیر او نورو اخلی اوپه اصطلاح کـی
یی مراد څه نور نورڅه‌وی •

بل خوا رحمان بابا عموما «نه‌از ساقی نه از
پیمانه‌گوید »بلکه په صفا الفاظو کی یی‌تام
اولس ته وړاندی کوی چی لوی ، وړوکی ،
هلك ، نجلی ،نر، ښځه ، امی او عالمان ټول
وربانـدی پوشان پوهیږی‌اودخپل خپل مذاق‌او
پوهی مطابق تری سبق او خوند اخلی •

خواجه حافظ ته چی‌کوم مقام په فـارسی
پوهیدو نکو خلکو او ایران ورکړیدی هم هغه
مقام په پښتونخوا کی درحمان بابا دی •تردا
چی دشیرازد «لیسان‌الغیب» په‌شان درحمان-
باباديوان هم خلك دخپل ژوند ، یادخپــل
څه‌نوی اقدام په‌هکله دښه اوبدفال کتلودپاره
استعمالوی •

پیر محمد کاکړ وایی :

جوړ په شعر کی رحمان غیب اللسان دی
په دا خیر نشته هر ګز د انسان شعر

دکتاب مولف دا هم زیاتوی چی په‌پښتو-
نخوا کی درحمان بابا دکلام‌په‌هکله دځینوعقیده
تمند انو دا عقیده هم‌وه چی په دی کی څه
داسی روحانی اثر موجوددی‌چی په ډیره ډیره
مطالعه یی سری مستیږی اودایی زړه غواړی
چی بیا بیا یی ولولی او خپله تنده وربانـدی
ماته کړی •

رحمان بابا که له یوی خوا په عشق کی
دومره مجذوب وو چــی ځان یی دنسبیت ا و
نسبتیت له تنګی او کوچنی کړی څخه خلاص
ګـانه اوویل یی چی :

بی له عشقه که‌می عیب که می هنردی
ما غوځ کـړیدی له خـانه بل پیـوند
زه عاشق یم سراو کار می‌دی له‌عشقه
نه خلیل ، نه داودزی یـم نه مهمند

خوبل پلو یی دافغانانو له هیواد سره‌دومره
مینه او علاقه درلوده چی دافغانانو دکشور
دمعطر کولو له پاره یی له خدایه داغوښتل
چی دهر بیت مصرع یی دخوبانو له عطر ډکی
زلفی شی او وطن په دغی خوشبویی ډك شی
لکه چی وایی :

چ کشور د افغانا نــــو معطــر کـا
دهر بیت مصرع می زلفی دخوبان کـــړی

درحمان بابا په کلام کی دنورو اخـلاقی
تعلیماتونه علاوه ځینی داسی خبری هـــم
وینو چی هغه دپښتواو پښتنو سره تعلق‌لری
په تعلیماتو کی که هغه د«پښتو» لفظ نه دی
استعمال کړی •خوپښتنی‌خصوصیات یی شاته
نه‌دی اچولی ، پټ اونګ دپښتنو دژوند
خصوصیات دی نو څکه دی وایی چی:

بقیه صفحه ۹

من هم یک..

نورش را بالای‌سرو شانه‌اوپرنو افشان
کنگ در باره مزایای فلسفه عــدم
مفیدیت آن برای نگرو ها، وظیفه ،
وتهدید ات نسبت به قتلش سخن گف
داد که طیاره حامل او روی اقدامات اح
از طرف مقامات امنیتی نسبت گذا
کنترول شده واین مساله باعث تاخیر
به ممفیس گردیده بود • وی بادامه
خود گفت من آماده هر نوع قربانی ه
قله کوه سر زمین موعود را مشاهده
در ینوقت که صدای بارش سنگین
آهن پوش کلیسا بگوش‌میرسید صدا
حضار بدفعات بیانیه کنگ را قطع میک
ادامه داد ممکن با هم‌به‌سر زمین موعو
ولی من از شما میخواهم بدانید که ما
اولاد آدم باین ماءول خواهیم رسید
لحاظ من امشب بسیار خوش هستم وا
ترس ندارم من‌ازبشردرهر اس نیستم
منتظر رحمت خداوند است •

اجتماع که از سخنان رهبر خویش ب
تکان خورده بودند به ترتیب از کلیس
می‌شدند بارش به شدت می بارید •
کنگ بمردم جرات بخشیده بودو روز
دل های آنها راه یافته بود •

روز بعد (روز پنجشنبه)داکترکنگ پ
مارش شام همان روز را ترتیب نمود
بعد یکی از دوستان اظهار نموده بود
کنگ به جامعه سیاهان روحیه جدیدی‌د
و همواره اظهار می‌کرد که برترس ا
فایق آمده است •

وقتی داکتر با همدستان خوددرموتل
باهم در گفتگو بودند وپلان های آمده
میکردند • جان ویلارد در اتاقش بیرمی
وی یك ساعت بعداز اتاق خود بر آمد
موترش رفت • او در حالیکه دریك
یك خریطه آبی ودر زیر بغل خود یك
دوربین دار داشت واپس به مهمانخانه
باز گشت . این سلاح از جمله سلاح‌های
که بوسیله آن دشمن در مخفیگاه هدف
داده میشود •

حه ۱۷

ارتباط ناگسستنی

ـان مهیا گردانیده استفاده‌کنند
ـه ها یی‌را که عمر شان رادر
ـرهنگ ملی وادامه صنایــع
ـع زیبا صرف نموده‌اند به‌مردم
•

دار آن امروز یان اند ، آنچه صنعت گران و
هنرمندان روستایی این مرزبوم از مردم خود
توقــع دارند اینست که بر کار های هنری
و فرهنگی آنها ارج گذارده شود و قدر شوند
تاصنایع دستی و صنایع زیبا باهمان اصالت



تشکر از کمک‌تان

مادری بانگرانی به پسرش که تازه از راه رسیده بود گفت : عزیزم ، چرا اینقدر دیر کردی کم‌مانده بود که بمیرم حتماً در مکتب برایت کار پیدا شد .

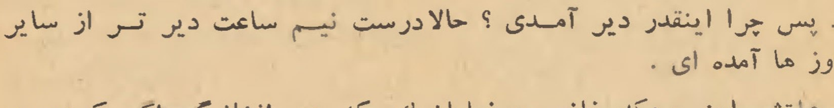
نی ، نی ، مادر جان .

ـ پس چرا اینقدر دیر آمدی ؟ حالادرست نیم ساعت دیر تر از سایر روز ها آمده ای .

ـ علتش این بودکه خانمی درخیابان‌یك‌سکه دو افغانیگی‌راگم کرده‌بود.

ـ آه عزیزم ! چقدر تومهربان هستی، و تو ایستاد شدی تا او را کمك کردی خوب سکه ای او راپیدا کردی یا نی ؟

ـ نی مادر جان .... سکه زیر پای‌من بود . آنقدر همانجا ایستادم تا او از پیدا کردن سکه نا امید شد ورفت .



احمد جان صبحانه تیار است‌پدرت را بیدار کن

شب خوشی

جوانی به تازگی با دختری زیبائی آشناشده بود وقرار بود بزودی عقد آنها اعلام شود .

یك روز جوان به سراغ نامزد آینده اش رفت و با خوشحالی گفت:

ـ امشب بسیارخوش خواهدگذشت. برای شب نشینی بزرگی که در هوتل پلازا برپا میشود سه کار ت عروسی ورودی دارم .

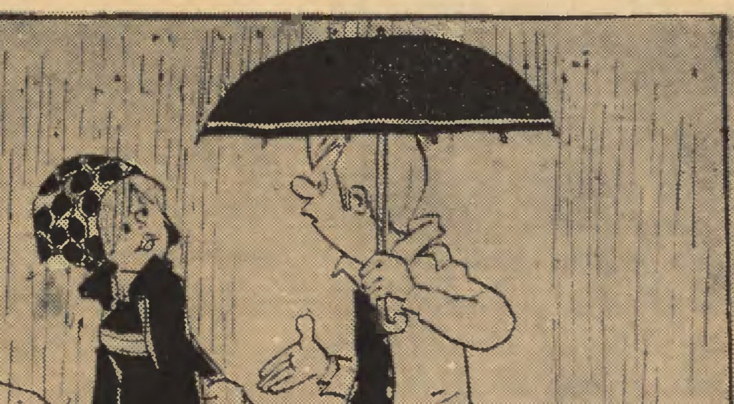
دختر تعجب زده گفت:

ـ ولی چرا سه کارت ؟

ـ خوب یکی برای پدرت ، یکی برای مادرت و یکی هم برای برادرت پس ما در منزل تنها میمانیم .



آهسته حرف بزن ک
نفهمد



مرد به‌زن: عزیزم چه باران‌خوبی‌می‌بارد

لازم‌است‌مشخصات‌مرا‌ابدا

مسافری وارد هوتل محقری شد. اطاق خواست طبق معم

بچه اسکاتلندی

مادام « ماك تاویش » به همین
کی مادر شده بود . چون درعین
ام وظایف مادری یك مغازه‌خوراکه
رشی را هم اداره میکرد وقتی
رش ده ماه شد روز ها او را هم
خود به مغازه می برد و کنارچوکی
شاند و در ابتدای کار نیز بچه
این جریان بسیار راضی بنظر
ی رسید .

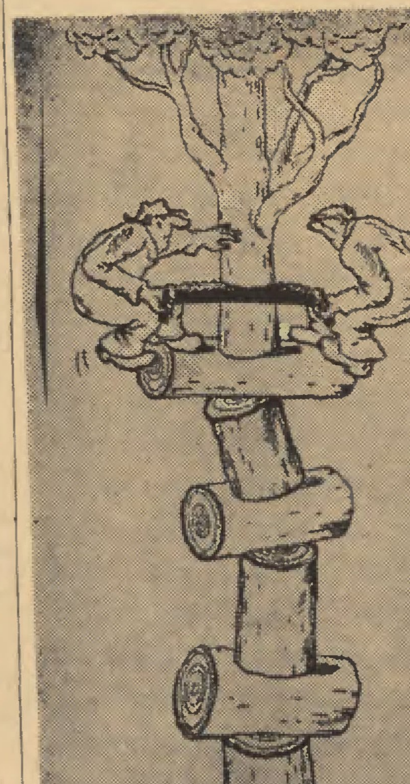
اما یك روز ، دیگر مشتریها بچه
در انجا ندیدند . خانمی که از
ترین کنجکاو تر بود از مادرش
سید !

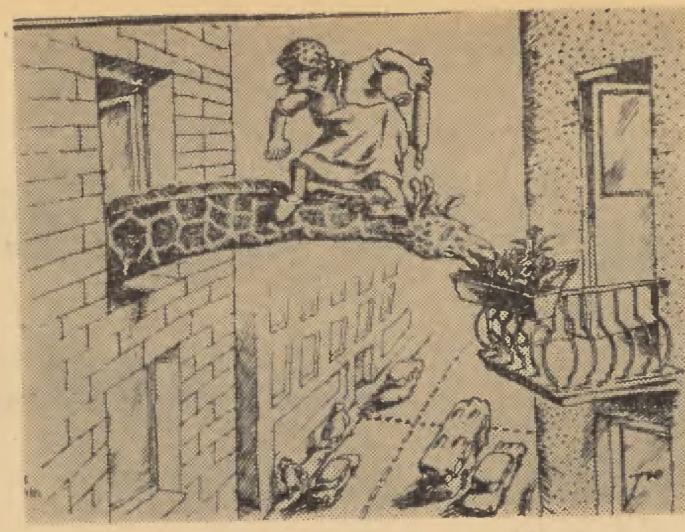
چطور است که دیگر بچه را با
تان نیاورده اید ؟

او را شیر خوار گاه گذاشتم .

چرا ؟

آخر او در این تازگیها هر وقت
من بقیه پول مشتری ها را پس
دم زار زار گریه می کرد .





بدون شرح

زن بافکر

مرد فوق العاده ثروتمند و بسیار پیری پیش داکتر رفته بود بعد از معاینه های مفصل داکتر او رامرخص کرد و به زن جوانش گفت :

ـ متاسفانه باید خبر بدی به شما بدهم . وضع شوهر تان بسیار وخیم است . بیش از سه ماه دیگر زنده نمی ماند .

زن با حا لت غمزده گفت :

چه بدبختی ! بسیار وحشتناك است.

چند ماهی گذشت . یك روز زن جوان به اتفاق دوستی چا ی می خورد . دوستش از او پرسید !

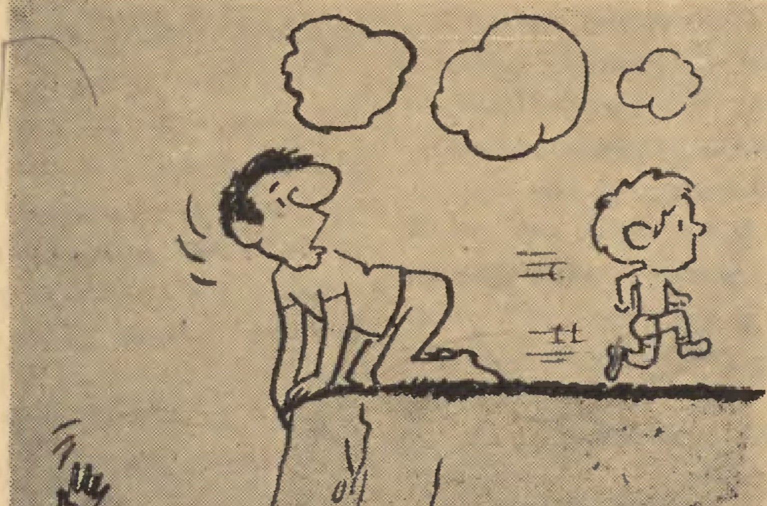
راستی حال شوهرت چطور است ؟

زن سری تکانداد و گفت :

ـ کم کم می خواهم که نگران آن باشم . چند وقت پیش داکتر گفت‌که بیش ازسه ماه به آخرعمرش نمانده است .

ـ برای همین نگرانی ؟

ـ نی حالا سه هفته از سه ماه می گذرد و هیچ خبری نیست .



دختر
زحمت

خانمی در باره جدید
دخترش صحبت میکرد .
در فعالیت نمونه است .

تمام روز را دریك فر
کار میکند از ساعت هف
ساعت ده شب در یك س
فروش است و از ساعت
نزدیك صبح هم در کلو
پیشخد مت است .

ـ به این ترتیب در
اصلاً نمی خوابد ؟

ـ چرا ، در ویترین
چنون کارش اینست ک
تخت دراز بکشد و عملاً
نوع تشك جدید را نشان

تا سف

پدر کلانی از نواسه اش
به صنف اول‌شامل شده بو

ـ خوب بچه گل ام
درسهایت چطور است ؟

ـ بد نیست .

ـ بگو تا که ببینم درسها
گرفته ای یا خیر ؟ پس دو
میشود .

پسرك فکری کرد و گفت

م: مانی

نگاهی گذرا بر نمایشنامه‌ای استثناء وقاعده

وقاعده
ه -بر تولت برشت
ه به دری -دکتورنجیب الله یوسفی
ان - حمید جلیا
جرا - کابل ننداری
آفرینان -مهدی شفا ، احسان اتیل،قادر فرخ

برشت که اینك تاریخ تیاتر جهان
به ستایندگی یاد می کند ، تا چند
ی در کشور ما ، ناشناخته بود واین
می تواند باشد ، اندیشه های
نه ی برشت برای پاسداران تاریکی
هر گز و هیچگاه قابل پذیرش‌وتایید
ت • برشت در نمایشنامه هاو آثاری
دم ، است»، «زن خوب سچوان»
نه دلاور»، «آنکه گفت اری وآنکه
، «قیمت آهن چند است»، «تفنگ
کارا» ، واقعیت های تلخ و گزنده‌ی
را نشان داده است ،واقعیت هایی
ط به سر زمین خاصی نمیشود بلکه
ست متعلق‌به‌خانواده ای بزرگ بشریت
از آزادی انسان صحبت می‌کند ،آزادی

است در زمینه ی تیاتر متعهد ، تا چند سال پیش در مطبوعات‌رسمی افغا نستان نام‌برتولت برشت انعکاس نمی‌یافت واین سیاست توطئه وسکوت را گردانندگان مطبوعات‌رسمی آگاهانه به‌کار می‌بردند • برشت از آغاز فعالیت های هنری‌تا آخرین روزان‌زندگی خویش باپذیرفتن دشواری های فراوان از موضع مردم دفاع‌کرده است صدای خویش را بر ضد ستم بارگان وآنهایی که درخط‌مقابل منافع توده هاایستاده اند بلند کرده است ، برشت هر گز بادشمنان مردم آنهایی که با قساوت ، بیرحمی ولگام گسیختگی ، بر هستی انسان ها می تازند سازش نکرده است‌و این می‌تواند نشانه‌ی روح بزرگ اندیشه ی والاوایمان خارا یین او باشد • برشت در عصری که دود باروت فضا را آلوده ، در عصر انفجار وکشتار ، در روز گار صاعقه وآتش ، هرگز از درخت و شگوفه وگل سخن نگفته است • واقعیت‌زمانه‌ی خود را باز تاب داده است و هم با این‌ارتباط است که انسان معاصر‌به‌ستایش او برمی‌خیزد ونام ویاد وآثار اورا گرامی میدارد و همـاره

بر خوردی آگاهانه دارند امیدوار کننده است• شاید نمایش آثار برشت بـرای بیننده ی کشور ما چندان گیرایی نداشته باشد و به اصطلاح از تماشای آن خسته شود • امـا ایـن دلیل کاستی نما یشنامـه هـای برشت نتواند بود واز ارزشمندی آن نمی‌کاهد

دراثر بیداد فرهنگی دولت های غاصب در گذشته مادر سطح پایینی از دریافت مسایل هنری قرار داریم • که دیگر زمان تلافی آن رسیده است • باید با پدیده‌ی هنری -ادبی بر خوردی از نوع مسوولانه ی آن داشت • نمایشنامه های برشت «نوع کمیدی -تراژیدی شتابزده ، بیمار وبی پیام نیست ، برشت‌با قلم ستیزنده ای که دارد واقعیت های دردناك جوامع انسانی را بازتاب می‌دهد •

قلم اودر جهت اثبات حقایق زمانه اش‌به کار می افتد . برضد ماموران مرگ هیتلـری به پرخاش وستیزه برمی خیزد • دستگاه بورژوایی اداری‌دوران‌خودراکه ترکیبی‌ارتجاعی دارد به باد انتقاد می‌گیرد واین انتقاد در نمایشنامه‌ی قاعده واستثناکه مورد نظر ایـن بحث است به اوج گویایی خود میرسدبرشت‌در نمایشنامهٔ قاعده و استثناء نشان میدهـد که چگونه داد گاه متعلق به نظام سرمایه - سالاری واقعیت هاو حقایق را تحریف مینماید واز موضع استثمار گران وبهره کشان دفاع می‌نماید •

پیام خویش را در شکلی هنری به‌خوا
ویا بیننده‌ی آثار خود می‌رساندو این ی
ازویژگی های برشت است‌که تلفیقی م
محتوی وشکل اثرپدیدمی‌آورد واما نمایش
استثنا و قاعده که در تالار کابل نندار
نمایش گذاشته وبر گرداننده ی دری آن‌د
یوسفی است . یوسفی تا اکنون بسیاری
آثار ونمایشنامه های برشت رااز متن ا
به دری بر گردان کرده است که این می
روزنه ای باشد برای شناخت هر چه ب
برشت که در دیار ما کمتر مورد شناخت
گرفته است وعلت هم آن گونه که گفت
روشن بوده است • از نمایشنامه ی اس
قاعده پیش از آنکه دکتور یوسفی دست
برگردانی آن ببرد ، نیز ترجمه ای در
هست وتاجایی که نویسنده ی این سطو
دارد در حلقه های روشنفکری ودانشجو
کشور همسایه ی ما ایران بر روی صح
است • این گفته ها به مفهوم آن نیس
ازارج کار دکتور یوسفی کاسته باشیم
زحمات او را نادیده بگیریم اما توقعی
دکتور یوسفی است آنکه همان آثارو ن
هاو نمایشنامه های برشت را برگردان
که پیش از این ترجمه وبرگردانی از
دست نباشد •

اینکار می تواند ارزشمندی فراوانی
باشد - و همچنان زمینه‌ی شناخت گ
برشت را میسرمی سازد • دکتور یو
تسلطی که‌به زبان وادبیات آلمانی دارد
بسیاری از نوشته هاویاد داشت ها
برشت را از بوته‌ی فراموشی وگمنامی
اورد و فرادید جامعه‌ی دری زبان قرا
بهرحال کوشش دکتور نجیب الله یوس
زمینه‌ی برگردانی آثاربرشت به‌دری وش
این شخصیت برجسته‌ی جهان قـابل
فراوان است واما نمایشنامه‌ی است
برچه بنیادی نوشته شده است ،
این زمینه اندکـی به تفصیل سخـن
نمایشنامه ی استثناء وقاعده اثری ا
دارای روحیه ی حماسی که بر ضد
ها، ارکان وبنیاد های جامعه‌ی سرما
واستثماری میشورد•در نمایشنامه نش
میشود که چگونه سرمایه نکبت‌به‌بار
و«سوداگر» و سرمایه دار درین نم

زحمتکشان‌که درواقعیت آفریدگاران
و نعمت‌های‌مادی اند فراهم می‌آید
، برشت این ماشین نیست که
اری ودر بدری افراد جامعه ای را
زد . نظام سودا گرانه، ارتجاعی
است که چنین نتیجه ای را به
. وحشت کارگران و زحمتکشان
ش و پیـــد ا یش ما شین
ده است باید بر ضد نهاد های
م انحصار ی‌وسرمایه داری مبارزه
ند ماشین‌کـــه زادهٔ دانش خود
ویاری کنندهٔ اوست .
ر نمایشنامه ی استثنا وقاعده‌این
ز نشان میدهدکه نظـام های طراز
ـفاشیستی از اتحاد ویگانگی‌و
وده ها در هراس است. تاجایی
باشد از این وحدت که‌به سود
جلو گیری می‌کند . در نمایشنامه
که «سودا گر» باهمه‌ی نیروهای
باشی» و«جوالی» که هردومی‌تواند
قشار جامعه باشد در اثر توطئه
ا گر» ازهم‌دور نگهداشته میشود.
ات خودرا در این می‌بیند که‌اگر
وند ویکدست گردند هستی اودر
بااتحاد «باشی‌وجوالی» طومارعمر
ردیده میشود. توطئه ای می‌گسترد
هم جدا می‌کند ودر این اثــــر
ن داده میشود که چسان طبقات
پوسیده و زمان زده‌ی خـود را
میل می‌کند ، در طی را هیپمایی
ت که حرف میزند . تصمیم‌میگیرد
ی‌کند و جوالی هم تایید گــر
اربابان قدرت به این باور دارند
حرف‌های‌آنها نازل شده ازآسمان
بهامی‌گویند واراده مینمایند باید
جرا شود . تا جایی کــه ایـن
مایشنامه‌ی قاعده‌واستثنا تاسرحد
سد . ارباب سرمایه وثروت که
ت سرمایه گرد می‌آورد وازاین
که باشد دفاع می‌کند . به آنچه
قدرت ، زور وسیطره جویــی
ن پندارند که قدرت می تـواند
هستی باشد اما به قدرتی کــه
اندیشند قدرت های پوشالی و

«جوالی» که نماینده‌ی طبقه‌ی زحمتکش‌است. بدست سوداگر از خود راضی، خـود کـامه وبیدادگر است در هنگامی کشته میشود که «جوالی» می خواهدبه‌سوداگر محیل آب بدهد. سوداگرکه دلی‌چرکین ونهادی ناپاك داردگمان کرده که جوالی با پارچه ای از سنگ به طرف او می‌آید در حالیکه جوالی با «پتك‌آب» به‌یاری او می‌شتابد . اهل سرمایه وسود مهربانی راهم بادرنده خویی پاسخ می‌دهند .

برشت در این اثر می‌خواهد این نتیجه را بگیرد که اربابان قدرت ، آنهایـی‌که حسا ب شان از مردم جداست هر گز نمی‌توانندونمی خواهند که به توده ها محبت و دلسوزی داشته باشند وبه سر نوشت آنان بیاند یشند ونباید هم چنین باشد . برشت دراین نمایشنامه محبت جوالی را به سوداگر که از طبقه‌ی او نیست محبتی ابلهانه می‌داند واو به این باور است که بدی را باید بابدی پاسخ گفت جواب کینه ، کینه است ، برشت میگوید «قاعده»این است ، احمق آنکه به «استثنا» می‌اندیشد . آن پتك آب باید در دست جوالی که قبلا بوسیله ی سوداگر یکدستش شکسته بود به سنگ مبدل می شد و فرق سوداگر را می‌شکست .

برشت دراین نمایشنامه وضع داد گاه هایی را نشان می‌دهدکه‌درکشورهای طراز فاشیستی همه‌ی فیصله های شان به سود اربابان‌قدرت است . حقایق را تحریف می‌نمایند و قضایا رابه سودپولداران وکج اندیشان حل و فصل می‌کند باری باید ، جوالی به سوداگر محبت نمی ورزید ، باید از «قاعده» پیروی می‌کرد نه آنکه به «استثناء» بیاند یشد .

درین نمایشنامه که‌به وسیله‌ی حمید جلیا کار گردانی شده و نقش های عمده را مهدی شفا ،احسان اتیل ، قادر فرخ به عهده دارند شعر هایی جای داده شده است که بدون شك در متن اصلی‌به‌نوعی دیگر است . شعر ها دارای ارزش ادبی چندانی نیست . دکور ساده‌است‌امامیتواندباروحیه‌ی نمایشنامه‌متناسب باشد، بازی گران این اثر که نقش های‌عمده را به عهده دارند مانند شفا واتیل وفرخ در کار خود نظربه تجر به و سابقه که دارنـــد

بقیه صفحه ۲۷

رهائی زن و...

متاسفانه تعداد بیسواد زن گاه سه برابر مرد است کـه در این راه مثال برجسته همانا مبارزه سرسخت با بیسوادی است کـه عملاً جـریان دارد. وهمین عدم توانائی در خواندن ونوشتن باعث‌میشود که انسان‌های خرا فـا تی باقـی بـما نـند و ضرر جهل و بی سوادی آنها اینست که‌ازدرك حقوق انسانی خوددور می مانندوضرورت تغییروتحول را احساـ س نمی‌کنند. کما اینکه بسیارهستند زن های عامی و بیسواد که زیردست بودن خود را جزو فـرمان سرنوشت وتقدیر دانسته ومعتقد بودندکه‌جای زن واقعاً در آشپز خانـه است و او هیچوقت از نگاه عقل وخرد به پای مرد نمیرسد و اگر زنی بـدنبال کار کردن و مقام جستن میرود حتمایکی از پیچ مهره هـای کارخانـه عقلش معیوب شده است . تعداد این گونـه زنان نا آگاه و سنت پرست در دهات چند برابر شهر ها بود وطرزتفکر این دستـه از زنان برای پذیـرفتن نهضت و یك سلسله امتیازات دیگر زنان خیلی بطی بود سواد وحـرفه آموزی و گـرایش به کار کـردن و مشارکت در امور اجتماعی یگانه راه مبارزه با این عقب نگری فکری است زیرا زن با سواد و شاغل و بادانش حقوق خود را میشناسد وبه انسانیت بیشتر معتقـد می شود .

بعد از انقلاب ثور و بـخصوصـ مر حـلـه نوین و تـکا ملـی آن جامعه موظف است کـه در هـای بسته تمام رشته های تخصصی رابه روی زنها باز گـذارد و فـرصت کار آموزی را بـه زن بدهـد : براستی چرا زن نباید حفر کـن چاه های نفت باشد؟ چرا زن نباید متخصص زراعت باشد ؟ چرا زن نباید مهندس باشد ؟ چرازن نباید کارگر چـاه هـای‌نفت طیاره مسافری ویا جنگی باشد ؟ آیا جواب این چرا هـا جـز اینست کـه

بشری‌که جز شعار جمهوری دیمو
تیك افغانستان است حکم میکنـد
قوانین اجتماعی بر پایهٔ انسان
افراد طرح ریزی شود ، نه زن و
مرد بودن آنها مشاغل‌را بایدبه
شاغلین لایق ودانا سپرد. نه به
زن ویـا مـرد . مثلاً چـرا بایـد
خدمتگاری و پرستاری فقط یك
زنانه باشد و شستشو وپخت و
و بچه داری یك شغل صد در ص
زنانه تلقی گـردد . بسیاری از
هستند که در اداره و کار خانه
ازمحیط خانه رغبت کار کردن وخ
کردن را دارند وبعضی از مرد ه
هستند که به علت نرم خو بود
لطافت ضمیر و باطن بهتـر میتو
در کودکستان ها معلمی و آموزگا
وپرستاری‌کنند. چرا نباید به مر
اجازه داد کـه مطابق میـل و کش
نهاد خود بدنبال کاری برود که ب
آن ساخته شده اند . چرا همه ف
میکنند کـه سکرتر زن بهتـر از
است ؟ چرا نباید قبول کرد کـه
بسیاری از اوقات یك مردتایپست
مهارت بیشتری میتواند تایپ نما
و وظایف یك منشی ویا یك سکر
رابهتـر از زن انجام دهـد و یـا
پرستار مرد که از عاطفه و مهرب
لبریز است شاید بهتر ازیك زن ق
به بزرگ کردن یك کودك باشـ
حتی در پرورش جسم و جان او تا
عالـی تری از یك پرستار زن باق
بگـذارد ؟ پس میتوان نتیجه گر
که اکنون‌که محدودیت های‌آموزش
میان رفته . دختر ویا پسر به‌هن
انتخاب‌رشته های تحصیلی وآموز
حرفه ای سهم مساوی داشته باش
و در انتخاب رشتـه آزاد گذاشت
شوند آنگاه میتوان امید داشت ک
زنها در تمام رشته ها برای خـد
کردن به کشور و جامعه خـود آم
هستنـد .

جامعه که در جریان تحول بنیا
قرار دارد بـدون شك این مبارزه
بحیث یك پرنسیپ عالـی و اساس
قبول میکنـد . این مبارزه در واق
حماسه ایست‌که اشتراك درآن بز

سکته قلب را با عملیات جراحی میتوان تداوی کرد

ترجمه : دکتور جیلانی باغبان احمدزی

از مجله سپوت نیک



دوکتوران امراض قلبی هنگام عملیات قلب .

پنداشته شد وبروی میز عملیاتمنتقل گردید، زیرا بیمار هنوز جوان است سی و هفتسال دارد واز اثر این مریضی است که حملا ت قلبی بنام (ستینو کار دی) واحساس ترس همیشگی در او مو جود است ، و دیگر هیچ نوع تداوی هم مفید واقعنمی شود .

در روی میز عملیات و رید رنگ پریدهٔبطول دوازده الی ده سا نتی متر معلوم می شود که تازه از قسمت ران مریض جدا گردیده بــود تاعوض شریان بند شده بحیث کانال جــدید خوندرقلب از آن استفاده شود . و دو ران خون در آن قسمت قلب دو باره احیا گردد.

بناء جراح کمی پائینتر از ناحیهٔ بند شدهٔ شریان اصلی قلب عملیات را آغاز نمود و کانال جدید خون را در نا حیه شقشدهبعوض آن محکم دو خت وانجام د یگر کانال جدید را درآورت و صل سا خت و بعد از امتحان، پنس های قید خون راباز نمودند . خون در و ریــد یاکانال جدید و صل شده که هنوز روی قلب قرار داشت در همان لحظه به تمام رگ های که در عضلهٔ قلب جا دارد بحرکت افتیـــد.

قرار گفتهٔ کنیازیف قلب د یگر بشکل آزاد کار میکند ، گر چه قسمت عضلات قلب کـــه صدمه دیده اند ممکن دو باره احیا نشود، مگر از پیشرفت تکــلیف جلوگیری حتمی بعمل آمد . وحرکات تقلص قلب بمراتب بهـــترو عالی تر خواهد بود . و وریدیکه از ران جـدا گردیده آ یا بخود ران صدمه نمی رسا ند ؟

از زمان سابق معمول است که ورید های فراخ شدهٔ بشکل (و ریکوز) از پای خـــارج ساخته می شود که بدون از خوبی و بهتری

امکان تداوی باادویه موجود نی
که متیقن بود که د یگر تکلیف
تداوی با ادویه خارج است د
نباید به ادویه صد فیصد اتکا
درین حالت یك عزم قوی ،
طلائی بکار است و بس .

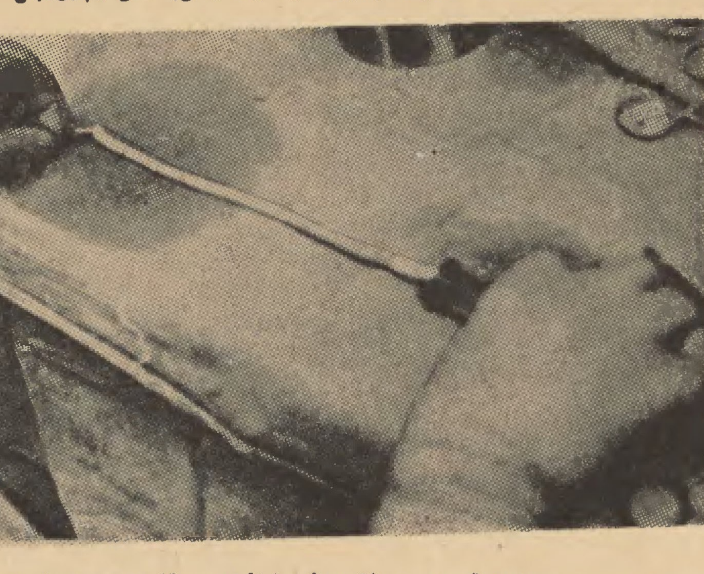
امروز گروپ بزرگ محققین
وقلبی بنام (کاردیو لوژی) در
مشغول کار اند بناء مر کز تح
جراحی تاثیرات مثبت تداوی با
را بشکل خیلی عمیق و پیچیده
قرار مید هند .

بدین صورت عملیات که پنج
نداشت امروز ممکن گردیده اس

صد ها مریض درینجا نه تن
قلب نجات می یابند واز درد ط
میگردند بلکه تمام قوهٔ و نیروی
کار و زحمتکشی برایش باز گش
تادرسایهٔ آن بوضع آ رام و عا
نماید .

در مقابل سوالی که انفر کت
درسنین پیشرفته بوجود می آید
کنیازیف چنین جواب داد :

این نظریهٔ خیلی سابقه بوده
شده انفرکت قلب در پنج تا هف
دو مرتبه جوانتر گردیده یعنی از
وشصت سالگی به سنین خیلی
وفعالیت یعنیبه سی وچهلوپنج



درین تصویر جریان پیوند رشتهٔ عصبی قلبدیده می شود

انسانها باانکشاف علم طب و بیو لو ژی از مادهٔ رنگی (مواد کانتر است) را زرقنمودند،

ریضی البته واضح ا ست مانند :
عصبی ، زندگی کم متحرك ، الكول
سگرت ، چلم و نصوار.
ل در اخبار ا طلاعیه‌ای به نشـــر
ریقۀ جدیدی بوجودآمده و توسـط
کاردی (ضیقی قلب) حاد عـوض
حی تداوی میشود .
کنیازیف درین باره چنین ابراز

ن سیستم از طریق شریان‌ران‌بنام
ه در قلب گذاشته می شود به این
وسط آن بالون هوائی به شر یـان
فرو برده می شود و بعدهـوا می‌
بشکل میخانیکی شریان تنگ‌شده‌را
و بعد از چند ثانیه بالون را دور

صورت و ضع شریان تنگ شده
. مرور زمان خوب می شود. به‌این
بتود قبلا هم رگ ها را تدا و ی
مگر در قسمت های د یگر بدن، مثلا
ختن رگهای پای . علاوتا کاتیتری
مو جود اند که توسط آن ترو مب
ون) را از رگ ها دور می‌ساختند،
یب عین چیز باشد ، مگر از نگاه
ی علیحدۀ .
ندید طوری است که در هر ر گ
ن اینکه جدار آ نرا متضرر سازد
می تواند .
از تطبیق این بالون حبابی‌که‌بشکل
رگ فرو میرود شریان تا چه مدت
ی نمی گردد ؟
ی مو ضوع مربوط آن است کـــه
ریو سکلیروز) در چه مدت انکشاف
عضا شریان جدید تداوی شده‌بحال
با فعالیت میکند ، مگربعضاماه ها.

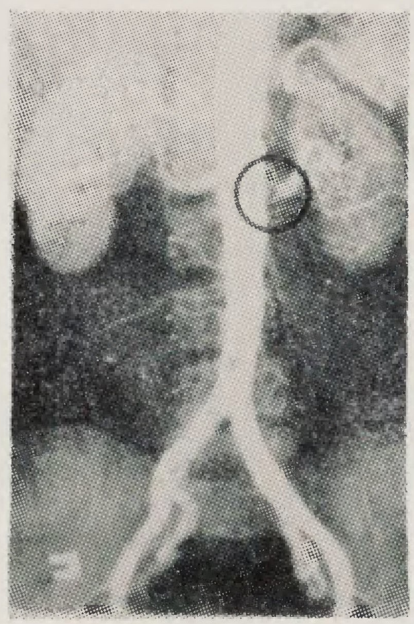
اما چنین هم میشود که شریان قطعا و سعت نمی‌یابد و بحال خود ضیق یا تنگ میماند.

این طریقۀ ا خیری خیلی سود مند است‌زیرا بیمار را از تکلیف عملیات نجات میدهد .

گرچه این میتود بااصول بدون خطر هـــم نیست ز یرا در حین و سیع سا ختن شریان ممکن قسمت های سکلیروزی پارچه شو نـد. واین پارچه ها زمانیکه حباب را دور سازند، ممکن مجرای شریان را بکلی مسدود نماید.

ازینجاست که این تجربه هنوز و قت و زمان زیادی بکار دارد ، در اکثر ممالك علمـا روی آن تحقیق می نمایند .

بناء این طریقه باگرنتی عملیات جراحی‌اجرا می‌گردد . بدین صورت از نگاه موثر بـــودن عملیات جراحی را با هیچ چیز نمی تــوان مقایسه کرد، مخصوصا در حصۀ شریان کورنر قلب . زیرا قدم مهم در تداوی اتریوسکلیروز ومریضی ا یشیمی قلب شمرده میشود .



در عکس بشاخۀ بزرگ رگ که صدمه دیده اشاره شده‌که باعملیات این نقیصه رفع‌میگردد.

فروش آن ، تدارك داروها ازنگاه اقتصادی نشانی و علایم دقیق یك قلم دوا که مطابقت به قلم دیگر داشته وبعوض آن مورد استفاده قرار گیرد ، تاثیرات یـك دوا که بعـــوض د یگر استعمال شود . تحریر داشته وبه

کامپیوتر می سپارند ، لحظه یی بعد
معلومات لازمه رادر اختیار ادویه
می‌گذارد .
اخیراً این کامپیوتردریك تعداد از
هابکار انداخته شده است .

بقیه صفحه ۲۶

استثمار زنان..

در بسیـاری مـوارد در تونل هـا مرطوب کارگران مجبور می‌شوند روی آب کثیف یا نمکی بـه عمق چنـدین انچ به حالت خزیدن کار نمایند کـه این حالت موجب جراحات جلدی مـی شود . لهذا می توان حدس زدکه این چنین کار های خطـر ناك و برده وار مخصـوصاً در حفریات و معادن ذغا ل سنگ چگونه شرایط مقدماتی را برای بروز امراض فراهم می آورد . و زنان و کودکـان را چگونـه دچار امـراض خطرناك و غیر قابل تداوی میسازد .

با مطالعـه مطالب بالا نیـك درك می کنیم که استثمار گران سرمایـه دار با انجام کار هـای غیـر انسانی بالای زنان و کـودکان چه عـواقب وخیمی را ببار می آورد و برای سود جویی وبهره برداری بهتر و بیشتـر به چه اعمال ننگین دست می زنـد و مخصوصاً چه جرم ها وجنایات را در برابر زنان و اطفال بی گناه مـرتکب می شوند .

رفع‌نواقص
نقاشی

موزیم(انتون–یوار یش)درشهر (برو
جهت معاینه ودقیق از نظر گذرانیدن
نقاشی ، رسامی و آثار میناتوری از
غیر منکسره (انفراروت) بخاطر معلو
نواقص و اغلاط آن ها استفاده می‌نم
آگاهان حرفه یی اکثر غلطی هاو
تابلو های نقاشی ورسامی‌رابدین‌وسی
کرده‌اند . چه، ساختمان لنیز ودور
الکترونیکی که درین عملیه بکار برد
عیناً مانند چشم انسان بوده بواسطه
آثار متذکره را دقیقانه تحت ارزیابی
قرار داد ، این‌کامره‌نواقص ونقاط قا
را برجسته تر وواضح تر نشان میدهد

بقیه صفحه ۳۳

نشر مکالمات..

همه رفقای عضو دستگاه نشر مکالمات بـه یك دیگر (تو) خطاب میکنند. به مجرد شنیدن کلمه‌ئی تو طرف‌پی‌میبرد که متکلم از جمله‌ئی رفقای (هوبی) است. البته مخاطب قراردادن به کلمه ئی تودر مورد جوانان وپیران یکسان است . استیشن مربوطه ئی هر نفر رادیوی دستی کوچکی است که به دلخواه خود بالای آن یك نام گذاشته است . وحین برقـراری

بکار انداختن رادیوازطرف مقابل‌ارائه
یاکلمه یی (فیل موبل) مساوی به
جوی‌ه خراب است ، هوا غبار آلود و
خاکاست. انسان میتواندبااتنشاراین
المللی یك مواصلات رادیوئی رادر
جهان بر قرار نماید .

مدیر مسوول: راحله راسخ
معاون : محمد ز مـان نیک
آدرس : انصاری وات‌جوار
مطبوعات ... کابل

کامپیوتر دواخانه

اسم یك طرز جدیدکسب معلومات
اسبه در دواخانه ها است . این
ستم اساسی الکترونیکی در زمینۀ
که هم‌زمان باروبکار آمدن آن‌بما
اسطه آن انجام می‌پذیرد . چه از
ختن ادویه جات ترکیبی به محاسبه‌و

دوا بخاطر جلو گیری از کهنه بودن آن ،پی‌در پی پرابلم هایی را متوجه فروشندگان ادویه می سازد وکامپیوتر جدید در موارد متـذکره به دواسازان و کمپودران مساعدت می‌نمایند. واضافه از آن معلومات علمی و مسلکی رادر برخی حالات به دوا سازان ارائه میدارد .









